



فصل اول

«مفهوم جامعه‌شناسی سیاسی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

- کله ۱- ویژگی‌های نظام سیاسی یک جامعه مکانیکی، کدام‌اند؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) همراه با تقسیم کار و پیچیدگی
(۲) عقلایی، پیچیدگی، انضباط
(۳) بسیط، سنتی و بدون تقسیم کار
(۴) نظامی، انضباط و تفکیک ساختاری
- کله ۲- علت اصلی انقلاب در نظریه سیستم‌ها چیست؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) اخلال خارجی
(۲) فاصله سیستم و محیط
(۳) فرسوده شدن ابزارها
(۴) باز خورد خروجی‌ها در محیط
- کله ۳- هانا آرنت سیاست را مربوط به حوزه عمومی و حوزه عمومی را مبتنی بر می‌داند. (سراسری ۸۳)
- (۱) مفاهمه و گفتگو
(۲) منازعه و جنگ
(۳) سلطه و کشمکش
(۴) زور و اقتدار
- کله ۴- از نظر پارسونز نهادهای عهده‌دار کارویژه نیل به اهداف در یک نظام اجتماعی هستند. (سراسری ۸۳)
- (۱) فرهنگی
(۲) سیاسی
(۳) حقوقی
(۴) اقتصادی
- کله ۵- در کدام‌یک از نگرش‌ها نظم سیاسی معلول الزام و خشونت دولتی است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) انسان موجودی خودخواه و منفعت‌طلب است.
(۲) انسان موجودی طبعاً فاسد، شرور و خودخواه است.
(۳) انسان موجودی ارزش‌گرا و هنجارگرا است.
(۴) انسان دارای رفتار عقلانی و سودگرا است.
- کله ۶- کاربرد مفهوم پولییتی Polity به جای سیاست Policy توسط پارسونز بدین علت است که از دید او سیاست: (سراسری ۸۴)
- (۱) امری ویژه در جامعه است.
(۲) به معنای توزیع هرگونه قدرت است.
(۳) تنها در عرصه حکومت خلاصه نمی‌شود.
(۴) تنها در عرصه حکومت خلاصه می‌شود.
- کله ۷- در نگرش ساختارگرایی مطلق، سوژه چه نقشی در زندگی سیاسی دارد؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) انقلابی
(۲) آزادی عمل کامل
(۳) در حد تغییر ساختار
(۴) نقشی ندارد
- کله ۸- در جامعه‌شناسی سیاسی کدام یک از بزرگان این رشته، سیاست امر ثانوی فرض شده و تابعی از متغیر مستقل اقتصاد در نظر گرفته می‌شود؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) جان لاک
(۲) چارلز فوریه
(۳) کارل مارکس
(۴) هنری دوسن سیمون
- کله ۹- کدام مکتب یا رویکرد در جامعه‌شناسی دارای گرایش پوزیتیویستی و محافظه‌کارانه نیست؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) مکتب شیکاگو
(۲) مکتب علوم فرهنگی
(۳) رویکرد سیبرنتیکی
(۴) فونکسیونالیسم
- کله ۱۰- دو متغیر بنیادین توسعه سیاسی در نظریه کارکردگرایی توسعه کدام‌اند؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) میزان رشد بروکراسی و میزان صنعتی شدن
(۲) میزان رشد فرهنگ سیاسی و میزان صنعتی شدن
(۳) میزان رشد مشارکت سیاسی و میزان کاهش بحران‌های سیاسی
(۴) میزان انفکاک و تمایزگذاری ساختاری و میزان نوگرا شدن فرهنگ سیاسی
- کله ۱۱- کدام گزینه زیر صحیح است؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) رئالیست‌ها نسبت به ذات انسان‌ها نگاهی بدبینانه و منفی دارند.
(۲) رئالیست‌ها نسبت به ذات انسان‌ها نگاهی خوشبینانه دارند.
(۳) رئالیست‌ها معتقدند اعمال انسان‌ها همیشه خاستگاه عقلانی دارد.
(۴) رئالیست‌ها وجود دولت را ضروری نمی‌دانند.
- کله ۱۲- بر اساس مدل رئالیستی و نظریه قدرت، (آزاد ۸۶)
- (۱) انقلاب، تحول اساسی در ساختار حکومت ایجاد می‌کند.
(۲) انقلاب، تحول اساسی در ساختار حکومت ایجاد نمی‌کند.
(۳) انقلاب، ناشی از ساختار منافع اقتصادی است.
(۴) انقلاب، توسط طبقه کارگر یا پرولتاریا انجام می‌شود.



- کدام یک از عبارات زیر به عنوان یک تعریف جامع از جامعه‌شناسی سیاسی صحیح است؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) جامعه‌شناسی سیاسی علمی است که بر اصول مشترک جامعه‌شناسی و مبانی علم سیاست تأکید دارد و موضوع اصلی آن بررسی روابط متقابل میان قدرت دولتی و نیروهای اجتماعی است.
- (۲) جامعه‌شناسی سیاسی علمی است که به بررسی «قدرت» می‌پردازد.
- (۳) جامعه‌شناسی سیاسی دانشی است که برگرفته از نظریه اثبات‌گرایی یا پوزیتیویسم است و موضوع آن مطالعه احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه است.
- (۴) جامعه‌شناسی سیاسی علمی است که در مورد چگونگی تأثیر قدرت یا اقتدار حکومت و نهادهای آن بحث می‌کند.
- کدام مهم‌ترین ویژگی فکری مکتب رئالیسم کدام یک از گزینه‌های زیر است؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) تولید (۲) فرهنگ (۳) قدرت (۴) اقتصاد
- کدام از نقطه نظر پوزیتیویست‌ها دولت است. (آزاد ۸۷)
- (۱) ناشی از فطرت انسان و احکام طبیعت (۲) نتیجه اراده لایزال یزدانی
- (۳) ساخته و پرداخته اراده مختار و عینی بشر (۴) حاصل اراده جمعی افراد جامعه
- کدام کارویژه‌ی دولت از نظر دورکیم عبارت است از (سراسری ۸۸)
- (۱) رشد اقتصادی (۲) تدبیر و تعقل (۳) کنترل احساسات (۴) گسترش سرمایه‌داری
- کدام گزینه موضوع مطالعه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی به طور اعم محسوب می‌شود؟ (سراسری ۸۸)
- (۱) احزاب سیاسی (۲) نظام حقوقی (۳) گروه‌های ذی‌نفوذ (۴) قشربندی اجتماعی
- کدام جمله در مورد «جامعه‌شناسی سیاسی» صحیح نیست؟ (آزاد ۹۰)
- (۱) جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی محیط اجتماعی سیاست می‌پردازد.
- (۲) رابطه میان دولت و جامعه مهم‌ترین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی است.
- (۳) در جامعه‌شناسی سیاسی زندگی سیاسی به وسیله متغیرهای اجتماعی توضیح داده می‌شود.
- (۴) اصلی‌ترین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی، نظام سیاسی و چگونگی اعمال قدرت دولتی است.
- کدام یک از مکاتب فکری زیر مکتب مسلط در جامعه‌شناسی سیاسی است و بنیاد معرفت‌شناختی آن چیست؟ (آزاد ۹۰)
- (۱) مارکسیسم - ماتریالیسم دیالکتیک (۲) مکتب علوم فرهنگی آلمان - اعتقاد به دوگانگی علم
- (۳) اثبات‌گرایی - اعتقاد به وحدت علوم (۴) پلورالیسم - تکثر منابع معرفتی

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل اول

۱- گزینه «۳» منظور از جامعه مکانیکی، جوامع سنتی است با این ویژگی‌ها: بدون تقسیم کار، عدم تفکیک ساختاری، بسیط، وجود ساختارهای غیر عقلایی و در مقابل، تقسیم کار، پیچیدگی، عقلایی، انضباط و تفکیک ساختاری از ویژگی‌های نظام‌های سیاسی جوامع ارگانیکی و مدرن محسوب می‌شوند.

۲- گزینه «۴» در نظریه سیستمی کل جامعه همانند سیستمی است مرکب از بخش‌های مختلفی که هر یک نقش‌ها و وظایف خود را انجام می‌دهد و بین اجزای سیستم روابط مکمل و متقابل وجود دارد. هر سیستم مجموعه‌ای از اجزای همبسته است که در درون محیط خاصی عمل می‌کند. در نظریه سیستم‌ها در صورتی که خروجی‌های نظام سیاسی هماهنگ و متناسب با تقاضای محیط نباشد، در سیستم اختلال ایجاد می‌شود. همچنین در نظریه سیستم‌ها رابطه میان محیط و نظام عبارت است از: حالت تعادل یا عدم تعادل میان ورودی‌ها و خروجی‌ها. اصل متعارف در تحلیل سیستمی آن است که چنانچه فشارهای وارد از محیط به اوج خود برسد، مرزها به هم می‌ریزند و نظام فرومی‌پاشد.

۳- گزینه «۱» از آنجا که قدرت سیاسی، مهم‌ترین معیاری است که می‌تواند ماهیت و نوع ساختار سیاسی را آشکار سازد، هانا آرنت قدرت را متعلق به همه می‌داند و سیاست را حوزه مفاهیم تلقی می‌کند. سایر گزینه‌ها هر کدام به یک مفهوم یکسان اشاره دارند.

۴- گزینه «۲» به نظر پارسونز هر نظام اجتماعی جهت حفظ، استمرار و تداوم خود چهار کارویژه اصلی را انجام می‌دهد که عبارت‌اند از: کارویژه حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی توسط نهادهایی چون مذهب و فرهنگ، کار ویژه ایجاد همبستگی و حل منازعه به موجب نظام هنجاری یا حقوقی، کارویژه انطباق با شرایط جدید و متغیر توسط نظام اقتصادی و کارویژه نیل به اهداف که توسط نظام سیاسی صورت می‌پذیرد. بنابراین از نظر پارسونز، نهادهای سیاسی عهده‌دار کارویژه نیل به اهداف در یک نظام اجتماعی هستند.

۵- گزینه «۲» گزینه‌های ۱ و ۴ از مبانی فلسفی ایدئولوژی لیبرالیسم هستند که بیشترین فاصله را با خشونت دولتی دارد، در حالی که توجیه الزام و خشونت دولتی از نیازهای ضروری رژیم‌های اقتدارگرا (که در مقابل رژیم‌های لیبرال قرار دارند) است. هنگامی که فلسفه‌ای معتقد به طبع شرور و فاسد انسان باشد طبعاً نظام سیاسی برآمده از آن به منظور ایجاد برقراری نظم سیاسی، به کارگیری اهرم سرکوب را در دستور کار خود قرار می‌دهد. نظام‌های سیاسی که بیشترین بهره را از ابزار زور و سرکوب برای کنترل جامعه می‌برند، نظام‌های اقتدارگرا نامیده می‌شوند. استفاده از خشونت و الزام سیاسی نیز از بهترین ویژگی‌های اقتدارگری است.

۶- گزینه «۳» فرض نگرش اصالت کارکرد پارسونز این است که درون سیستم، هیچ گروهی دارای امتیازات قدرت از پیش تعیین شده نیست و تنها نهادها یا نقش‌های خاصی واجد خصلت قدرت سیاسی هستند. از آنجا که هیچ گروهی در عرصه جامعه دارای قدرت تعیین‌شده نیست، در نتیجه، سیاست تنها در عرصه حکومت خلاصه نمی‌شود.

۷- گزینه «۴» یکی از تقابل‌های مهم در جامعه‌شناسی سیاسی تقابل ساختار - کارگزار یا ساختار - کنش است. ساختارگرایان به نقش ساختارها و کنش‌گرایان به نقش کنش‌های انسانی در تعیین سیاست‌های یک جامعه اولویت می‌دهند. در نتیجه، ساختارگرایان مطلق برای سوزدها (کنش‌های انسانی) در زندگی سیاسی هیچ نقشی قائل نیستند.

۸- گزینه «۳» از نظر مارکس اقتصاد نه تنها زیربنای سیاست، بلکه زیربنای کل جامعه و تاریخ محسوب می‌شود، همچنین هر دوره‌ای با شیوه تولید خاص آن دوره سنجیده می‌شود. سیاست در نظر جان لاک به موجب یک قرارداد شکل گرفته است.

۹- گزینه «۲» رشد و گسترش جامعه‌شناسی سیاسی نوین نتیجه‌ی گسترش گرایش علم اثباتی یا پوزیتیویسم، در علوم اجتماعی بوده است. پوزیتیویست‌ها کوشیدند روش‌های معمول در علوم طبیعی را برای شناخت بهتر جامعه و دولت به کار ببرند. به نظر آنها می‌توان با کاربرد روش‌های علوم طبیعی، سیاست و جامعه‌شناسی را به صورت علم اثباتی درآورد. علم اثباتی (پوزیتیو)، علمی است که اعتبار احکام آن مبتنی بر شواهد عینی و تجربی قابل اثبات باشد. در پرتو گسترش علایق پوزیتیویستی، گردآوری داده‌ها، مشاهده، اندازه‌گیری، طبقه‌بندی و سایر روش‌های کمی برای شناخت پدیده‌های اجتماعی و سیاسی معمول شد. گرایش اثباتی در مکتب شیکاگو در دهه ۱۹۲۰ به اوج خود رسید. همچنین دنباله‌گرایش پوزیتیویستی در علم سیاست و جامعه‌شناسی در غرب، به شکل گرایش به فونکسیونالیسم در نظریات پارسونز و پیروان او ظاهر شد. در مقابل، مکتب علوم فرهنگی آلمان بر خلاف گرایش پوزیتیویستی معتقد بود علوم اجتماعی و علوم طبیعی به اعتبار ماهیت و موضوع دوگانه‌اند، آنها به جای وحدت علم از دوگانگی علم سخن می‌گفتند و موضوعات علوم اجتماعی را روحانی یا فرهنگی می‌دانستند.

۱۰- گزینه «۴» میزان انفکاک و تمایزگذاری ساختاری و میزان نوگرا شدن فرهنگ سیاسی، دو متغیر بنیادین توسعه سیاسی در نظریه کارکردگرایی توسعه هستند. در مقابل، رشد بروکراسی و صنعتی شدن و همچنین مشارکت سیاسی که در سایر گزینه‌ها بدان اشاره شده است، خود زیرمجموعه انفکاک و تمایزگذاری ساختاری در نظریه کارکردگرایی توسعه هستند.

۱۱- گزینه «۱» رئالیست‌ها نسبت به ذات انسان‌ها نگاهی بدبینانه و منفی دارند.

۱۲- گزینه «۲» در خصوص کارآمدی انقلاب، نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است. مهم‌ترین گروه‌هایی که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، رئالیست‌ها و ایدئالیست‌ها هستند. رئالیست‌ها معتقدند انقلاب تغییر چندانی در ساختار حکومت ایجاد نمی‌کند، زیرا ایدئالیست‌ها که ایجاد تغییر و تحول در جامعه را می‌خواهند، طرفدار انقلاب هستند و معتقدند با انقلاب می‌توان ساختار را تغییر داد.

۱۳- گزینه «۱» در تعریف جامعه‌شناسی سیاسی گفته می‌شود: علمی است که بر اصول مشترک جامعه‌شناسی و مبانی علم سیاست تأکید دارد و موضوع آن بررسی روابط متقابل دولت و نیروهای اجتماعی است. معمولاً بحث درباره قدرت، احزاب سیاسی و چگونگی تأثیر قدرت و نهادهای حکومتی به علم سیاست مربوط است نه جامعه‌شناسی سیاسی.

۱۴- گزینه «۳» مهم‌ترین ویژگی مکتب رئالیسم، قدرت است. این مکتب معمولاً به عنوان مکتب قدرت‌محور شناخته می‌شود. در این مکتب هر چیز بر مبنای قدرت تبیین می‌شود. در واقع می‌توان گفت که از دیدگاه رئالیست‌ها قدرت، محوری‌ترین عنصر زندگی، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی است.

۱۵- گزینه «۳» رشد و گسترش جامعه‌شناسی سیاسی نوین به عنوان جزئی از علوم سیاسی، نتیجه‌ی گسترش علم اثباتی در علوم اجتماعی بوده است. علم اثباتی، علمی است که اعتبار احکام آن مبتنی بر شواهد عینی و تجربی قابل اثبات است. به نظر اثبات‌گرایان، علوم به اعتبار موضوع، وحدت دارند، زیرا پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی، خارجی، عینی و تجربی هستند. از دیدگاه اثبات‌گرایان دولت، ساخته و پرداخته اراده عینی و خودمختار بشر است.

۱۶- گزینه «۳» از نظر دورکیم فشارهای ناشی از تحولات قرون اخیر موجب پیدایش دورانی از سرگشتگی و کشمکش اجتماعی و تقلا برای ثروت و قدرت شده و نوسازی، شهری شدن و گسترش صنعت، مشکلاتی از حیث همبستگی در سطح فردی و اجتماعی ایجاد کرده است. در نتیجه به نظر دورکیم، کارویژه دولت در جوامع مدرن، کنترل احساسات است. به طور کلی دورکیم به جنبه‌های غیر مادی روابط اقتصادی و نقش پیونددهنده آن در جامعه تأکید داشت.

۱۷- گزینه «۴» موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی به طور کلی بررسی روابط دولت و جامعه و به ویژه تأثیرات جامعه بر روی دولت است. در این زمینه سه سطح تحلیل رفتاری، سطح تحلیل گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و تأثیر آنها بر سیاست (مانند: احزاب و گروه‌های ذی نفوذ) و سطح تحلیل ساختار و عوامل تعیین‌کننده آن که در برگیرنده موضوع جامعه‌شناسی سیاسی به طور اعم می‌باشد، قابل تمییز است. قشربندی اجتماعی نیز در سطح سوم تحلیل (تحلیل ساختاری) جای دارد.

۱۸- گزینه «۴» این بحث که اصلی‌ترین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی، نظام سیاسی و چگونگی اعمال قدرت دولتی است، صحیح نیست، زیرا موضوع نظام سیاسی و چگونگی اعمال قدرت دولتی، از جمله موضوعات مهم علم سیاست است نه جامعه‌شناسی سیاسی. معمولاً در جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی رابطه میان دولت و جامعه پرداخته می‌شود. همچنین در جامعه‌شناسی سیاسی مبانی اجتماعی قدرت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جامعه‌شناسی سیاسی زندگی سیاسی به وسیله متغیرهای اجتماعی توضیح داده می‌شود. به طور کلی جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی محیط اجتماعی سیاست می‌پردازد.

۱۹- گزینه «۳» رشد و گسترش جامعه‌شناسی سیاسی نوین به عنوان جزئی از علوم سیاسی جدید، نتیجه‌ی گسترش گرایش علم اثباتی در علوم اجتماعی بوده است. مکتب اصالت اثبات به عنوان بستر اصلی گسترش علوم اجتماعی، تأثیر شایان توجهی بر گسترش علم جامعه و سیاست در طی قرن بیستم باقی گذاشت و زمینه اصلی گسترش مکتب اصالت رفتار (اثبات‌گرایی) به عنوان یک مکتب مسلط در علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی را فراهم کرد. بنیاد معرفت‌شناختی مکتب اصالت اثبات بر وحدت علوم بود. به نظر اثبات‌گرایان علوم به اعتبار موضوع، وحدت دارند.

فصل دوم

«نظریه‌ها»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

- کله ۱- به نظر ارسطو علت اصلی و اساسی انقلاب در چیست؟
 (۱) فقر (۲) ظلم (۳) فساد (۴) بی‌عدالتی (سراسری ۸۱)
- کله ۲- مطابق نظر آلتوسر، دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی کدامند؟
 (۱) ایدئولوگ‌های دولتی (۲) روحانیون و دانشگاهیان
 (۳) روشنفکران وابسته به دولت (۴) مدارس، دانشگاه‌ها، رادیو، تلویزیون و مطبوعات (سراسری ۸۱)
- کله ۳- به طور کلی، به عنوان نظریه سیاسی مبتنی بر اصل محدودیت دخالت دولت در حوزه خصوصی است.
 (۱) لیبرالیسم (۲) مارکسیسم (۳) سوسیالیسم (۴) آنارشیسم (سراسری ۸۱)
- کله ۴- تبیین مارکس از انقلاب، یک نظریه است.
 (۱) تک‌علیتی اقتصادی (۲) تک‌علیتی اجتماعی (۳) چندعلیتی سیاسی - اقتصادی (۴) چندعلیتی سیاسی - فرهنگی (سراسری ۸۱)
- کله ۵- کدام شخصیت را «پدر تجدیدنظرطلبی» در مارکسیسم نامیده‌اند؟
 (۱) توماس مالتوس (۲) گئورگ لوکاج (۳) ادوارد برنشتاین (۴) کارل کائوتسکی (سراسری ۸۱)
- کله ۶- نمونه آرمانی در جامعه‌شناسی سیاسی وبر، کدام است؟
 (۱) مفهوم کاملی از کمال مطلوب (۲) مفهوم دیگری از مثل افلاطونی
 (۳) مفهوم دقیقی از یک واقعیت منفرد (۴) مفهوم دقیقی از حقیقت مسلم (سراسری ۸۱)
- کله ۷- به نظر مارکس، طبقه متوسط یک طبقه غالباً است.
 (۱) ارتجاعی (۲) انقلابی (۳) رادیکال (۴) ساکت (سراسری ۸۱)
- کله ۸- غیرشخصی‌ترین نوع سلطه از نظر وبر، کدام است؟
 (۱) سنتی (۲) کاریزماتیک (۳) عقلانی (۴) پاتریمونیالیکی (سراسری ۸۱)
- کله ۹- برجسته‌ترین نمونه سلطه قانونی از نظر وبر کدام است؟
 (۱) دموکراسی (۲) آریستوکراسی (۳) اتوکراسی (۴) بروکراسی (سراسری ۸۱)
- کله ۱۰- از دیدگاه جامعه‌شناسانه، رابطه دولت و جامعه نخستین‌بار به وسیله چه کسی مورد بررسی قرار گرفت؟
 (۱) اگوست کنت (۲) کارل مارکس (۳) ماکس وبر (۴) چارلز مریام (سراسری ۸۱)
- کله ۱۱- کدام مفهوم، حلقه واسط میان ماتریالیسم تاریخی مارکس و جامعه‌شناسی مارکسیستی را تشکیل می‌دهد؟
 (۱) مفهوم پراکسیس (۲) مفهوم طبقات اجتماعی (۳) مفهوم از خود بیگانگی (۴) مفهوم زیر بنا - روبنا (سراسری ۸۲)
- کله ۱۲- در نظریه وبر سلطه کاریزمایی بر کدام یک از انواع کنش اجتماعی زیر مبتنی است؟
 (۱) کنش عاطفی (۲) کنش سنتی (۳) کنش جمعی (۴) کنش عقلانی (سراسری ۸۲)
- کله ۱۳- کدام یک از اندیشمندان زیر قائل به انفصال نسبی طبقه و شأن می‌باشند؟
 (۱) وبر (۲) مارکس (۳) میلی‌بند (۴) پولانزاس (سراسری ۸۲)
- کله ۱۴- از نظر کدام یک از جامعه‌شناسان سیاسی زیر سرمایه‌داری، مسخ عقلانیت است؟
 (۱) وبر (۲) مارکس (۳) پاره‌تو (۴) پارسونز (سراسری ۸۲)

- ۱۵- از نظر کدام یک از اندیشمندان زیر سرمایه‌داری و بروکراسی عین عقلانیت می‌باشد؟
 (۱) پاره‌تو (۲) میخلز (۳) وبر (۴) مارکس (سراسری ۸۲)
- ۱۶- از نظر مارکس کدام یک از طبقات زیر مولد محصولات عینی و ذهنی جامعه محسوب می‌گردند؟
 (۱) اشراف (۲) دهقانان (۳) سرمایه‌داران (۴) کارگران (سراسری ۸۲)
- ۱۷- مهم‌ترین مظهر عقلانیت در اندیشه وبر کدام است؟
 (۱) کاریزما (۲) بروکراسی (۳) دموکراسی (۴) سوسیالیسم (سراسری ۸۲)
- ۱۸- در اقتدار کاریزمایی، کنش اطاعت از چه نوعی است؟
 (۱) کنش عاطفی (۲) کنش عقلانی (۳) کنش سنتی (۴) هیچ‌کدام (سراسری ۸۲)
- ۱۹- عام‌ترین مفهوم در اندیشه وبر کدام است؟
 (۱) سنت (۲) کاریزما (۳) عقلانیت (۴) دموکراسی (سراسری ۸۲)
- ۲۰- در برداشت استقلال نسبی در مورد نقش دولت در جامعه‌شناسی مارکسیستی:
 (۱) دولت ماهیت عمومی دارد. (۲) دولت تا حدی دارای استقلال است.
 (۳) دولت کمیته اجرایی بورژوازی است. (۴) دولت نماینده منافع طبقات اجتماعی است. (سراسری ۸۲)
- ۲۱- کدام یک از اندیشمندان زیر قائل به پیوند ساختاری بین دولت و طبقات می‌باشد؟
 (۱) وبر (۲) اوفه (۳) میلی‌بند (۴) پولانزاس (سراسری ۸۲)
- ۲۲- «گروهی از افراد که دارای جایگاه و موضع مشترکی در شیوه تولید هستند» را می‌نامند.
 (۱) طبقه (۲) حزب (۳) قشر (۴) منزلت (سراسری ۸۳)
- ۲۳- از نظر سرمایه‌داری مسخ عقلانیت محسوب می‌گردد.
 (۱) وبر (۲) پاره‌تو (۳) مارکس (۴) میخلز (سراسری ۸۳)
- ۲۴- فرق «انقلاب» با «اصلاح» در چیست؟
 (۱) انقلاب در جستجوی تغییر و تحول است ولی اصلاح درصدد تغییر و تحول نیست.
 (۲) انقلاب ممکن است ایدئولوژی داشته باشد ولی اصلاح حتماً ایدئولوژی دارد.
 (۳) در انقلاب تغییر و تحول با خشونت و سرعت همراه است ولی در اصلاح اینگونه نیست.
 (۴) حضور مردم در انقلاب، احتمالی است، در حالی که در اصلاح، مردم حضوری انبوه و گسترده دارند. (سراسری ۸۳)
- ۲۵- تقسیم انقلاب‌ها به دو گروه عمده «الگوی غربی» و «الگوی شرقی» از کیست؟
 (۱) برینگتون مور (۲) منکور اولسون (۳) تدا اسکاچپول (۴) ساموئل هانتینگتون (سراسری ۸۳)
- ۲۶- رابطه بین دولت و طبقه مسلط از نظر ساختاری است.
 (۱) وبر (۲) مارکس (۳) اوفه (۴) پولانزاس (سراسری ۸۳)
- ۲۷- تفکیک دستگاه‌های ایدئولوژیک و دستگاه‌های سرکوبگر دولت از کیست؟
 (۱) وبر (۲) آلتوسر (۳) میلی‌بند (۴) پولانزاس (سراسری ۸۳)
- ۲۸- چه کسی مدعی و شایسته احراز عنوان مبدع «سوسیالیسم علمی» و جانشین‌سازی آن به جای «سوسیالیسم آرمانگرا» است؟
 (۱) ماکس وبر (۲) کارل مارکس (۳) کارل پوپر (۴) کارل مانهایم (سراسری ۸۳)
- ۲۹- جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر بر استوار است.
 (۱) سلطه (۲) تعقل (۳) مدیریت (۴) بروکراسی (سراسری ۸۳)

- ۳۰- تئوری انقلاب کدام یک از اندیشمندان زیر یک رهیافت سیاسی است؟
 (۱) جانسون (۲) اولسون (۳) برینتون (۴) هانتینگتون (سراسری ۸۳)
- ۳۱- کدام یک از اندیشمندان به رابطه تنگاتنگ بروکراسی و دموکراسی قائل است؟
 (۱) ماکس وبر (۲) میشل فوکو (۳) کارل مارکس (۴) هانا آرنت (سراسری ۸۳)
- ۳۲- براساس نظریه تعامل‌گرایی نمادین، کنترل جریان اطلاعات توسط یکی از رقبای سیاسی به کدام منظور انجام می‌شود؟
 (۱) جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات مردم (۲) محرومیت رقیب از دستیابی به اطلاعات واقعی (۳) تعریف وضعیت در نزد رقیب به صورت مطلوب (۴) جلوگیری از دستیابی مردم و افکار عمومی به اخبار (سراسری ۸۴)
- ۳۳- نظریه «استقلال نسبی دولت در اندیشه مارکسیستی» توسط کدام اندیشمند، توسعه یافت؟
 (۱) پلخانوف (۲) پولانزاس (۳) کائوتسکی (۴) میلی‌بند (سراسری ۸۴)
- ۳۴- براساس نظریات مارکس، در مقدمه کتاب نقد اقتصاد سیاسی، کدام عامل در پیدایش و فرآیند انقلاب قبل از بقیه دگرگون می‌شود و نقش زیربنا را دارد؟
 (۱) آگاهی و اندیشه (۲) روابط تولیدی (۳) نهاد سیاسی (۴) نیروهای تولیدی (سراسری ۸۴)
- ۳۵- از نظر ماکس وبر، نظام اداری در رژیم‌های کاریزماتیک بر کدام ویژگی استوار است؟
 (۱) نظم و تخصص (۲) وفاداری و شهامت (۳) کارایی و غیرشخصی بودن (۴) پیروی از منافع ملی و مصلحت دولتی (سراسری ۸۴)
- ۳۶- دیدگاه مارکس در مورد استقلال نسبی دولت عمدتاً در کدام نوشته وی آمده است؟
 (۱) سرمایه (۲) ایدئولوژی آلمانی (۳) مانیفست کمونیست (۴) هجدهم برومر لوئی بناپارت (سراسری ۸۵)
- ۳۷- مارکس تضاد اصلی در نظام سرمایه‌داری را در کدام فرمول می‌داند؟
 (۱) تعارض در نیروی کار و ابزار کار (۲) ابزار تولید خصوصی و نیروی کار عمومی (۳) با تولید نیروی کار و استمرار استثمار (۴) سازماندهی نیروهای کار در جهت خلاف روند بازتولید سرمایه (سراسری ۸۵)
- ۳۸- از نظر وبر، رایج‌ترین صورت سلطه سنتی کدام است؟
 (۱) پاتریارکالیسم (۲) پاتریمونالیسم (۳) ژرنتوکراسی (۴) سلطانی (سراسری ۸۵)
- ۳۹- کدام نویسنده، انقلاب را اساساً نتیجه پیدایش عدم هماهنگی میان محیط و ارزش‌ها می‌داند؟
 (۱) آکسی دوتوکویل (۲) پیتیریم سوروکین (۳) چالمرز جانسون (۴) سیمورلیپیست (سراسری ۸۶)
- ۴۰- کدام یک از افراد ذیل به رابطه مستقیم و نزدیکی بین «نوسازی» و «انقلاب» قائل هستند؟
 (۱) هانتینگتون و مور (۲) دیویس و پاره‌تو (۳) اولسون و توکویل (۴) برینتون و اسکاچپول (سراسری ۸۶)
- ۴۱- نظریه کرین برینتون در باب انقلاب، چه نوع نظریه‌ای است؟
 (۱) تحلیلی مبتنی بر جامعه‌شناسی (۲) توصیفی که به تاریخ طبیعی انقلاب‌ها می‌پردازد (۳) معرفت‌شناسانه که به روند انقلاب‌ها پرداخته (۴) تطبیقی که چرایی انقلاب‌ها را محور بحث قرار داده (سراسری ۸۶)
- ۴۲- تعریف مارکس از مفهوم طبقه عبارت است از گروهی از افراد که
 (۱) مالک ابزار تولید هستند. (۲) مالک ابزار تولید نیستند. (۳) دارای خصوصیات مشترک هستند. (۴) دارای جایگاه و موضع مشترکی در شیوه تولید هستند. (سراسری ۸۶)
- ۴۳- از دیدگاه کارل مارکس عامل اصلی تحولات سیاسی - اجتماعی چیست؟
 (۱) فرهنگ (۲) مذهب (۳) سیاست (۴) اقتصاد (آزاد ۸۶)
- ۴۴- از نظر ماکس وبر کدام یک از عوامل فرهنگی زیر موجب توسعه سرمایه‌داری در جهان غرب شد؟
 (۱) کالونیسم (۲) مکتب فرهنگی تفهیمی (۳) مسیحیت ارتدوکس (۴) سکولاریسم (آزاد ۸۶)



- ۴۵- جنبش کاریزما نتیجه کدام عامل زیر است؟
 (۱) عقلانیت (۲) رهبری سنتی (۳) احساسات و عواطف (۴) ناسیونالیسم (آزاد ۸۶)
- ۴۶- متدولوژی تفهیمی از سوی کدام جامعه‌شناس مطرح گردید؟
 (۱) کارل مارکس (۲) دورکیم (۳) سوروکین (۴) ماکس وبر (آزاد ۸۶)
- ۴۷- کدام یک از شخصیت‌های زیر کاریزما نیست؟
 (۱) گاندی (۲) جرج بوش (۳) مارشال تیتو (۴) نهرو (آزاد ۸۶)
- ۴۸- از نظر ماکس وبر کدام یک از منابع اقتدار زیر مبنای وضعیت تعادل اجتماعی نیست؟
 (۱) اقتدار قانونی (۲) اقتدار کاریزما (۳) اقتدار سنتی (۴) قدرت نظامی (آزاد ۸۶)
- ۴۹- مارکس، گروهی از افراد را که دارای جایگاه و موضع مشترکی در شیوه تولید هستند، می‌نامد.
 (۱) پرولتاریا (۲) حزب (۳) قشر (۴) طبقه (سراسری ۸۷)
- ۵۰- از نظر تدگار علت اصلی انقلاب‌ها کدام است؟
 (۱) رشد جمعیت (۲) شکاف طبقاتی (۳) وضعیت آنومیک جامعه (۴) محرومیت و ناکامی نسبی (سراسری ۸۷)
- ۵۱- محور اصلی جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر چیست؟
 (۱) حزب سیاسی (۲) طبقه سیاسی (۳) سلطه (۴) دموکراسی (سراسری ۸۷)
- ۵۲- از نظر نیکولاس پولانزاس، مهم‌ترین وظیفه دولت سرمایه‌داری چیست؟
 (۱) سرکوب بی‌چون و چرای حرکت‌های کارگری
 (۲) تأمین منافع درازمدت طبقه مسلط
 (۳) ایجاد رقابت بین فِرَاکسیون‌های طبقه مسلط برای رسیدن به استقلال نسبی
 (۴) تقدیم پست‌های کلیدی دولت به اعضای طبقه مسلط (سراسری ۸۷)
- ۵۳- کدام یک از شخصیت‌های زیر معتقد است قدرت در کلیه روابط اجتماعی حضور دارد؟
 (۱) رالف دارندورف (۲) ماکس وبر (۳) تالکوت پارسونز (۴) رابرت دال (آزاد ۸۷)
- ۵۴- سازش میان آزادی فرد و قدرت دولت برجسته‌ترین فراز نظریه سیاسی کدام یک از علمای علوم اجتماعی و فلاسفه می‌باشد؟
 (۱) جان بدن (۲) ج.و. فردریش هگل (۳) ژان ژاک روسو (۴) جان لاک (آزاد ۸۷)
- ۵۵- از نظر اوفه، مشکل اساسی دولت معاصر چیست؟
 (۱) ایجاد تعادل میان کارویژه‌های لازم آن
 (۲) عدم وجود ارتباط مستمر دولت با مردم
 (۳) فقدان نهادهای قانونی کنترل کننده حکومت
 (۴) عدم وجود بورژوازی ملی نقدکننده دولت (آزاد ۸۷)
- ۵۶- کدام یک از موارد زیر از ویژگی‌های نظام پاتریمونالیسم نیست؟
 (۱) غیر رسمی اداره کردن قدرت
 (۲) حاکمیت قانون و تکثر سیاسی
 (۳) عدم امنیت شغلی و سیاسی
 (۴) ارتقاء و ترفیع بر حسب ضوابط نامشخص (آزاد ۸۷)
- ۵۷- جامعه ایدئالی کارل ماکس، جامعه‌ای است که در آن دولت باید:
 (۱) به تدریج تضعیف و آخر الامر نابود گردد.
 (۲) منافع طبقات متوسط جدید و قدیم را تأمین نماید.
 (۳) عالی‌ترین ساخت اخلاق اجتماعی باشد.
 (۴) به تدریج رشد و تکامل یابد. (آزاد ۸۷)
- ۵۸- کدام عامل موجب انفکاک مکتب فرانکفورت از مارکسیسم گردید؟
 (۱) ارتباط همبستگی میان طبقه کارگر و سرمایه‌دار
 (۲) نقش دولت مداخله‌گر در پیرامون مشروعیت
 (۳) مسامحه درباره پژوهش‌های تاریخی و تحلیل‌های اقتصادی
 (۴) فرا گرفتن موج نژادپرستی در قاره اروپا (آزاد ۸۷)



(آزاد ۸۷)

۵۹- از نظر هگل، آزادی به چه معنی است؟

- (۱) هماهنگی ایده با قانون موضوعه که دولت تصویب می‌کند.
- (۲) تکامل ایده از لحاظ دیالکتیک که دولت را به وجود می‌آورد.
- (۳) شناختن و پذیرفتن ایده که در عمل به معنای تبعیت از دولت است.
- (۴) تقدم ایده به شرایط مادی که فرد و خانواده را تحت حاکمیت دولت قرار می‌دهد.

(سراسری ۸۸)

۶۰- از نظر مارکس، بدترین اثر بروکراسی این است که

- (۱) از بروز تضاد در دولت جلوگیری می‌کند.
- (۲) سبب استمرار حیات سرمایه‌داری می‌شود.
- (۳) خصلت سرکوبگر دولت را پنهان می‌کند.
- (۴) منفعت خصوصی را به صورت نفع عمومی جلوه‌گر می‌کند.

(سراسری ۸۸)

۶۱- ادعای اصلی نظریه‌ی ارائه شده توسط پولانزاس در مورد دولت، چیست؟ دولت سرمایه‌داری

- (۱) به هیچ طبقه‌ای وابستگی ندارد.
- (۲) تحت سلطه اقتصادی طبقه‌ی مسلط قرار دارد.
- (۳) تحت سلطه‌ی ایدئولوژیک طبقه‌ی مسلط قرار دارد.
- (۴) دارای میزانی از استقلال از طبقه‌ی مسلط می‌باشد.

(سراسری ۸۸)

۶۲- کثرت‌گرایان مارکسیست معتقدند بر سیاست تأثیر می‌گذارند.

- (۱) فقط طبقات ممتاز
- (۲) فقط طبقات غیرممتاز
- (۳) گروه‌های غیرطبقه‌ای هم
- (۴) طبقات ممتاز و غیرممتاز هر دو

(سراسری ۸۸)

۶۳- کدام نظریه‌پرداز به رد مفهوم استقلال نسبی دولت می‌پردازد؟

- (۱) باب جسونپ
- (۲) فرد بلاک
- (۳) تدا اسکاچپول
- (۴) چارلز لیندبلوم

(سراسری ۸۸)

۶۴- از دیدگاه جامعه‌شناسی، جنبش کاریزمایی در صورتی استمرار می‌یابد که

- (۱) با علایق و منافع مادی بعضی از گروه‌های اجتماعی دخیل (حامل) درآمیزد.
- (۲) سنت‌های مستقر را تضعیف نکند و هنجارها و ارزش‌های تازه‌ای عرضه ننماید.
- (۳) علاوه بر عنصر ارادت، نظام دیوانی را نیز پوشش دهد.
- (۴) کاملاً شخصی نباشد.

(آزاد ۸۸)

۶۵- به نظر وبر جامعه از سه جهت زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

- (۱) قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی، قدرت سیاسی
- (۲) منزلت و شأن اجتماعی، شأن فرهنگی، قدرت سیاسی
- (۳) قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت اجتماعی
- (۴) قدرت اقتصادی، منزلت و شأن اجتماعی، قدرت سیاسی

(سراسری ۸۹)

۶۶- براساس نظریه تفسیرگرایی ماکس وبر، نظام سیاسی تحت تأثیر کدام عوامل می‌باشد؟

- (۱) روانشناسی سیاسی و ویژگی‌های نخبگان سیاسی
- (۲) ساختار سیاسی و جامعه مدنی
- (۳) ساختار اجتماعی، قشربندی‌های اجتماعی و نظام طبقه‌ای
- (۴) آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی که در جامعه نهادینه شده‌اند

(سراسری ۸۹)

۶۷- کدام نظریه معتقد است که در نهایت، دولت از بین می‌رود و یک جامعه بی‌طبقه با مساوات در قدرت شکل می‌گیرد؟

- (۱) مارکسیسم
- (۲) اکونومیسم
- (۳) نخبه‌گرایی
- (۴) کثرت‌گرایی

(سراسری ۸۹)

۶۸- موضوع محوری جامعه‌شناسی سیاسی وبر چیست؟

- (۱) استقلال عرصه اجتماعی در سطح سیاست
- (۲) استقلال عرصه سیاسی در سطح دولت
- (۳) استقلال عرصه فرهنگی در سطح جامعه مدنی
- (۴) استقلال عرصه اقتصادی در سطح شیوه تولید

(سراسری ۸۹)

۶۹- کدام‌یک از دو پارادایم یا مکتب جامعه‌شناسی سیاسی از لحاظ مؤلفه‌ها یا متغیرهای مستقل همانند می‌باشند؟

- (۱) نظریه مبادله و نظریه فرویدی‌ها
- (۲) مارکسیسم و جمع‌گرایان فرانسوی
- (۳) نظریه مبادله و مکتب فایده‌گرایی
- (۴) مکتب فرهنگ و شخصیت و مکتب روش‌شناسی قومی

- ۷۰- عوامل تعیین‌کننده اصلی در نظریه تعامل‌گرایی نمادین کدامند؟ (سراسری ۸۹)
- ۱) شرایط مادی و روابط مستقیم با متغیرهایی نظیر طبقات و تعاملات اجتماعی
 - ۲) از خودبیگانگی و ایدئولوژی و آگاهی‌های کاذب در میان مردم
 - ۳) دولت و ساختارهای سیاسی و به ویژه روانشناسی و ویژگی‌های فردی نخبگان سیاسی
 - ۴) جهت‌گیری‌های ذهنی یا درونی مشترک، نمادها، معانی و برداشت‌هایی از خود و تعاریفی از وضعیت
- ۷۱- در نظریه مبادله، زمانی مشروعیت سیاسی دولت کاهش می‌یابد که (سراسری ۸۹)
- ۱) جامعه به آگاهی طبقاتی دست یابد و از طبقه در خود به طبقه برای خود تبدیل شود.
 - ۲) شهروندان از تأمین ارزش‌ها و استقرار عدالت، حداقل رضایت را نداشته باشند.
 - ۳) تعریف فرد از خود و وضعیت اجتماعی با تعریف مسئولان سیاسی متفاوت باشد.
 - ۴) شکاف‌های اجتماعی و ایدئولوژیک در جامعه فعال شوند.
- ۷۲- براساس نظریه مبادله، نظام‌های سیاسی هنگامی بیشتر پاسخگو می‌گردند که (سراسری ۸۹)
- ۱) فرهنگ سیاسی در میان توده مردم توسعه یابد.
 - ۲) از نظر اقتصادی توسعه پیدا کنند.
 - ۳) فرهنگ سیاسی در میان نخبگان توسعه یابد.
 - ۴) دارای توسعه سیاسی گردند.
- ۷۳- کتاب دولت در جامعه سرمایه‌داری متعلق به کدام یک اندیشمندان است؟ (آزاد ۸۹)
- ۱) لاسول
 - ۲) میلی‌بند
 - ۳) پاره‌تو
 - ۴) میشل
- ۷۴- از دیدگاه او نقش داوری دولت در منازعات طبقاتی، خود متضمن تعارضاتی است و به واسطه همین تعارضات است که دولت دچار بحران می‌شود. (آزاد ۸۹)
- ۱) کلاوس اوفه
 - ۲) تراپچکه
 - ۳) میشل
 - ۴) دوورژه
- ۷۵- از دید ماکس وبر، جامعه از کدام جهات تقسیم می‌شود؟ (سراسری ۹۰)
- ۱) طبقه، ایدئولوژی و حزب سیاسی
 - ۲) طبقه، وسایل اداره و وسایل تولید
 - ۳) قدرت اقتصادی، رژیم سیاسی و احزاب
 - ۴) قدرت اقتصادی، شأن اجتماعی و قدرت سیاسی
- ۷۶- کدام عبارت در خصوص نظریه‌های ستیز، صحیح‌تر است؟ (سراسری ۹۰)
- ۱) توجه یکسان به ستیز و وفاق دارند.
 - ۲) صرفاً توجه به ستیز از نوع ایدئولوژیکی دارند.
 - ۳) صرفاً توجه به ستیز بر سر منافع و قدرت دارند.
 - ۴) عمدتاً توجه به ستیز بر سر منافع و قدرت دارند و نظام را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.
- ۷۷- مهم‌ترین و پرمنافشه‌ترین عنصر جامعه‌شناسی مارکسیستی که مورد تفسیرهای متفاوت قرار گرفته، کدام یک از گزینه‌های زیر است؟ (آزاد ۹۰)
- ۱) مفهوم ماتریالیسم دیالکتیک
 - ۲) مفهوم زیربنا و روبنا و رابطه آن‌ها
 - ۳) مفهوم روابط تولید
 - ۴) مفهوم ابزار تولید
- ۷۸- کدام یک از گزینه‌های زیر اثر «مارکس» نیست؟ (آزاد ۹۰)
- ۱) الیت قدرت
 - ۲) نقد فلسفه حق هگل
 - ۳) ایدئولوژی آلمانی
 - ۴) هجدهم برومر لوئی بناپارت
- ۷۹- کدام یک از عوامل زیر مانع گسترش تمام‌عیار «عقلانیت ابزاری» در اندیشه «وبر» است؟ (آزاد ۹۰)
- ۱) پیچیده‌تر شدن سازمان اجتماعی
 - ۲) نیروهای نامشخص احساسی و عاطفی
 - ۳) رمز و راز زدایی از زندگی
 - ۴) تسلط بیشتر انسان بر طبیعت
- ۸۰- کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد «اقتدار سنتی» در اندیشه «ماکس وبر» صحیح نیست؟ (آزاد ۹۰)
- ۱) در اقتدار سنتی، سنت مبنای حکم و اطاعت است.
 - ۲) پیرسالاری یکی از انواع اقتدار سنتی است.
 - ۳) رابطه حاکم و مردمان در اقتدار سنتی، رابطه‌ای عاطفی است.
 - ۴) پاتریمونالیسم نمونه آرمانی اقتدار سنتی است.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل دوم

۱- گزینه «۳» فساد، علت اصلی و اساسی انقلاب در نظر ارسطو است. همچنین به نظر ارسطو نابرابری میان انسان‌ها امری طبیعی است، بدین ترتیب مقولاتی مانند فقر و بی‌عدالتی نمی‌تواند علت اصلی و اساسی انقلاب در نظر وی باشد.

۲- گزینه «۴» به نظر آلتوسر، پایگاه تشکیل ایدئولوژی و در نتیجه هژمونی (سلطه)، طبقه مسلط در جامعه مدنی است. مهم‌ترین ابزارهای جامعه مدنی در نظریه آلتوسر نیز عبارت‌اند از: مدارس، دانشگاه‌ها، رادیو، تلویزیون و مطبوعات.

۳- گزینه «۱» مارکسیسم معتقد به اصل دخالت دولت در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی است، ولی لیبرالیسم به عنوان نظریه سیاسی نه تنها معتقد به عدم دخالت دولت در حوزه عمومی، بلکه مبتنی بر اصل محدودیت دخالت دولت در حوزه خصوصی نیز می‌باشد.

۴- گزینه «۱» مارکس نه تنها زندگی سیاسی بلکه کلیه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی را براساس رابطه نیروهای تولید و روابط تولیدی تحلیل می‌کرد. تبیین مارکس از انقلاب، یک نظریه تک‌علیتی اقتصادی بود. بنابراین مارکس از یک علت مادی - اقتصادی، سایر معلول‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نتیجه می‌گرفت.

۵- گزینه «۳» ادوارد برنشتاین را پدر تجدیدنظرطلبی در مارکسیسم نامیده‌اند. بدین مفهوم که وی قوانین جزمی و غیر قابل انکاری را که از اعتقادات مارکسیست‌ها بود، زیر سؤال برد و برای تغییر اجتماع در آن‌ها تجدید نظرهایی داد. گئورگ لوکاچ مهم‌ترین نماینده مارکسیسم هگلی به‌شمار می‌رود. توماس مالتوس نیز با تلفیق اندیشه‌های مارکسیستی با جمعیت‌شناختی به تحلیل اجتماع پرداخت.

۶- گزینه «۳» به نظر وبر در عمل، هیچ یک از نمونه‌های آرمانی به تنهایی در جامعه‌ای یافت نمی‌شود و همواره ترکیبی از این نمونه‌ها تعیین‌کننده نوع سلطه و مشروعیت در جوامع هستند. نمونه‌های آرمانی سلطه و مشروعیت در نظریه وبر عبارت‌اند از: سلطه و مشروعیت سنتی، کاریزمایی و عقلانی.

۷- گزینه «۱» به نظر مارکس در شیوه تولید سرمایه‌داری تنها طبقه کارگر یک طبقه انقلابی و رادیکال به شمار می‌رود. طبقه متوسط در نظام سرمایه‌داری، طبقه‌ای است که بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار قرار دارد، به عبارت دیگر صاحبان صنایع کوچک هستند.

۸- گزینه «۳» ماکس وبر سه نوع سلطه و سیاست را از هم تفکیک کرده است: ۱- سیاست و سلطه سنتی ۲- سیاست و سلطه کاریزمایی ۳- سیاست و سلطه بروکراتیک و عقلانی. رابطه حکم و اطاعت بر پایه ویژگی‌های خاص شخصی قرار دارد، در حالی که در سیاست و سلطه بروکراتیک و عقلانی رابطه حکم و اطاعت غیر شخصی و مبتنی بر هنجارهای قانونی یعنی تفکیک وظایف است.

۹- گزینه «۴» ماکس وبر سه نوع سلطه و مشروعیت سیاسی را از یکدیگر تمیز می‌دهد: سلطه و مشروعیت سنتی، کاریزمایی و عقلانی - قانونی. در نظر وی برجسته‌ترین نوع مشروعیت سنتی، پاتریمونالیسم و برجسته‌ترین نوع مشروعیت قانونی، بروکراسی است.

۱۰- گزینه «۲» از دیدگاه جامعه‌شناسانه، رابطه دولت و جامعه نخستین بار به وسیله کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت. به نظر مارکس در صحنه زندگی سیاسی همواره مجموعه‌ای از افراد فعالیت می‌کنند که دارای روابط معینی با یکدیگر هستند، چنین افرادی طبقات اجتماعی را تشکیل می‌دهند. بنابراین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی رابطه دولت با ساخت طبقات اجتماعی است. آگوست کنت، بنیانگذار جامعه‌شناسی علمی است.

۱۱- گزینه «۲» موضوع جامعه‌شناسی سیاسی مارکسیستی به طور دقیق، کشف روابط میان ساخت دولت و منازعات اجتماعی و طبقاتی است. به موجب جامعه‌شناسی مارکس، تغییر در روابط تولیدی و نهادهای اجتماعی و سیاسی و اشکال آگاهی، محصول عمل و مبارزه طبقاتی است. مفهوم پراکسیس در اندیشه مارکس به مفهوم کار انسان در تاریخ و تولیدکننده و سازنده همه اشکال و نهادهای تاریخی و اجتماعی است. مفهوم زیربنا - روبنا نیز بیانگر رابطه دولت و طبقات اجتماعی در اعصار گوناگون است.

۱۲- گزینه «۱» ماکس وبر چهار نوع کنش اجتماعی را بررسی کرده است: کنش عقلانی هدفمند، کنش عقلانی مبتنی بر ارزش، کنش سنتی و کنش عاطفی. به نظر وی سیاست، رابطه حکم و اطاعت میان بازیگران است. وقتی این رابطه، رابطه‌ای عاطفی و مبتنی بر ارادت شخصی باشد، سیاست و سلطه، کاریزمایی خواهد بود.

۱۳- گزینه «۱» ماکس وبر برخلاف مارکس بر انفصال نسبی حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی تأکید می‌کرد و بر آن بود که میان آن‌ها (مثلاً میان ساخت اجتماعی و ساخت سیاسی) رابطه انتخابی وجود دارد، در حالی که به نظر مارکس این رابطه، رابطه تعیین کننده بود (مثلاً ساخت اقتصادی، تعیین کننده ساخت سیاسی است). وبر برخلاف مارکس، طبقه را تنها واحد اساسی تقسیم‌بندی جامعه نمی‌داند. به نظر او جامعه از سه جهت اساسی یعنی از حیث قدرت اقتصادی (طبقه)، منزلت و شأن اجتماعی و قدرت سیاسی یا حزب، تقسیم‌بندی می‌شود، لذا آن‌ها ضرورتاً بر هم منطبق نیستند. طبقه به عنوان مجموعه‌ای از افراد که دارای وضعیت بازاری یکسانی هستند، ممکن است چند منزلت اجتماعی را در برگیرد و نیز ممکن است درون یک منزلت اجتماعی، تفاوت‌هایی از حیث وضعیت طبقاتی وجود داشته باشد.

۱۴- گزینه «۲» از شباهت‌های اساسی اندیشه مارکس و وبر این است که هر دو برای درک روابط میان حوزه‌های نهادی جامعه تلاش می‌کنند. به نظر آن‌ها نهادهای نظامی، مذهبی، سیاسی و حقوقی به شیوه‌های گوناگون از حیث کارکردی با نظم اقتصادی جامعه پیوند دارند. با این تفاوت اساسی که به نظر مارکس، اقتصاد سرمایه‌داری اساساً غیر عقلانی است، زیرا این نظام دچار تضادی است میان پیشرفت‌های عقلانی نیروهای تولیدی و موانعی که نظام حقوقی سرمایه‌داری بر سر راه آن‌ها ایجاد می‌کند، اما از دیدگاه وبر، نهادهای سرمایه‌داری مدرن، عین عقلانیت هستند. سرمایه‌داری همانند بروکراسی دولتی مبتنی بر انضباط، محاسبه و دقت است و به شیوه عقلانی اداره می‌شود. نظام سرمایه‌داری در عین حال، پویا نیز هست و افراد را به سوی تخصص حرفه‌ای سوق می‌دهد. همین فرآیند، خود زمینه گسترش بروکراسی را فراهم می‌آورد.

۱۵- گزینه «۳» از دیدگاه وبر، نهادهای سرمایه‌داری مدرن، عین عقلانیت هستند. سرمایه‌داری همانند بروکراسی دولتی مبتنی بر انضباط، محاسبه و دقت است و به شیوه عقلانی اداره می‌شود. نظام سرمایه‌داری در عین حال، پویا نیز هست و افراد را به سوی تخصص حرفه‌ای سوق می‌دهد. همین فرآیند خود، زمینه گسترش بروکراسی را فراهم می‌آورد.

۱۶- گزینه «۴» به نظر مارکس میان کارگران و طبقات خلاق ادوار گذشته، یک تفاوت اساسی است؛ طبقات بالنده در شیوه‌های تولید ماقبل سوسیالیستی، فاقد وحدت عین و ذهن بودند، مثلاً در جامعه فئودالی دهقانان، مولدین مادی و اشراف، مولدین معنوی، در جهان بورژوازی کارگران، مولدین مادی و بورژوازی، مولدین ذهنی (فرهنگ و ایدئولوژی) بودند در نتیجه، میان ذهن و عین وحدت نبود. اما در طبقه پرولتاریا پس از بحران سرمایه‌داری و فروپاشی آن، ذهن و عین وحدت می‌یابند، زیرا پرولتاریا (کارگران) تولیدکننده محصولات عینی و ذهنی جامعه - هر دو - خواهند بود.

۱۷- گزینه «۲» به نظر ماکس وبر، مهم‌ترین مظهر فرآیند عقلانی شدن در تاریخ غرب، پیدایش بروکراسی عقلایی بوده است. در مقابل، کاریزما در اندیشه وبر، مظهر زندگی غیر عقلانی انسان به شمار می‌رود.

۱۸- گزینه «۱» ماکس وبر چهار نوع کنش اجتماعی را بررسی کرده است: کنش عقلانی هدفمند، کنش عقلانی مبتنی بر ارزش، کنش سنتی و کنش عاطفی. به نظر وی سیاست، رابطه حکم و اطاعت میان بازیگران است، وقتی این رابطه، رابطه‌ای عاطفی و مبتنی بر ارادت شخصی باشد، سیاست و سلطه کاریزمایی خواهد بود. همچنین هنگامی که رابطه حکم و اطاعت بر اساس سنت‌های مستقر باشد، سلطه سنتی است و سرانجام وقتی که حکم و اطاعت بر حسب قوانین و هنجارهای عینی صورت بگیرد، چنین سیاست و سلطه‌ای بروکراتیک، قانونی و مبتنی بر کنش عقلانی است.

۱۹- گزینه «۳» عام‌ترین مفهوم در اندیشه وبر عقلانیت است. سنت و کاریزما یادآور سه نوع مثالی سلطه و سیاست از نظر ماکس وبر است: سیاست و سلطه سنتی، عقلایی و کاریزماتیک. در واقع روند عقلانی شدن جهان، عام‌ترین مفهوم در اندیشه وبر است. مفهوم عقلانیت در دیدگاه وبر به معنی گسترش عقلانیت نهادی یا ابزاری در حوزه زندگی خارجی یا اجتماعی است.

۲۰- گزینه «۲» در برداشت استقلال نسبی در مورد نقش دولت در جامعه‌شناسی مارکسیستی، دولت تا حدی دارای استقلال (از طبقات اجتماعی، خصوصاً طبقه مسلط) است، هرچند در تحلیل نهایی، قدرت دولتی در جهت تأمین منافع طبقه سلطه (از نظر اقتصادی) اعمال می‌شود. دولت در جامعه‌شناسی مارکسیستی، ماهیت عمومی ندارد، هرچند ممکن است علایق خصوصی را به صورت ماهیت عمومی جلوه دهد. گزینه ۳ بیانگر نظر ابزارانگاران مارکس در خصوص دولت است که بر طبق آن دولت از طبقه حاکم استقلال ندارد. در جامعه‌شناسی مارکسیستی، دولت در آخرین تحلیل، نماینده منافع طبقه مسلط است نه منافع طبقات اجتماعی به طور کلی.

۲۱- گزینه «۴» مارکسیست‌های معتقد به اصالت ساخت (لویی آلتوسر و نیکولاس پولاتزاس) پیوند اصلی ارتباط میان دولت و طبقات اجتماعی را در رابطه ساختاری میان آن دو یافته‌اند و قائل به پیوند ساختاری بین دولت و طبقات بودند. در مقابل، رالف میلیبند علت ماهیت طبقاتی دولت را نه در رابطه ساختاری با آن، بلکه در مشارکت اعضای طبقه مسلط در دستگاه دولت می‌داند.

۲۲- گزینه «۱» مارکس، گروهی از افراد را که دارای جایگاه و موضع مشترکی در شیوه تولید هستند «طبقه» می‌نامد. اصولاً طبقه یک مفهوم اقتصادی است، ولی سایر گزینه‌ها مفاهیمی سیاسی و اجتماعی هستند، از این رو در ارتباط مستقیم با شیوه تولید قرار ندارند.

۲۳- گزینه «۳» به نظر مارکس، اقتصاد سرمایه‌داری اساساً غیر عقلانی است، زیرا این نظام دچار تضادی است میان پیشرفت‌های عقلانی نیروهای تولید و موانعی که نظام حقوقی سرمایه‌داری بر سر راه آن‌ها ایجاد می‌کند. از نظر ماکس وبر، سرمایه‌داری و بروکراسی، عین عقلانیت است.

۲۴- گزینه «۳» به کار بردن اعمال خشونت‌آمیز انقلابی به عنوان آخرین حربه در انقلاب تلقی می‌شود و این حربه نهایی تحت تأثیر ایدئولوژی خاصی قرار دارد. انقلاب عبارت است از: پذیرش رفتار خشونت‌آمیز در حالتی که تمام روش‌های دیگر برای ایجاد تحول، شکست خورده‌اند. در صورتی که اصلاحات در فضایی مسالمت‌آمیز انجام می‌شود و به تغییر چند ساختار از یک نظام بسنده می‌کند. در مورد گزینه ۱ باید گفت که هر دو مفهوم (اصلاح و انقلاب) درصدد تغییر و تحول هستند، همچنین عکس گزینه‌های ۲ و ۴ در مورد فرق اصلاح و انقلاب صادق است.

۲۵- گزینه «۴» به تعبیر هانتینگتون، در الگوی انقلاب غربی، ورود گروه‌های تازه به صحنه، با گسترش مشارکت سیاسی پس از براندازی رژیم پیشین صورت می‌گیرد اما در الگوی انقلاب شرقی، اساساً با تحرک گروه‌های اجتماعی تازه در صحنه آغاز شده، سپس نظام پیشین سرنگون می‌شود.

۲۶- گزینه «۴» به موجب نظریه ساختارگرایی، دولت در داخل ساخت‌های طبقاتی قرار دارد و تداوم آن‌ها را تضمین می‌کند. دولت تجلی روابط طبقاتی در حوزه سیاسی است. شکل، ماهیت و عملکرد دولت به وسیله ساخت اقتصادی و روابط طبقاتی تعیین می‌شود. با این حال دولت، ساخت منفصلی نیست و دارای استقلال نسبی است، زیرا برای آنکه بتواند به عنوان دستگاه سلطه طبقاتی، ساخت تولیدی را بازتولید کند، نیازمند میزانی از استقلال از طبقات و مبارزه طبقاتی است. از مهم‌ترین مارکسیست‌های معتقد به اصالت ساخت (ساختارگرا) می‌توان به لئوی آلتوسر و نیکولاس پولاتزاس اشاره کرد.

۲۷- گزینه «۲» مهم‌ترین نظریات میلی‌باند در مورد ماهیت طبقاتی دولت سرمایه‌داری است و برای روشن ساختن آن به بررسی پایگاه اجتماعی بروکراسی و کارگزاران دولتی می‌پردازد. چکیده نظر پولاتزاس در مورد جامعه سرمایه‌داری نیز بدین ترتیب است که درون هر شیوه تولید، تنگناها و حدود ساختارهای مشخصی وجود دارد که دولت نمی‌تواند به رغم پایگاه اجتماعی و گرایش‌های ایدئولوژیک خود آن‌ها را نادیده بگیرد. در نظریه مارکسیسم سنتی، نقش دستگاه دولت یا دستگاه سرکوب دولت شامل حکومت، دستگاه اداری، ارتش، پلیس حاکم، زندان‌ها و غیره به عنوان ماشینی که به طبقات حاکم امکان می‌دهد سلطه خود را بر طبقه کارگر تداوم بخشند، اهمیت خاصی داشت. آلتوسر پیشنهاد می‌کرد که به نظریه مارکسیستی دولت، دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت هم اضافه شود، نظیر کلیسا، مدارس، خانواده و غیره.

۲۸- گزینه «۲» کارل مارکس با کشف قوانین تغییر و تحول جوامع، مبدع سوسیالیسم علمی و جانشین‌سازی آن به جای سوسیالیسم آرمان‌گراست. سایر گزینه‌ها از اندیشمندان سوسیالیست به شمار نمی‌روند.

۲۹- گزینه «۱» هر چند روند عقلانی شدن جهان (گزینه ۲) عام‌ترین مفهوم در اندیشه وبر است، لیکن مفهوم سلطه و بحث از انواع سلطه و مشروعیت، محور اصلی جامعه‌شناسی سیاسی وبر را تشکیل می‌دهد. وبر سه نوع سلطه و مشروعیت را از یکدیگر تفکیک کرد: سلطه و مشروعیت سنتی، کاریزمایی و قانونی - عقلایی.

۳۰- گزینه «۴» در نگرش جانسون، انقلاب یک عارضه یا آسیب فرهنگی - روانی است. به نظر هانتینگتون، انقلاب در جوامعی رخ می‌دهد که نوسازی و تحول سیاسی آن‌ها از فراگردهای دگرگونی اجتماعی و اقتصادی‌شان واپس مانده باشند. به این معنی که در جوامع مذکور، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به میزانی از رشد و توسعه رسیده، طبقات و گروه‌ها از نظم اجتماعی تحرک یافته‌اند و همچنین دارای میزانی از قدرت اجتماعی هستند، ولی نهادهای سیاسی این جامعه دست‌نخورده باقی مانده و رشد چندانی نکرده است. چنین نهادهای سیاسی سنتی و توسعه‌نیافته، اجازه ورود افراد تازه را به سیاست نمی‌دهند، در نتیجه هنگامی که این جوامع از نظر اجتماعی تحرک یافته با ساخت بسته قدرت روبه‌رو می‌شوند، احتمال بحران مشارکت سیاسی و در نهایت انقلاب افزایش می‌یابد.

۳۱- گزینه «۱» روند عقلانی شدن جهان عام‌ترین مفهوم در اندیشه ماکس وبر است. به نظر او جهان همواره در فرآیند عقلانی شدن به پیش می‌رود. مفهوم عقلانیت در دیدگاه وبر به معنی گسترش عقلانیت نهادی یا ابزاری در حوزه زندگی خارجی یا اجتماعی است و پدیده‌هایی چون گسترش پیچیدگی نظام اجتماعی، گسترش سازمان‌یافتگی و بروکراسی را دربرمی‌گیرد. در مقابل، کارل مارکس بروکراسی را جزئی از روبنا به شمار می‌آورد که ریشه در روابط تولید دارد.

۳۲- گزینه «۳» اطلاع از خواست مردم و مقاصد مخالفان به شخص اجازه می‌دهد که به منظور حفظ امتیازات خود، پیشاپیش به پیش‌بینی و پاسخگویی بپردازد. کنترل جریان اطلاعات و محدود کردن دسترسی به اطلاعات پشت صحنه، برنامه‌ریزی، سازماندهی و تمرین نقش‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

۳۳- گزینه «۲» به نظر پولانزاس، مهم‌ترین وظیفه و کارکرد دولت سرمایه‌داری، حفظ وحدت طبقه مسلط است و این خود مستلزم آن است که دولت نسبت به علایق جزئی و متفرق گروه‌های مختلف حاکمه، دارای استقلال نسبی باشد. به عبارت دیگر برای آنکه بتواند به عنوان دستگاه سلطه طبقاتی ساخت تولیدی را بازتولید کند، نیازمند میزانی استقلال از طبقات و مبارزه طبقاتی است. در مقابل، میلی‌بند (گزینه ۴) استدلال می‌کند که مشارکت اعضای طبقه مسلط در دستگاه دولت، علت ماهیت طبقاتی دولت است و بدین ترتیب، دولت از طبقه مسلط استقلال ندارد.

۳۴- گزینه «۲» مارکس در کتاب «دیی‌اچه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی» استدلال می‌کند که تغییر در روابط تولید (زیربنای اقتصادی) دیر یا زود به تغییر در کل روبنا (سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی و ...) می‌انجامد. بدین‌سان روابط تولیدی نسبت به دولت و ایدئولوژی از لحاظ علیّ اولویت دارند. همچنین به نظر مارکس، این اندیشه و آگاهی انسانی نیست که تعیین‌کننده روابط اجتماعی و نحوه زیست انسان‌هاست، بلکه روابط اجتماعی و اقتصادی تعیین‌کننده آگاهی و اندیشه انسانی است.

۳۵- گزینه «۲» سایر گزینه‌ها مختص سیاست و سلطه عقلانی در نزد وبر هستند. به نظر وبر از میان سه نوع سلطه سنتی، کاریزمایی و عقلایی، تنها سلطه کاریزمایی مبتنی بر ارادت شخصی و وفاداری است.

۳۶- گزینه «۴» مارکس در کتاب «هجدهم برومر لوئی بناپارت»، شیوه تمرکز قدرت سیاسی در دست قوه اجرایی به زبان طبقه مسلط را بررسی می‌کند و از دولت بناپارت به عنوان «زاده انگل‌گونه» بر پیکر جامعه مدنی و منبع مستقل عمل سیاسی نام می‌برد. دیدگاه مارکس در مورد استقلال نسبی دولت نیز در این کتاب آمده است.

۳۷- گزینه «۲» در نظریات مارکس، تضاد اصلی در جامعه سرمایه‌داری میان صاحبان وسایل تولید (سرمایه‌داران) و صاحبان نیروی کار (کارگران) است. ابزار تولید در جهان سرمایه‌داری، خصوصی و نیروی کار، عمومی است. مادام که این تضاد در شیوه تولید وجود داشته باشد، نظام سرمایه‌داری با تعارضی اساسی روبه‌روست که جز با عمومی شدن ابزار تولید (انقلاب سوسیالیستی) به پایان نمی‌رسد.

۳۸- گزینه «۲» بحث از انواع سلطه و مشروعیت، از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی وبر است. وی سه نوع سیاست و سلطه را از یکدیگر تفکیک می‌کند: سیاست و سلطه قانونی - عقلایی، سیاست و سلطه کاریزمایی و سیاست و سلطه سنتی. در نظر وبر، برجسته‌ترین نمونه سیاست و سلطه سنتی، پاتریمونالیسم است، با این ویژگی‌ها: سیاست در عمل به شخصی شدن گرایش دارد، دستگاه دیوانی متشکل از بستگان و خویشاوندان است، کارویژه‌های اجتماعی توسط برخی شئون اجتماعی مشخص انجام می‌شود به ویژه روحانیون که کارویژه‌های گسترده‌ای در زمینه آموزش و قضاوت دارند. در دستگاه دیوانی، مقام از منصب قابل تفکیک نیست و ارتقا و ترفیع برحسب ضوابط مشخصی صورت نمی‌گیرد.

۳۹- گزینه «۳» نظریه جانسون متکی بر جامعه‌شناسی کارکردگرایی ساختی تالکوت پارسونز است. در این نظریه جامعه‌شناسی فرض می‌شود کل جامعه همانند سیستمی مرکب از بخش‌های مختلف است که هر یک کارکردها و وظایف خاص خود را انجام می‌دهند و بین اجزای سیستم، روابط مکمل و متقابل وجود دارد. هر سیستم، مجموعه‌ای از اجزای همبسته است که درون محیط خاصی عمل می‌کند و با آن محیط روابط متقابل دارد. عامل ثبات اجتماعی در این مکتب هماهنگی میان سیستم سیاسی و نظام اجتماعی است. همچنین در این مکتب اگر ارزش‌های سیستم با محیط در تعارض قرار گیرند، نظام سیاسی با عدم هماهنگی و در نهایت با فروپاشی روبه‌رو خواهد شد.

۴۰- گزینه «۱» به نظر هانتینگتون، جوامعی که در آن‌ها نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به میزانی از رشد و توسعه رسیده‌اند، طبقات و گروه‌ها از نظر اجتماعی تحرک یافته‌اند و همچنین دارای میزانی از قدرت اجتماعی هستند ولی نهادهای سیاسی این جامعه دست‌نخورده باقی مانده و رشد چندانی نکرده است، احتمال وقوع انقلاب افزایش می‌یابد.

به این ترتیب که نهادهای سیاسی سنتی و توسعه‌نیافته، اجازه ورود افراد تازه را به سیاست نمی‌دهند، در نتیجه هنگامی که این جوامع از نظر اجتماعی تحرک یافته با ساخت بسته قدرت مواجه می‌شوند، احتمال بحران مشارکت سیاسی و در نهایت انقلاب افزایش می‌یابد. نظریه دیویس به منحنی جی معروف است، به این معنی که احتمال وقوع انقلاب هنگامی بیشتر است که به دنبال یک دوره طولانی از پیشرفت واقعی اقتصادی و اجتماعی، یک دوره کوتاه بحران اقتصادی و اجتماعی پدید آید.

۴۱- گزینه «۲» هر چند برینگتون به مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها (در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب) پرداخته است (گزینه ۴)، ولی چرایی آن‌ها را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، بلکه وی با نگرش طبیعت‌گرایانه خود سعی در ارائه تاریخ طبیعی حیات انقلابات دارد.

۴۲- گزینه «۴» گزینه‌های ۱ و ۲ هر یک بیانگر ویژگی یک طبقه خاص است. گزینه ۱، معرف سرمایه‌داران و گزینه ۲، معرف کارگران است، همچنین طبقه‌بندی مارکس از طبقات براساس جایگاهی است که آن‌ها در شیوه تولید اشغال می‌کنند. در واقع، طبق تعریف مارکس طبقه عبارت است از: گروهی از افراد که دارای جایگاه و موضع مشترکی در شیوه تولید هستند.

۴۳- گزینه «۴» کارل مارکس در خصوص تعیین‌کنندگی عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... معتقد بود که اقتصاد یا روابط تولیدی، عنصر محرک کل صورت‌بندی اجتماعی است و تغییر آن، تغییر مشابهی در سایر حوزه‌ها ایجاد می‌کند. در مقابل، عوامل دیگر یعنی فرهنگ، سیاست و ایدئولوژی که به عنوان روبرو در نظریه مارکس مطرح هستند هیچ‌گونه تأثیر تعیین‌کننده‌ای نسبت به اقتصاد که زیر بنای صورت‌بندی اجتماعی است، ندارند.

۴۴- گزینه «۱» ماکس وبر از جمله اندیشمندان و جامعه‌شناسان مهمی است که در خصوص توسعه سرمایه‌داری به بحث پرداخته است. وی در کتاب معروف خود به نام «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری»، کالونیسیم و پروتستانیسم را از عوامل فرهنگی مهم در توسعه سرمایه‌داری غرب برشمرده است.

۴۵- گزینه «۳» از نظر ماکس وبر کاریزما نیرویی غیرعقلانی و معجزه‌آسا است که درون جهان در حیطه غیر عقلانی و احساسی و عاطفی پدید می‌آید. کاریزما در متن تاریخ احساسی و عاطفی انسان پدید می‌آید. جنبش‌های کاریزمایی معمولاً نتیجه عوامل غیرعقلانی یعنی عواملی هستند که برخاسته از احساسات و عواطف است اگر جنبش کاریزمایی در وجود یک شخص تجلی یابد، آن شخص به نظر پیروان، شخصی خارق‌العاده به نظر می‌رسد.

۴۶- گزینه «۴» ماکس وبر، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی سیاسی - تفهیمی است. در این نوع جامعه‌شناسی انواع نهادها و نظام‌های سیاسی بر اساس اصول تفهیم و رهیافت تفسیر، تحلیل و فهم می‌شوند.

۴۷- گزینه «۲» جرج بوش از جمله شخصیت‌های کاریزمایی نیست.

۴۸- گزینه «۴» ماکس وبر در بحث خود پیرامون منابع اقتدار معتقد است که اقتدار سه منبع دارد: قانون، سنت و کاریزما. از دیدگاه وی اقتدار یک شخص زمانی کاریزمایی است که اقتدار به ویژگی‌های شخصی مربوط باشد و دارای ریشه عاطفی و احساسی باشد. اقتدار قانونی ریشه در قوانین و مقررات جامعه دارد. اقتدار سنتی نیز برگرفته از آداب و رسوم جامعه است. در این تقسیم‌بندی ماکس وبر، قدرت نظامی به عنوان منبع اقتدار مطرح است.

۴۹- گزینه «۴» مارکس گروه‌های اجتماعی مختلف از قبیل قشر، شأن، حزب و ... را بازتابی از شیوه تولید و جایگاهی می‌داند که آنان در طبقات اشغال می‌کنند. طبقه از مهم‌ترین ابزار تحلیل جامعه‌شناسی مارکسیستی به‌شمار می‌رود، یعنی گروهی از افراد که دارای جایگاه و موضع مشترکی در شیوه تولید هستند.

۵۰- گزینه «۴» از نظر تدگار محرومیت و ناکامی نسبی، علت اصلی انقلاب‌ها است. رشد جمعیت (گزینه ۱) مربوط به مالتوس و شکاف طبقاتی متعلق به نظریات مارکسیستی انقلاب هستند.

۵۱- گزینه «۳» بحث از انواع سلطه و مشروعیت، محور اصلی جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر را تشکیل می‌دهد. ماکس وبر در تقسیم‌بندی خود، انواع سلطه و مشروعیت را به سه دسته تقسیم کرده است: مشروعیت عقلایی، مشروعیت سنتی و مشروعیت کاریزماتیک. طبقه سیاسی، محور اصلی جامعه‌شناسی مارکسیستی است.

۵۲- گزینه «۲» به نظر پولانزاس، مهم‌ترین وظیفه و کارویژه دولت سرمایه‌داری، حفظ وحدت طبقه مسلط در جهت منافع آن است، لذا این خود، مستلزم آن است که دولت نسبت به علایق حزبی و متفرق گروه‌های مختلف طبقه حاکم دارای استقلال نسبی از طبقات اجتماعی باشد تا از این طریق بتواند به عنوان دستگاه سلطه طبقاتی، ساخت تولیدی را بازتولید کند.

۵۳- گزینه «۲» ماکس وبر معتقد است که قدرت در کلیه روابط اجتماعی وجود دارد. وی در تعریف قدرت، می‌گوید: قدرت، امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه اتکالی این امکان خاص، اراده خود را با وجود مقاومت به کار برد. این تعریف از قدرت دربرگیرنده کل روابط اجتماعی است و محدود به حوزه خاصی از زندگی نیست.

۵۴- گزینه «۲» نظریه سیاسی هگل به خاطر سازشی که بین آزادی فردی و اقتدار دولت برقرار می‌کند، اهمیت بسیاری دارد. او می‌گفت: وقتی مردم دانستند چیزی به نام ایده وجود دارد و دولت و نهادهای آن، تجلی این ایده هستند و وقتی خود را تابع دولت و نهادهای آن دانستند و آن‌ها را پذیرفتند، در این صورت آزاد هستند. آزادی فرد در دور بودن از اقتدار نیست بلکه در تابع بودن نسبت به اقتدار است.

۵۵- گزینه «۱» به نظر اوفه، دولت مدرن دچار تعارضات اساسی است که نمی‌توان آن‌ها را به وسیله هیچ‌گونه شیوه اداری رفع کرد. مشکل اصلی دولت معاصر ایجاد تعادل میان کارویژه‌های ضروری آن است. به نظر اوفه «منطق‌های سه گانه سیاستگذاری» دولت مدرن یعنی منطق بروکراتیک عقلایی، منطق تضمین وفاق اجتماعی و منطق سیاستگذاری اقتصادی، مانع انجام منظم کارویژه‌های آن می‌شود، زیرا تقاضاهای گوناگون ناشی از حوزه اقتصادی جامعه، دولت را وادار می‌کند تا به فعالیت‌های نامتناسب با روند اقتصاد بازاری دست بزند.

۵۶- گزینه «۲» از نظر ماکس وبر، برجسته‌ترین نمونه سیاست و سلطه سنتی، پاتریمونیالیسم است. این نوع نظام سیاسی ویژگی‌های متفاوتی دارد، از جمله اینکه دستگاه دیوانی دولت، دستگاه منطقی نیست، ارتقا و ترفیع رتبه برحسب ضوابط مشخصی صورت نمی‌گیرد، مناصب سیاسی به طور پیش‌بینی‌ناپذیری دست به دست می‌شوند و اینکه امنیت شغلی در این نظام‌ها وجود ندارد. در دستگاه دیوانی این نوع دولت‌ها منصب از مقام قابل تفکیک نیست و کارگزاران صاحبان منصب به شمار می‌روند.

۵۷- گزینه «۱» جامعه ایدئالی مارکس، جامعه‌ای است که دولت در آن باید به تدریج تضعیف شود و آخرالامر نابود گردد. به نظر مارکس با از میان رفتن دولت سرمایه‌داری در دوران دیکتاتوری پرولتاریا شرایط بی‌سابقه‌ای حاکم می‌شود. در آن وضع، هر کس به اندازه توانایی خود کار می‌کند و به اندازه نیاز خود مصرف می‌کند. دیکتاتوری پرولتاریا مرحله انتقالی از سرمایه‌داری به کمونیسم کامل خواهد بود.

۵۸- گزینه «۱» آنچه در واقع موجب انفکاک و جدایی مکتب فرانکفورت از مارکسیسم شد، اعتقاد مکتب فرانکفورت به ارتباط و همبستگی طبقه کارگر و سرمایه‌دار بود. این اعتقاد مکتب فرانکفورت در مقابل این اندیشه مارکس قرار می‌گرفت که طبقه کارگر باید در نهایت طی انقلاب، طبقه سرمایه‌دار را از بین ببرد و یک دولت پرولتاریایی تشکیل دهد اما اندیشمندان مکتب فرانکفورت برخلاف نظر مارکس به همبستگی و ارتباط این دو طبقه اعتقاد داشتند.

۵۹- گزینه «۳» هگل گفت: اصل آزادی متضمن اطاعت از اراده اکثریت نیست، بلکه در اطاعت از دولت یا اراده عامی است که عینی‌شده اراده واقعی فرد است. به عبارت دیگر، هگل معتقد بود اگر مردم دانستند چیزی به نام ایده وجود دارد و دولت و نهادهای آن، تجلی مادی این ایده هستند و وقتی خود را تابع دولت و نهادهای آن دانستند، در این صورت آزاد هستند. آزادی فرد در دور بودن از اقتدار دولت نیست بلکه در تابع بودن به آن است.

۶۰- گزینه «۴» در مورد گزینه ۱ باید گفت: در نظر مارکس تضاد نه در دولت، بلکه در حیات طبقات اجتماعی جریان دارد؛ این منازعه طبقاتی تعیین‌کننده اشکال سیاست و دولت است. در نتیجه بروکراسی نمی‌تواند از بروز تضاد در دولت جلوگیری کند، بلکه بروکراسی منفعت خصوصی را به صورت نفع عمومی جلوه‌گر می‌کند و باعث تحکیم و تثبیت قدرت طبقه مسلط می‌شود و از این طریق موجب استمرار حیات سرمایه‌داری می‌شود.

۶۱- گزینه «۴» به نظر پولانزاس (برخلاف گزینه ۲) دولت ساخت منفصلی نیست و دارای استقلال نسبی است، زیرا برای آنکه بتواند به عنوان دستگاه سلطه طبقاتی، ساخت تولید را بازتولید کند، نیازمند میزانی استقلال از طبقات و مبارزه طبقاتی است. همچنین به نظر وی دولت به قدرت طبقه مسلط سازمان می‌بخشد و سازمان طبقات تحت سلطه را در هم می‌شکند.

۶۲- گزینه «۳» کثرت‌گرایان معتقدند سیاست حاصل جمع بازیگران و گروه‌های متعدد در درون جوامع است، از این رو کثرت‌گرایی به مفهوم تکثر منابع قدرت اجتماعی است. مارکسیست‌های کثرت‌گرا نیز برخلاف مارکسیست‌های ارتدوکس معتقدند علاوه بر گروه‌های طبقاتی، گروه‌های غیر طبقاتی هم بر سیاست تأثیر می‌گذارند.

۶۳- گزینه «۲» مهم‌ترین نظریه‌پرداز استقلال نسبی دولت در جامعه‌شناسی مارکسیستی، نیکولاس پولانزاس است. فرد بلاک از جمله نظریه‌پردازانی است که به رده مفهوم استقلال نسبی دولت پرداخته است.

۶۴- گزینه «۱» از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، جنبش کاریزمایی در صورتی تداوم می‌یابد که با علایق مادی برخی از گروه‌های اجتماعی یا گروه‌های حامل درآمدیزد. وبر این موضوع را به طور کامل در رابطه با مذاهب توضیح داده است. به اعتقاد او هر یک از مذاهب بزرگ با توجه به روح اقتصادی حاکم در آن‌ها بیشتر با علایق مادی یکی از طبقات عمده جامعه سنخیت داشته‌اند. این گروه‌های حامل در ادیان مختلف شامل دیوانسالاران، طبقات بازرگان، جنگ‌سالاران و زمین‌داران، رنگ علایق مادی خود را بر جنبش مذهبی باقی گذاشته‌اند و بدین‌سان هر مذهب با آمیزش با منافع مادی خاصی تدام یافته است. در مورد گزینه ۲ ذکر این نکته ضروری است که وجه مهم اندیشه کاریزما تجدید سنت است. سنت‌ها همواره در شرف تجدید هستند و یکی از عوامل این تجدید، نیروی کاریزماست، نه اینکه استمرار جنبش کاریزمایی به عدم تضعیف سنت مستقر وابستگی داشته باشد.

۶۵- گزینه «۴» ماکس وبر برخلاف کارل مارکس، طبقه را تنها واحد اساسی برای تقسیم‌بندی جامعه نمی‌داند. به نظر او جامعه از سه جهت اساسی، یعنی از حیث قدرت اقتصادی (طبقه)، منزلت و شأن اجتماعی و قدرت سیاسی (حزب) تقسیم‌بندی می‌شود ولیکن آن‌ها ضرورتاً بر هم منطبق نیستند. وی معتقد است که زندگی سیاسی و حزبی لزوماً رابطه با طبقات و منزلت‌های اجتماعی ندارد و این اختلاف مهمی است که میان دیدگاه وبر و مارکس وجود دارد.

۶۶- گزینه «۴» بر اساس نظریه تفسیر گرایی ماکس وبر، نظام سیاسی تحت تأثیر آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی است که در جامعه نهادینه شده‌اند. گزینه ۱ که نظام سیاسی را متأثر از روانشناسی سیاسی و ویژگی‌های نخبگان سیاسی می‌داند، مربوط به نظریات الییتستی و به ویژه ویلفردو پاره‌تو است. قشربندی اجتماعی و نظام طبقاتی نیز ابزار تحلیل نظریات مارکسیستی است.

۶۷- گزینه «۱» بر طبق نظریه مارکسیستی دولت، به دنبال انقلاب پرولتاری و ظهور جامعه بی‌طبقه که در آن مبارزه طبقاتی از میان می‌رود، دولت به تدریج محو خواهد شد، زیرا دولت در جوامع طبقاتی ضامن سلطه طبقه مسلط (از نظر اقتصادی) است و طبقه مسلط از طریق دولت به استثمار طبقات زیر سلطه ادامه می‌دهد. در صورتی که به دنبال انقلاب پرولتاری (کارگری) و شکل‌گیری دیکتاتوری پرولتاریا طبقات به مفهوم اقتصادی آن از میان خواهند رفت که نتیجه آن از میان رفتن نهاد دولت به عنوان نهاد سلطه طبقاتی است. در مقابل، نخبه‌گرایی معتقد است اکونومیسم، خود از ابزار تحلیل مارکسیستی به شمار می‌رود. نخبه‌گرایان معتقدند قدرت دولتی (حتی در نظام‌های دموکراتیک) همواره در دست گروه کوچکی قرار دارد که از طریق آن، سلطه خود را بر اکثریت (توده‌های زیر سلطه) اعمال می‌کنند.

۶۸- گزینه «۱» موضوع محوری جامعه‌شناسی وبر بحث سلطه و انواع مشروعیت در حوزه سیاسی است. لیکن بحث وبر در این زمینه مستقل از ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. بنابراین موضوع محوری جامعه‌شناسی وبر، استقلال عرصه اجتماعی در سطح سیاست است.

۶۹- گزینه «۳» نظریه مبادله بر اساس اصول فایده‌گرایی شکل گرفته است، از این نظر این دو مکتب (نظریه مبادله و فایده‌گرایی) از لحاظ مؤلفه‌ها یا متغیرهای مستقل، همانند هستند. هرچند نظریه مبادله و مکتب فرویدی‌ها در سطح تحلیل خرد قرار دارند، ولی اجزای ذاتی مورد تأکید در نظریه مبادله، مادی و در مکتب فرویدی، عاطفی است. در مورد مارکسیسم و جمع‌گرایان فرانسوی نیز هر دو در سطح کلان هستند، لیکن اجزای ذاتی مورد تأکید در مارکسیسم، مادی و در جمع‌گرایان فرانسوی، تعامل‌گرا است.

۷۰- گزینه «۴» جهت‌گیرهای ذهنی یا درونی مشترک، نمادها، معانی و برداشت‌هایی از خود و تعاریفی از وضعیت، عوامل تعیین‌کننده اصلی در نظریه تعامل‌گرایی نمادین هستند. شرایط مادی، طبقات اجتماعی، از خود بیگانگی و ایدئولوژی یا آگاهی کاذب، همگی از مفروضات مارکسیسم هستند. همچنین روانشناسی و ویژگی‌های فردی نخبگان در قالب نظریات الییتسم (نخبه‌گرایی) مطرح می‌شود.

۷۱- گزینه «۲» مطابق نظریه مبادله، شهروندان انتظار دارند که آنچه از سازمان سیاسی دریافت می‌کنند دقیقاً معادل کمک‌هایی باشد که به آن می‌کنند و چنانچه این انتظارات راجع به تحقق ارزش‌ها و پاسخ عادلانه برآورده نشود، شهروندان خشمگین می‌شوند؛ از آنجا که آن‌ها نه حداقل رضایت را از طریق تأمین ارزش‌ها کسب می‌کنند و نه عدالتی از دولت عایدشان می‌شود (طبق تشخیص آن‌ها از امور) احتمال اینکه دولت را مشروع بدانند، کاهش می‌یابد. بنابراین در نظریه مبادله، زمانی مشروعیت سیاسی دولت کاهش می‌یابد که شهروندان از تأمین ارزش‌ها و استقرار عدالت، حداقل رضایت را نداشته باشند.

۷۲- گزینه «۴» از آنجا که مفروض اصلی نظریه مبادله این است که افراد در فعالیت، طالب سود هستند و احتمال مبادله فعالیت‌ها در مواردی افزایش می‌یابد که هریک از طرف‌های مبادله در حال کسب سود باشند، در نتیجه، میزان پاسخگویی نظام‌های سیاسی هم به واسطه عوامل عینی و رابطه هزینه - فایده سنجیده می‌شود. لذا نظام‌های سیاسی که از نظر سیاسی توسعه پیدا می‌کنند از پاسخگویی بیشتری برخوردارند، بدین ترتیب متغیرهای ذهنی و انتزاعی نظیر فرهنگ سیاسی در تبیین این نظریه جایی ندارند.

۷۳- گزینه «۲» کتاب دولت در جامعه سرمایه‌داری متعلق به رالف میلی‌بند است. وی در این کتاب در پی ارزیابی قوت نظریه ابزارگونگی دولت در مقابل نظریه رایج در جامعه‌شناسی سیاسی در غرب یعنی پلورالیسم برآمد. او در مقابل این نظریه که دولت در میان منافع و علایق اجتماعی جامعه مدنی، داور بی‌طرف است، با استفاده از آمار و اطلاعات در مورد کشورهای غربی نشان می‌دهد که در این جوامع طبقه مسلطی وجود دارد که وسایل تولید را در مالکیت یا کنترل خود داشته و با مهم‌ترین نهادهای سیاسی جامعه به ویژه ارتش، رسانه‌های گروهی و احزاب سیاسی دارای روابط بسیار نیرومندی است.

۷۴- گزینه «۱» به نظر اوفه، دولت مدرن دچار تعارضات اساسی است که نمی‌توان آن‌ها را به وسیله هیچ‌گونه شیوه اداری، رفع کرد. به عقیده وی مشکل اصلی دولت معاصر، ایجاد تعادل میان کارویژه‌های ضروری آن است. به نظر اوفه، منطق‌های سه گانه سیاستگذاری دولت مدرن یعنی منطق بروکراتیک - عقلایی، منطق تضمین وفاق اجتماعی و منطق سیاستگذاری اقتصادی مانع انجام کار ویژه‌های آن می‌گردند. زیرا تقاضاهای گوناگون ناشی از حوزه اقتصادی جامعه، دولت را وادار می‌کند تا به فعالیت‌های نامتناسب با روند اقتصاد بازاری دست بزند.

۷۵- گزینه «۴» وبر برخلاف مارکس، طبقه را تنها واحد اساسی تقسیم‌بندی جامعه نمی‌داند. به نظر او جامعه از سه جهت اساسی، یعنی از حیث قدرت اقتصادی (طبقه)، منزلت و شأن اجتماعی و قدرت سیاسی (خوب) تقسیم‌بندی می‌شود.

۷۶- گزینه «۴» نظریه ستیز، بیشتر به نقش کنش‌ها (ستیز یا وفاق) توجه دارد و نقش ساختارها (مانند نظام) را مورد توجه کافی قرار نمی‌دهد.

۷۷- گزینه «۲» در حقیقت مسئله زیربنا و روبنا به عنوان مهم‌ترین و مناقشه‌انگیزترین عنصر جامعه‌شناسی مارکسیستی است که مورد تفسیرهای گوناگونی قرار گرفته است. مسئله مهم این است که آیا زیربنا که ظاهراً از نیروها و روابط تولیدی تشکیل شده است، تنها عبارت از ساخت اقتصادی است یا اینکه برخی از آنچه معمولاً روبنا خوانده می‌شود را نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، آیا زیربنا گسترده‌تر از ساخت اقتصادی است. این موضوع مباحث بسیاری را در بین مارکسیست‌ها برانگیخته است.

۷۸- گزینه «۱» آثار کارل مارکس عبارت است از: ایدئولوژی آلمانی، نقد فلسفه هگل و هجدهم برومر لوئی بناپارت. کتاب الیت قدرت جزء آثار مارکس نیست. این کتاب متعلق به سی رایت میلز است. میلز در این کتاب به بررسی زمینه‌های الیت‌های جامعه می‌پردازد. وی در این کتاب متأثر از پاره‌تو به مفهوم الیت قدرت پرداخته است. او در این کتاب سه گروه را به عنوان الیت معرفی می‌کند که در جامعه امریکا حکومت می‌کنند: سرمایه‌داران، نظامیان و مدیران جامعه.

۷۹- گزینه «۲» روند عقلانی شدن جهان، عام‌ترین مفهوم در اندیشه وبر است. به نظر او جهان همواره در فرآیند عقلانی شدن به پیش می‌رود. مفهوم عقلانیت در دیدگاه وبر به معنی گسترش عقلانیت نهادی یا ابزاری در حوزه زندگی خارجی یا اجتماعی است و پدیده‌هایی چون گسترش سازمان یافتگی، انضباط‌پذیر شدن و قابلیت پیش‌بینی و کنترل زندگی، تسلط انسان بر محیط از طریق گسترش علایق ابزاری وی نسبت به طبیعت، از میان رفتن قدرت نیروهای نامشخص احساسی و عاطفی و غیر عقلانی در زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرد.

۸۰- گزینه «۳» از نظر ماکس وبر، سیاست و سلطه سنتی مبتنی بر سنت‌هایی است که از جانب حاکم و اتباع مورد اطاعت قرار می‌گیرد. مبنای اجتماعی سلطه سنتی، کنش سنتی است که به موجب آن رابطه سلطه امری از پیش تعیین شده تلقی می‌شود. از نظر ماکس وبر ژرنتوکراسی (پیرسالاری) یکی از انواع اقتدار سنتی است. وی معتقد است که برجسته‌ترین سیاست و سلطه سنتی، پاتریمونیالیسم است. این نوع دولت در نتیجه تحول نظام نامتمرکز فئودالی و پیدایش ارتش‌های جدید و ضرورت درگیری در نزاع‌های گسترده بین‌المللی پدید آمد.

فصل سوم

«ارتباط جامعه و سیاست و انواع الگوها»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

- ۱- کثرت‌گرایان به علت روش خود، نقشی برای اندیشه‌ها در شکل دادن به سیاست قائل نشده‌اند. (سراسری ۸۱)
- (۱) پوزیتیویست (۲) فرارفتاری (۳) هنجاری (۴) هرمنوتیک
- ۲- از دید پارسونز، کارکرد نیل به اهداف توسط کدام نهاد صورت می‌گیرد؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) فرهنگ (۲) مذهب (۳) سیاست (۴) اقتصاد
- ۳- کدام اندیشمند، مفهوم «ذخایر ثابت» را برای نشان دادن احساسات تأثیرگذار بر رفتار اجتماعی به کار برده است؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) ماکیاوِل (۲) پاره‌تو (۳) اسملسر (۴) دورکهایم
- ۴- کدام مفاهیم، از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی سیاسی پاره‌تو محسوب می‌شود؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) تعادل اجتماعی، مساوات اجتماعی و تقسیم‌بندی الیت و غیر الیت
(۲) وفاق اجتماعی، گردش نخبگان و شکاف نخبگان و غیرنخبگان
(۳) تعادل اجتماعی، ناهمگن بودن جامعه بشری، تقسیم جامعه به نخبگان و توده‌ها
(۴) عدم تعادل اجتماعی، عدالت اجتماعی، گروه‌بندی دوگانه برگزیدگان و توده‌ها
- ۵- مارکسیسم هگلی، توسط کدام اندیشمند به اوج خود رسید؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) آنتونیو گرامشی (۲) کارل مارکس (۳) گئورگ لوکاچ (۴) روزا لوکزامبورگ
- ۶- الگوی کورپوراتیسم بر کدام مفهوم مبتنی است؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) مبارزه طبقات (۲) تعادل طبقات (۳) سلطه طبقه کارگر (۴) سلطه طبقه سرمایه‌دار
- ۷- کدام یک از نظریه‌های زیر براساس الگوی مغز انسان به عنوان سیستم درون‌گردان بنا شده است؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) نظریه بازی‌ها (۲) نظریه مبادله (۳) سیبرنتیک (۴) گزینش عقلانی
- ۸- از نظر رابرت دال دموکراسی یعنی: (سراسری ۸۲)
- (۱) حق رأی همگانی (۲) مشارکت مردم (۳) رقابت آزاد گروه‌های مختلف (۴) هیچ‌کدام
- ۹- در کدام نظریه، قدرت اجتماعی میل به تفرق دارد؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) لیبرالیسم (۲) سوسیالیسم (۳) دموکراسی (۴) پلورالیسم
- ۱۰- از نظر پاره‌تو، سوسیالیسم و دموکراسی مظهر هستند. (سراسری ۸۲)
- (۱) خلاقیت (۲) عقلانیت (۳) بروکراسی (۴) زندگی غیر عقلانی
- ۱۱- کدام اندیشمند معتقد است گروه‌های روشنفکری را باید براساس رابطه آنها با ساخت منافع طبقاتی مطالعه کرد؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) وبر (۲) لنین (۳) مانهایم (۴) مارکس
- ۱۲- توزیع قدرت بین گروه‌های متعدد از خصوصیات کدام یک از مدل‌های جامعه‌شناسی سیاسی است؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) نخبه‌گرا (۲) تکثرگرا (۳) کارکردگرا (۴) کورپوراتیست
- ۱۳- کدام اندیشمند، قدرت در سیاست را به پول در اقتصاد تشبیه می‌کند؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) وبر (۲) پارسونز (۳) مارکس (۴) هایک
- ۱۴- کدام یک از اندیشمندان زیر اختلال در گردش نخبگان را از عوامل اصلی بروز انقلاب می‌داند؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) کارل مارکس (۲) نیکولو ماکیاوِلی (۳) ویلفردو پاره‌تو (۴) آلكسی دوتوکویل



- ۱۵- کدام جامعه‌شناس زیر طبقه حاکم و البت را همان طبقه سیاسی می‌داند؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) پاره‌تو (۲) موسکا (۳) میلز (۴) میخلز
- ۱۶- میخلز کدام مفهوم را در توضیح ماهیت نخبگان به کار برده است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) مثلث‌های آهنین (۲) دموکراسی رادیکال (۳) کثرت‌گرایی نخبه‌گرا (۴) قانون آهنین الیگارشی
- ۱۷- از نظر رابرت دال، شرط اصلی و اساسی دموکراسی کدام است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) به وجود آمدن فرهنگ مدنی (۲) به وجود آمدن دموکراسی هدایت شده (۳) پیدایش ساختار سیاسی دموکراتیک (۴) وجود گروه‌ها و علایق اجتماعی متعدد و متکثر
- ۱۸- از دیدگاه پاره‌تو، عامل نظم سیاسی در انسان‌ها کدام گزینه (ذخیره) است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) ترکیبات (۲) تداوم مجموعه (۳) گزینه جنسی (۴) نیاز ابراز احساسات
- ۱۹- در کدام الگوی جامعه‌شناسی، سازش و تلفیق منافع در تعامل بین نمایندگان اعضای کارگری، کارفرمایی و دولتی به وجود می‌آید؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) الیتسیم (۲) پلورالیسم (۳) کورپوراتیسم (۴) فونکسیونالیسم
- ۲۰- از نظر پارسونز کدام نظام، کارویژه حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی را به عهده دارد؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) ارزشی (۲) اقتصادی (۳) حقوقی (۴) سیاسی
- ۲۱- اصطلاح «قانون آهنین الیگارشی» از کیست و آن را به چه اطلاق می‌کند؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) ماکس وبر - «دیوان‌سالاران» و قدرت آنها (۲) ربرت میخلز - اصحاب «جامعه مدنی» و حاکمیت آنها (۳) آنتونی گیدنز - حاکمیت «طبقات ضعیف» و قطعی بودن آن (۴) ربرت میخلز - «طبقه سیاسی» که همیشه وجود دارد و همیشه حاکم است.
- ۲۲- کدام یک از جامعه‌شناسان را می‌توان تکثرگرا نامید؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) میلیبند، اوفه (۲) موسکا، آلتوسر (۳) رایت میلز، رابرت دال (۴) دهرندرف، پولانزاس
- ۲۳- کدام یک از نظریه پردازان زیر الیتیست دموکراتیک هستند؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) افلاطون (۲) شومپتر (۳) ماکیاولی (۴) موسکا
- ۲۴- در جامعه‌شناسی پاره‌تو کدام محور صحیح است؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) نخبه‌ها مکر دارند و توده‌ها قدرت (۲) نخبه‌ها قدرت دارند و توده‌ها مکر (۳) نخبه‌ها از فن بیان برخوردارند و توده‌ها از قدرت بسیج (۴) نخبه‌ها امکانات فنی دارند و توده‌ها قدرت مقاومت
- ۲۵- کدام نظریه به نقش ایدئولوژی در شکل دادن به خط مشی سیاسی توجه ندارد؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) فاشیسم (۲) فمینیسم (۳) مارکسیسم (۴) کثرت‌گرایی
- ۲۶- اصطلاح «خانه سخت فولادی» از کیست و به چه چیز اطلاق می‌شود؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) پاره‌تو، قدرت برتر نخبگان (۲) مارکس، قدرت پیشرو کارگران (۳) میخلز، قدرت منسجم احزاب (۴) وبر، قدرت بروکراتیک مدرن
- ۲۷- از نظر کدام یک از متفکرین، روشنفکران دارای پایگاه اجتماعی گوناگون و نظرات اجتماعی و فکری شناور می‌باشند؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) پولانزاس (۲) گرامشی (۳) مانهایم (۴) مارکس
- ۲۸- جمله زیر از کیست و تعریف چیست؟ (سراسری ۸۵)
- «گسترش تعداد ارزش‌های تخصیص یافته»
- (۱) اپتر، توسعه سیاسی (۲) دال، دموکراسی (۳) روستو، نوسازی سیاسی (۴) لیپست، پولیاریشی
- ۲۹- از دید کثرت‌گرایان مواد اصلی فرآیند سیاسی می‌باشند. (سراسری ۸۵)
- (۱) گروه‌ها (۲) احزاب (۳) طبقات (۴) حکومت‌ها
- ۳۰- کدام یک از مفاهیم کلیدی زیر از سوی پاره‌تو مطرح شده است؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) عقلانیت (۲) پلی‌آرشی (۳) گردش نخبگان (۴) قفس آهنین

- ۳۱- دو تن از مهم‌ترین نظریه‌پردازان مکتب الیتسیم عبارت‌اند از:
- (۱) میخلز و هابز (۲) مارکس و پارسونز (۳) پاره‌تو و موسکا (۴) وبر و هانتینگتون (سراسری ۸۶)
- ۳۲- مهم‌ترین معیار قشربندی اجتماعی از دید پارسونز، کدام است؟
- (۱) ارزش (۲) پرستیژ (۳) نقش (۴) هنجار (سراسری ۸۶)
- ۳۳- واژه الیت قدرت را چه کسی به جای طبقه حاکمه به کار می‌برد؟
- (۱) آرتور بنتلی (۲) آنتونیو گرامشی (۳) سی‌رایت میلز (۴) ویلفردو پاره‌تو (سراسری ۸۶)
- ۳۴- ویژگی‌های جوامع مدرن از نظر پارسونز، کدامند؟
- (۱) خاص‌گرایی، ویژه‌نگری و شایسته‌سالاری (۲) عام‌گرایی، ویژه‌نگری و شایسته‌سالاری (۳) عام‌گرایی، ویژه‌نگری و نسب‌سالاری (۴) درهم‌نگری، عام‌گرایی و نسب‌سالاری (سراسری ۸۶)
- ۳۵- از نظر پاره‌تو، رفتار سیاسی تابع است.
- (۱) شرایط اجتماعی (۲) صرفاً احساس (۳) صرفاً عقل (۴) عقل و احساس (سراسری ۸۶)
- ۳۶- در نظریه پاره‌تو گروه شیر صفتان دارای چه نوع غریزه‌ای است؟
- (۱) ابراز احساسات (۲) اجتماعی بودن (۳) ترکیبات (۴) تداوم مجموعه‌ها (سراسری ۸۶)
- ۳۷- از نظر میلز در نقد مارکسیسم چه گروهی طبقه حاکم را تشکیل می‌دهند؟
- (۱) سیاستمداران (۲) سرمایه‌داران (۳) نخبگان قدرت (۴) زمین‌داران بزرگ (سراسری ۸۶)
- ۳۸- کثرت‌گرایان مارکسیست کسانی هستند که:
- (۱) قبول دارند ایدئولوژی در سیاست مؤثر است. (۲) دولت را مهم‌ترین بازیگر سیاسی در جامعه می‌دانند. (۳) بر نقش سرمایه‌داران در سیاست تأکید دارند. (۴) پذیرفته‌اند گروه‌های غیرطبقه‌ای نیز بر سیاست اثر دارند. (سراسری ۸۶)
- ۳۹- تئوری گردش نخبگان در جابجایی قدرت، نظریه کدام جامعه‌شناس است؟
- (۱) پارسونز (۲) پاره‌تو (۳) ماکس وبر (۴) دورکیم (آزاد ۸۶)
- ۴۰- کدام یک از گزینه‌های زیر غلط است؟
- (۱) در نظریه جامعه‌شناختی تالکوت پارسونز زیربنا محیط معنوی و ارزشی (عامل فرهنگی) است. (۲) نظریه کارکردگرایی تالکوت پارسونز جامعه را همانند سیستمی می‌بیند که از بخش‌های مختلف تشکیل یافته است. (۳) نظریه جامعه‌شناختی تالکوت پارسونز ریشه در اصالت فایده‌داشته و نگرش محافظه‌کارانه دارد. (۴) ماکس وبر، عوامل اقتدار یا مشروعیت سیاسی را به مشروعیت قانونی، سنتی و کاریزمایی تقسیم می‌کند. (آزاد ۸۶)
- ۴۱- مهم‌ترین نماینده مکتب فونکسیونالیسم یا کارکردگرایی کدام یک از جامعه‌شناسان زیر است؟
- (۱) ماکس وبر (۲) تالکوت پارسونز (۳) هربرت اسپنسر (۴) ویلفردو پاره‌تو (آزاد ۸۶)
- ۴۲- اساس نظریه پلورالیسم در جامعه‌شناسی چیست؟
- (۱) توزیع قدرت در بین نهادهای دولتی (۲) تمرکز قدرت (۳) پراکندگی قدرت (۴) گزینه‌های یک و دو (آزاد ۸۶)
- ۴۳- چه کسی قدرت در سیاست را به پول در اقتصاد تشبیه می‌کند؟
- (۱) پارسونز (۲) تروتسکی (۳) لوکاچ (۴) مارکس (سراسری ۸۷)
- ۴۴- عنصر اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی نو ماکیاولیست‌ها چیست؟
- (۱) توده‌ها (۲) احزاب سیاسی (۳) نخبگان سیاسی (۴) گروه‌های ذی‌نفوذ (سراسری ۸۷)



- ۴۵- نظریه نخبه‌گرایی بیانگر آن است که
 (۱) جامعه بر سیاست اولویت دارد.
 (۲) سیاست بر جامعه اولویت دارد.
 (۳) سیاست تابعی از الگوهای فرهنگی است.
 (۴) رابطه سیاست و جامعه با یکدیگر، رابطه جزء و کل محسوب می‌شود.
 (سراسری ۸۷)
- ۴۶- در الگوی کورپوراتیسم جدید، رابطه طبقات اجتماعی به چه صورتی است؟
 (۱) سازش و مصالحه
 (۲) ستیزه
 (۳) قطع رابطه
 (۴) سلطه یکی بر دیگری
 (سراسری ۸۷)
- ۴۷- از دیدگاه ماکس وبر، رفتار سیاسی چه ماهیتی دارد؟
 (۱) هدفمند
 (۲) ترکیبی از عقلایی و غیر عقلایی
 (۳) غیر عقلایی
 (۴) عقلایی
 (آزاد ۸۷)
- ۴۸- قانون آهنین الیگارشی از کسیت؟
 (۱) میلز
 (۲) موسکا
 (۳) میشلز
 (۴) ماکیاولی
 (آزاد ۸۷)
- ۴۹- کدام متفکر سیاسی در تبیین مفهوم محافظه‌کاری، سه معیار قداست مالکیت، قداست سنت مذهبی و قداست سنت خانوادگی را بیان می‌کند؟
 (۱) افلاطون
 (۲) مارکس
 (۳) وبر
 (۴) راسل
 (آزاد ۸۷)
- ۵۰- عقل از دیدگاه کدام عالم علوم اجتماعی، عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است؟
 (۱) مانهایم
 (۲) دورکهایم
 (۳) پارسونز
 (۴) پاره‌تو
 (آزاد ۸۷)
- ۵۱- کدام اندیشمند، دموکراسی‌های امروز را تشریفات دانسته و قدرت سیاسی را در دست سیاستمداران گردان و نه در دست مردم می‌بیند؟
 (۱) تالکوت پارسونز
 (۲) ریمون آرون
 (۳) جرج زیمل
 (۴) رابرت دال
 (سراسری ۸۸)
- ۵۲- رابرت دال نظریه‌پرداز کدام نظریه است؟
 (۱) رفتارگرایی
 (۲) ساختارگرایی
 (۳) کثرت‌گرایی
 (۴) نخبه‌گرایی
 (سراسری ۸۸)
- ۵۳- منظور شومپتر از اصطلاح «الیگوبولی» در حوزه‌ی سیاست چیست؟
 (۱) رقابت و مشارکت توده‌ای به رهبری نخبگان
 (۲) عدم رقابت و وجود انحصار به نفع طبقه‌ی حاکم و مسلط
 (۳) رقابت ناقص و ناتمام بین چند گروه و بازیگر عمده‌ی سیاسی
 (۴) رقابت سالم و بی‌کم و کاست همه گروه‌ها و بازیگران مدنی همچون رقابت در بازار اقتصادی
 (سراسری ۸۸)
- ۵۴- کدام نظریه‌پرداز مارکسیست در تحلیل سرمایه‌داری، اولویت را به ذهنیت انسانی می‌دهد؟
 (۱) پلخانف
 (۲) کائوتسکی
 (۳) گرامشی
 (۴) لنین
 (سراسری ۸۸)
- ۵۵- از دیدگاه رالف دارندورف، مهم‌ترین منبع تضادهای سیاسی در جامعه‌ی مدرن امروز، کدام است؟
 (۱) نخبگان و تضاد منافع بین آنها
 (۲) توزیع نابرابر اقتدار و قدرت رسمی
 (۳) توزیع نابرابر قدرت اقتصادی
 (۴) عقده‌های روانی و نارضایتی سیاسی بازیگران سیاسی عمده
 (سراسری ۸۸)
- ۵۶- چه کسانی از مدافعان و نظریه‌پردازان مکتب «نخبه‌گرایی دموکراتیک» محسوب می‌شوند؟
 (۱) رابرت دال و جوزف شومپتر
 (۲) جوزف شومپتر و ماکس وبر
 (۳) رابرت دال و سی‌رایت میلز
 (۴) موسکا و پاره‌تو
 (سراسری ۸۸)
- ۵۷- واینر در کتاب در زمینه حزب می‌نویسد.
 (۱) احزاب سیاسی و توسعه سیاسی
 (۲) احزاب سیاسی و توسعه نیافتگی سیاسی
 (۳) احزاب سیاسی و سیاست توسعه
 (۴) احزاب سیاسی و توسعه اجتماعی
 (آزاد ۸۸)



- ۵۸- از دیدگاه پارسونز عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی کدام‌اند؟ (آزاد ۸۸)
- (۱) ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و واکنش‌ها
(۲) ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نقش‌ها
(۳) ارزش‌ها، داورى‌ها، نهادها، نقش‌ها
(۴) ارزش‌ها، قضاوت‌ها، نهادها، نقش‌ها
- ۵۹- او می‌گوید: عقل عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. (آزاد ۸۸)
- (۱) پاره‌تو (۲) موسکا (۳) ماکس وبر (۴) راسل
- ۶۰- موسکا و میشلز، سلطه نخبگان بر جامعه را ناشی از چه چیز می‌دانند؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) ویژگی‌های زیستی - روانی نخبگان
(۲) موقعیت و توانایی‌های سازمانی
(۳) در اختیار داشتن وسایل تولید و سرمایه
(۴) قرار گرفتن در ساختار جامعه و نهادینه شدن قدرت
- ۶۱- جوزف شومپتر در کدام دسته از تقسیم‌بندی‌های نخبگان قرار می‌گیرد؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) صنفی (۲) تکنوکراتیک و مدرن (۳) کلاسیک (۴) سندیکالیستی
- ۶۲- ریشه‌های نظری الگوی جامعه‌شناسی سیاسی پلورالیستی امروز را باید در نظریات رئالیستی و الیتریستی جستجو کرد. (آزاد ۸۹)
- (۱) اواسط قرن بیستم (۲) اواخر قرن بیستم (۳) اوایل قرن بیست و یکم (۴) اوایل قرن بیستم
- ۶۳- از نظر او عقل عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. (آزاد ۸۹)
- (۱) موسکا (۲) وبر (۳) پاره‌تو (۴) لوکاچ
- ۶۴- او در کتاب معروف خود الگوی جامعه‌شناسی پلورالیستی را عرضه کرده است؟ (آزاد ۸۹)
- (۱) دیوید ترومن (۲) کارل منهایم (۳) رابرت دال (۴) موريس دوورژه
- ۶۵- از دیدگاه پارسونز عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی عبارت‌اند از: (آزاد ۸۹)
- (۱) ارزش‌ها، قانون‌ها، نهادها، نقش‌ها
(۲) ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نقش‌ها
(۳) ارزش‌ها، قانون‌ها، حزب‌ها، نقش‌ها
(۴) ارزش‌ها، هنجارها، شوراها، نقش‌ها
- ۶۶- کدام نظریه‌پرداز مارکسیست در تحلیل سرمایه‌داری، اولویت را به ذهنیت انسانی می‌دهد؟ (سراسری ۹۰)
- (۱) گرامشی (۲) کائوتسکی (۳) پلخانف (۴) لنین



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل سوم

۱- گزینه «۱» پوزیتیویسم روشی است که می‌کوشد پدیده‌های اجتماعی را براساس قوانین حاکم بر علوم تجربی و پدیده‌های طبیعی، بررسی و تحلیل کند. بنابراین روش‌های مورد استفاده در پوزیتیویسم برای بررسی پدیده‌های اجتماعی عبارت‌اند از: مشاهده، آزمایش، آزمون‌پذیری، قابلیت پیش‌بینی، علت و معلول و ... به همین دلیل کثرت‌گرایان به دلیل دیدگاه و روش پوزیتیویستی خود، نقشی برای اندیشه‌ها در شکل دادن به سیاست قائل نیستند. در مقابل، روش‌های هنجاری و هرمنوتیکی برای اندیشه‌ها در شکل دادن به سیاست اهمیت فراوانی قائل‌اند.

۲- گزینه «۳» به نظر پارسونز هر نظام اجتماعی جهت حفظ، تداوم و استمرار خود چهار کارویژه اصلی را انجام می‌دهد که عبارت‌اند از:

- ۱- حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی، به وسیله نهادهایی چون: مذهب، فرهنگ و خانواده که روی هم رفته تشکیل‌دهنده نظام ارزشی جامعه هستند
- ۲- ایجاد همبستگی و حل منازعه به موجب نظام هنجاری یا حقوقی ۳- کارویژه نیل به اهداف که به وسیله نظام سیاسی انجام می‌شود
- ۴- کارویژه انطباق با شرایط متغیر و جدید که به وسیله نهادهای نظام اقتصادی اجرا می‌شود.

۳- گزینه «۲» پاره‌تو، متفکر الیست (نخبه‌گرایی) جامعه‌شناسی خود را در بستر نظریات روانشناختی و در پرتو تقسیم‌بندی خاصی از غرایز انسانی ارائه کرد. به نظر وی رفتار انسان عمدتاً غیرعقلانی است زیرا انسان به وسیله نیروهای غیرعقلانی یعنی ذخایر ثابت و احساساتش به حرکت درمی‌آید. وی از شش دسته غرایز و احساسات اساسی نام می‌برد:

- ۱- غریزه یا ذخیره ثابت ترکیبات
- ۲- تداوم مجموعه
- ۳- نیاز ابراز احساسات
- ۴- همبستگی فردی
- ۵- غریزه اجتماعی بودن
- ۶- غریزه جنسی.

۴- گزینه «۲» به نظر پاره‌تو تعادل اجتماعی دست‌یافتنی نیست، زیرا براساس نظریه گردش نخبگان وی، همیشه حرکتی در جامعه از پایین به بالا (تبدیل الیت به توده و توده به الیت) در جریان است. همچنین به نظر وی عدالت و مساوات اجتماعی از خیالات واهی بشر است.

۵- گزینه «۳» مارکسیسم هگلی توسط گئورگ لوکاچ به اوج خود رسید. آنتونیو گرامشی خود متأثر از نظریات گئورگ لوکاچ بود و بر همین اساس (مارکسیسم هگلی) برای جامعه مدنی به عنوان مرکز تشکیل ایدئولوژی و هژمونی طبقه مسلط اهمیتی در حد زیربنا قائل شد.

۶- گزینه «۲» بر طبق الگوی کورپوراتیسم، حکومت‌ها نمی‌توانند علایق گروه‌های مختلف را نادیده بگیرند، بلکه ماهیت دولت مستلزم توجه به منافع گروه‌های مختلف و تعدیل آنها به منظور حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی و نیز برقراری حداقلی از عدالت است. بنابراین در این الگو سلطه یک طبقه بر طبقه دیگر یا منازعه طبقاتی مانند الگوی پلورالیسم وجود ندارد، بلکه دولت، میانجی طبقات است و سعی در ایجاد و حفظ تعادل طبقات اجتماعی دارد.

۷- گزینه «۳» در نظریه سیبرنتیک می‌توان سیستم سیاسی را با سیستم‌های واجد آگاهی، خاطره و اطلاعات مقایسه کرد. چنین سیستم‌های واجد آگاهی تا حدی مانند مغز انسان دارای اطلاعات و توانایی کنترل درونی هستند. نظریه بازی‌ها و نظریه مبادله ریشه در نظریه انتخاب (گزینش) عقلانی دارند، ولی هیچ یک از این سه، نظام سیاسی را به عنوان یک سیستم (مانند نظریات کارکردگرایی و سیبرنتیک) در نظر نمی‌گیرند.

۸- گزینه «۳» الگوی پلورالیسم با تأثیر از نظریات رابرت دال در جامعه‌شناسی سیاسی مطرح شد. براساس این الگو سیاست نتیجه رقابت آزاد گروه‌ها با یکدیگر است و بنابراین دموکراسی چیزی جز تعدد گروه‌های قدرت و احتمال دست به دست شدن قدرت سیاسی میان آنها نیست، که به این معنی چیزی جز وضعیت پلاریشی نیست که در آن رقابت آشکار و آزادی برای جلب حمایت مردم در میان الیت‌ها (نخبگان) یا گروه‌های مختلف جریان دارد. پلورالیسم همچنین نقدی بر مفهوم سنتی دموکراسی بوده است که در آن از مشارکت توده مردم در زندگی سیاسی سخن گفته می‌شد.

۹- گزینه «۴» پلورالیسم به تعدد مراکز قدرت اجتماعی تأکید می‌گذارد. این الگو همچنین نقدی بر مفهوم سنتی دموکراسی (گزینه ۳) نیز بوده است که در آن از مشارکت توده مردم در سیاست سخن به میان می‌آید. در الگوی پلورالیسم، رابطه قدرت دولتی با مجموعه گروه‌ها و نیروهای اجتماعی بررسی می‌شود. تکرر و تنوع منابع قدرت، فرض اصلی دیدگاه پلورالیستی است. در سوسیالیسم (گزینه ۲) نیز قدرت، میل به تمرکز و برنامه‌ریزی متمرکز برای یک جامعه دارد.

۱۰- گزینه «۴» به نظر پاره‌تو رفتار انسان به دو گونه است: یکی رفتار عقلانی و دیگری رفتار غیرعقلانی مبتنی بر احساس. از این دو نوع رفتار، رفتار احساسی و غیرعقلانی در تعیین رفتار اجتماعی انسان مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر است. به نظر وی مردم، سوسیالیسم را بر اساس احساس ترحم می‌پذیرند نه بر اساس ضرورت منطقی و عقلانی آن. بنابراین به نظر پاره‌تو سوسیالیسم و دموکراسی، مظهر زندگی غیرعقلانی انسان هستند.

۱۱- گزینه «۳» به نظر کارل مانهایم از آنجا که ساخت‌های فکری، خود بازتاب منازعه اجتماعی و سیاسی طبقات و گروه‌های اجتماعی است، نمی‌توان روشنفکران را فارغ از علایق اجتماعی و طبقاتی دانست و از همین رو مطالعه دقیق روابط گروه‌های روشنفکری با ساخت منافع طبقاتی جامعه ضروری است. در مقابل، مارکس به عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جامعه‌شناسی بر آن بود که سرمایه‌داری، استقلال روشنفکران را از میان می‌برد و آنها را در وضعیتی شبیه پرولتاریا درمی‌افکند.

۱۲- گزینه «۲» در الگوی الیتسیم (نخبه‌گرایی) استدلال می‌شود که قدرت تمایل به تمرکز در گروه کوچکی دارد، هرچند منابع آن متعدد باشد. بر طبق الگوی کورپوراتیسم نیز تلفیق و جمع‌بندی علایق و منافع گوناگون در داخل چارچوب‌های قدرت صورت می‌گیرد (به عبارت دیگر دولت نسبت به تقاضاهای گوناگون گروه‌های مختلف بی‌تفاوت نیست و سعی در ایجاد حداقلی از عدالت در بافت اجتماع دارد) و فشار گروه‌های اجتماعی به صورت دلبخواهانه و پیش‌بینی‌ناپذیر به قدرت دولتی وارد نمی‌شود. بنابراین توزیع قدرت بین گروه‌های متعدد از خصوصیات تکثرگرایی است. پلورالیسم در مقابل نظریه‌های مارکسیستی دربارهٔ مبنای طبقاتی دولت بر تعدد مراکز قدرت اجتماعی تأکید می‌کند.

۱۳- گزینه «۲» پارسونز، قدرت در سیاست را به پول در اقتصاد تشبیه می‌کند. مارکس قدرت سیاسی را حاصل منازعه طبقاتی می‌داند. وی معتقد است جامعه مدنی به عنوان حوزه روابط مادی و اقتصادی و محل منازعه طبقاتی و به عنوان زیربنا، تعیین‌کننده قدرت و سیاست به عنوان روبنا است.

۱۴- گزینه «۳» علاوه بر پاره‌تو که اخلاق در گردش‌نخبگان را از عوامل اصلی بروز انقلاب می‌داند، سایر نظریه‌پردازان مهم نخبه‌گرا عبارت‌اند از: موسکا، میخلز و میلز. به عبارت دیگر سایر گزینه‌ها از اندیشمندان نخبه‌گرا (الیتسیم) به شمار نمی‌روند. به نظر پاره‌تو آنها که جای نخبگان را گرفته‌اند ولی در واقع نخبه نیستند و آنها که نخبه‌اند ولی در حاکمیت نیستند، باعث بی‌اعتدالی جامعه می‌شوند و اگر این روند ادامه یابد انقلاب رخ می‌دهد.

۱۵- گزینه «۲» در بستر جامعه‌شناسی سیاسی الیتستی (نخبه‌گرایی) پاره‌تو از گردش‌نخبگان، موسکا از طبقه حاکم، میلز از نخبگان قدرت و میخلز از مفهوم قانون آهنین اولیه‌گرایی برای توضیح نظریات خود استفاده می‌کنند. به نظر موسکا سرنوشت جامعه در دست نخبگان سیاسی است. همچنین از دید موسکا طبقه حاکم و الیت، همان طبقه سیاسی است.

۱۶- گزینه «۴» میخلز یکی از نظریه‌پردازان الیتسیم (نخبه‌گرایی) است. به طور کلی در نظریه الیتسیم استدلال می‌شود که قدرت در نهایت در دست گروه کوچکی تمرکز می‌یابد، هرچند منابع آن متعدد باشد. همچنین جامعه همواره میان دو گروه یا دو بخش تقسیم شده است: یکی سرآمدان و نخبگان و دیگری توده‌های زیر سلطه. میخلز در کتاب احزاب سیاسی، مفهوم «قانون آهنین الیگارش» را برای توضیح نظریه نخبه‌گرایی خود وضع کرده است. وی بر طبق قانون آهنین الیگارش معتقد است که پیدایش سازمان چه در سطح احزاب و چه در سطح دولت، همواره موجب گسترش گرایش‌های الیگارشیک و سلطه اقلیت می‌شود. به این معنی که به محض ایجاد تشکل و سازمان سیاسی، عده محدودی به رأس هرم آن راه می‌یابند و سلطه خود را بر اکثریت آن تحمیل می‌کنند. ارنستو لاکلاو و شانتال موفه برای توضیح نظریات خود از مفهوم دموکراسی رادیکال (گزینه ۲) استفاده می‌کنند.

۱۷- گزینه «۴» به نظر رابرت دال وجود گروه‌ها و علایق اجتماعی متکثر، شرط اصلی و اساسی دموکراسی است. دال این وضعیت را پولیاری می‌نامد که در آن رقابت آشکار و آزادی برای جلب حمایت مردم در میان الیت‌ها یا گروه‌های مختلف جریان دارد. آلموند و وربا برای بیان همسویی بین فرهنگ سیاسی با نظام سیاسی میان دموکراسی و به وجود آمدن فرهنگ مدنی ارتباط برقرار می‌کنند.

۱۸- گزینه «۱» پاره‌تو در پیدایش جامعه‌شناسی سیاسی الیتستی (نخبه‌گرا) نقش عمده‌ای داشت. از دیدگاه وی عقل، عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. انسان عمدتاً موجودی غیرعقلانی و دارای ذخایر عظیم غریزی و احساسی است و به وسیله همین نیروهای غیرعقلانی یعنی غرایز و احساساتش به حرکت درمی‌آید. وی از شش دسته غرایز و احساسات اساسی نام می‌برد که عبارت‌اند از:

۱- غریزه یا ذخیره ثابت تداوم مجموعه ۲- غریزه یا احساس یا ذخیره ثابت ترکیبات ۳- غریزه یا نیاز ابراز احساسات ۴- غریزه اجتماعی بودن ۵- غریزه همبستگی فردی ۶- غریزه جنسی. پاره‌تو تنها از دو غریزه اول برای توضیح رفتار سیاسی انسان بهره می‌گیرد. به عبارت دیگر در نظریه پاره‌تو، زندگی سیاسی مبتنی بر غرایز ترکیبات و تداوم مجموعه‌ها است. غریزه یا احساس یا ذخیره ثابت ترکیبات در توانایی تفکر، خلاقیت و ابتکار تجلی می‌یابد، عامل اصلی ترقی تمدن بشر به شمار می‌رود، اغلب در میان الیت‌های علمی، اقتصادی و سیاسی و نظامی رشد می‌کند ولی در بین توده‌ها گسترش نمی‌یابد، در الیت سیاسی متمرکز می‌شود و عامل نظم سیاسی در انسان‌هاست.

اما غریزه یا ذخیره ثابت تداوم مجموعه‌ها، یعنی عادات، رسوم، سنن و عقاید، روی هم رفته تشکیل‌دهنده فرهنگ است. به نظر پاره‌تو این غریزه موجب تداوم و همبستگی زندگی اجتماعی می‌شود. بنابراین سایر غریزه‌ها در نظریه پاره‌تو مبنای تحلیل سیاست به شمار نمی‌روند.



۱۹- گزینه «۳» مطابق الگوی پلورالیسم، حکومت نمی‌تواند علایق گروه‌های مختلف را نادیده بگیرد یا نسبت به آنها به نحوی تبعیض‌آمیز عمل کند، بلکه ماهیت دولت مستلزم توجه به منافع گروه‌های مختلف و جمع و تلفیق و تعدیل آنها به منظور حفظ ثبات سیاسی و نیز ایجاد حداقلی از عدالت در اجتماع است.

به همین دلیل در الگوی کورپوراتیسم، رقابت میان علایق و منافع گوناگون اقتصادی - اجتماعی موجب اتخاذ سیاست‌های متعادل می‌شود (یعنی سیاست‌هایی که حاصل تعدیل خواست‌های گروه‌های مختلف می‌گردد) زیرا تضمین منافع همه طبقات به ویژه طبقات کارگری و سرمایه‌داری به صورت متعادل لازمه حفظ ثبات و جلوگیری از هرگونه تغییر ساختاری در نظام سرمایه‌داری است. در مقابل در الگوی پلورالیسم (گزینه ۲) شمار نامشخصی از گروه‌های متعدد، آزاد، رقابتی، خودمختار و فاقد سلسله‌مراتب درونی در جامعه وجود دارند و بر زندگی سیاسی به نحوی آزاد تأثیر می‌گذارند و سیاست نیز حاصل تأثیرات این رقابت‌هاست.

۲۰- گزینه «۱» به نظر پارسونز هر نظام اجتماعی جهت حفظ، استمرار و تداوم خود چهار کارویژه اصلی را انجام می‌دهد که عبارت‌اند از: کارویژه حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی توسط نهادهایی چون مذهب و فرهنگ، کارویژه ایجاد همبستگی و حل منازعه به موجب نظام هنجاری یا حقوقی، کارویژه انطباق با شرایط متغیر و جدید توسط نظام اقتصادی و کارویژه نیل به اهداف که توسط نظام سیاسی صورت می‌پذیرد. در این بین کارویژه حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی که به وسیله نهادهایی چون مذهب، فرهنگ و خانواده انجام می‌شود، روی هم رفته تشکیل‌دهنده نظام ارزشی جامعه هستند.

۲۱- گزینه «۴» روبرت میخلز یکی از نظریه‌پردازان الیتسیم (نخبه‌گرایی) است. به طور کلی در نظریه الیتسیم استدلال می‌شود که قدرت سیاسی در نهایت در دست گروه کوچکی متمرکز می‌یابد، هرچند منابع آن متعدد باشد. همچنین جامعه همواره میان دو گروه یا دو بخش تقسیم شده است: یکی سرآمدان و نخبگان و دیگری توده‌های زیر سلطه. بنابراین نظریات نخبه‌گرایی به دیوان‌سالاری و مخصوصاً جامعه مدنی به عنوان حوزه‌ای مستقل از قدرت دولت اعتقاد ندارد. میخلز در کتاب احزاب سیاسی، مفهوم «قانون آهنین الیگارش» را برای توضیح نظریه نخبه‌گرایی خود وضع کرده است. وی بر طبق قانون آهنین الیگارش معتقد است که پیدایش سازمان چه در سطح احزاب و چه در سطح دولت همواره موجب گسترش گرایش‌های الیگارشیک و سلطه اقلیت می‌شود، به این معنی که به محض ایجاد تشکل و سازمان‌های سیاسی، عده محدودی به رأس هرم آن راه می‌یابند و سلطه خود را بر اکثریت آن تحمیل می‌کنند.

۲۲- گزینه «۳» رایت میلز و رابرت دال از جامعه‌شناسان تکثرگرا هستند. مهم‌ترین اصل در کثرت‌گرایی، فرض وجود گروه‌ها و نیروهای اجتماعی متعدد و متکثری است که قادرند بر روند تصمیم‌گیری در سیاست تأثیر بگذارند. به نظر رابرت دال نیز سیاست چیزی جز وضعیت پولیاریتی نیست که در آن رقابت آشکار و آزادی برای جلب حمایت مردم در میان الیت‌ها یا گروه‌های مختلف جریان دارد. میلی‌بند، اوفه، آلتوسر و پولانزاس از نظریه‌پردازان مارکسیست محسوب می‌شوند که معتقد به سلطه طبقه مسلط هستند و بنابراین برای گروه‌های متعدد و مختلف تأثیرگذار بر سیاست که از اصول کثرت‌گرایی است، نقش مهمی قائل نمی‌شوند. موسکا (گزینه ۲) نیز از نخبه‌گرایان کلاسیک محسوب می‌شود.

۲۳- گزینه «۲» هرچند نظریات نخبه‌گرایی، ریشه در اندیشه‌های افلاطون و ماکیاوول دارد، ولی مهم‌ترین نخبه‌گرایان عبارت‌اند از: پاره‌تو، موسکا، میخلز و میلز. موسکا در نقد دموکراسی استدلال می‌کند که در جوامع سیاسی همواره یک الیت یا گروه سرآمد حاکم است. در نتیجه وی نمی‌تواند یک الیتست دموکراتیک به شمار آید. بنابراین شومپتر از نظریه‌پردازان الیتست دموکراتیک است.

۲۴- گزینه «۱» بر طبق نظریه گردش نخبگان پاره‌تو، هنگامی که شمار روبه‌صفتان (کسانی که مکر دارند) در داخل الیت حاکم رو به فزونی می‌گذارد و در مقابل، شمار شیرصفتان (کسانی که قدرت دارند) درون بخشی از توده‌ها افزایش می‌یابد، حرکتی دائمی در جامعه‌شناسی از پایین به بالا صورت می‌گیرد که نخبگان و توده‌ها جای خود را به یکدیگر می‌دهند و همان «گردش نخبگان» است. بنابراین در جامعه‌شناسی سیاسی پاره‌تو، محور «نخبه‌ها مکر دارند و توده‌ها قدرت»، صحیح است.

۲۵- گزینه «۴» کثرت‌گرایی به معنی وجود گروه‌های متعدد و متفاوتی است که سیاست، نتیجه و حاصل جمع علایق و منافع آنهاست که به منظور دستیابی به اهداف خود دست به عمل می‌زنند. در نتیجه، کثرت‌گرایی به ایدئولوژی و ارائه تفسیر واحد از زندگی اجتماعی و سیاسی انسان قائل نیست. در مقابل، فاشیسم و مارکسیسم از شناخته‌شده‌ترین ایدئولوژی‌های سیاسی به شمار می‌روند.

۲۶- گزینه «۴» پاره‌تو، اصطلاح گردش نخبگان و میخلز، اصطلاح قانون آهنین الیگارش را برای توضیح نظریات الیتستی خود وضع کردند. در مقابل، ماکس وبر اصطلاح «خانه سخت فولادی» (قفس آهنین) را به منظور توضیح ماهیت بروکراسی در جوامع مدرن به کار برد. روند عقلانی شدن، عام‌ترین مفهوم در اندیشه وبر است. به نظر او جهان همواره در فرآیند عقلانی شدن به پیش می‌رود. مفهوم عقلانیت در دیدگاه وبر به معنی گسترش عقلانیت نهادی

یا ابزاری در حوزه زندگی اجتماعی است و پدیده‌هایی چون گسترش پیچیدگی نظام اجتماعی و گسترش سازمان‌یافتگی در قالب بوروکراسی مدرن را دربرمی‌گیرد. به نظر وبر فرآیند عقلانی شدن گرچه ضروری است ولی موجب از خود بیگانگی و ناخرسندی فزاینده انسان نیز می‌شود. اندیشه گریز از آزادی‌های ناشی از زندگی عقلانی جدید و جستجوی امنیت از دست رفته، ریشه در اندیشه ماکس وبر دارد.

۲۷- گزینه «۳» به نظر کارل مانهایم، از آنجایی که روشنفکران از درون پایگاه‌های اجتماعی گوناگون برمی‌خیزند، دارای نظرات اجتماعی و فکری شناور هستند. در مقابل، گرامشی استدلال می‌کند که میان روشنفکران و طبقات اجتماعی روابط پیچیده‌ای هست، بر همین اساس وی از دو نوع روشنفکر سخن می‌گفت: روشنفکران اندام‌وار و روشنفکران جذب‌شده.

۲۸- گزینه «۱» اپتر جمله گسترش تعداد ارزش‌های تخصیص‌یافته را برای تعریف توسعه سیاسی به کار برده است. مفهوم پولیاریشی مربوط به نظریات کثرت‌گرایانه رابرت دال است.

۲۹- گزینه «۱» کثرت‌گرایان معتقدند فرآیند سیاسی در واقع عرصه نفوذ و رقابت گروه‌های قدرت متنوع و گوناگونی است که در جامعه پراکنده‌اند و سیاست‌های دولتی، حاصل جمع و تلفیق منافع گروه‌های متنوع و رقیب هستند. این گروه‌ها ممکن است در عمل، نماینده احزاب و طبقات گوناگون نیز باشند، لذا از دید کثرت‌گرایان، گروه‌ها مواد اصلی فرآیند سیاسی هستند.

۳۰- گزینه «۳» پاره‌تو از جامعه‌شناسان نخبه‌گرا محسوب می‌شود. در الگوی الیتسیم (نخبه‌گرایی) استدلال می‌شود که قدرت تمایل به تمرکز در گروه کوچکی دارد هرچند منابع آن متعدد باشد. همچنین جامعه همواره میان دو گروه یا دو بخش تقسیم شده است: یکی سرآمدان و نخبگان و دیگری توده‌های زیر سلطه. جامعه‌شناسی سیاسی پاره‌تو در بستر نظر سیاست روانشناختی عنوان می‌شود. وی برای توضیح نظریات خود از شش دسته‌های احساسات، غریزه، همبستگی فردی و غریزه جنسی، به نظر پاره‌تو گروه حاکمه با ثبات، گروهی است که در آن ترکیب درستی از خصال روبه‌صفتی و شیرصفتی که کنایه از غریزه‌های اول و دوم است، ظاهر می‌شود. اما بر طبق روند زوال و فساد جامعه سیاسی، در عمل درون الیت (نخبه) حاکم شمار روبه‌صفتان رو به فزونی می‌گذارد و در مقابل شمار شیرصفتان در داخل بخشی از توده‌ها افزایش می‌یابد و بدین‌سان حرکتی دائمی در جامعه سیاسی از پایین به بالا صورت می‌گیرد که پاره‌تو از آن به عنوان «گردش نخبگان» یاد می‌کند.

۳۱- گزینه «۳» مهم‌ترین نظریه‌پردازان مکتب الیتسیم عبارت‌اند از: پاره‌تو، موسکا، میخلز و سی‌رایت میلز.

۳۲- گزینه «۳» به نظر پارسونز، نقش، مهم‌ترین معیار قشربندی اجتماعی است. به اعتقاد وی ارزش‌ها زیربنای اجتماع به شمار می‌روند و هنجارها نیز زمینه تحقق ارزش‌ها را ایجاد می‌کنند. همچنین نهادها تبلور ارزش‌ها و هنجارها در مؤسسات اجتماعی هستند و نقش‌ها مجموعه کارویژه‌ها درون هر حوزه از نظام اجتماعی هستند که در عمل، ارزش‌ها و هنجارها را درون نهادها اعمال می‌کنند.

۳۳- گزینه «۳» سی‌رایت میلز، مفهوم الیت قدرت را از مفهوم «طبقه حاکمه» که در نوشته‌های پاره‌تو و موسکا دیده می‌شود، جدا می‌کند. بر طبق تحلیل میلز در کتاب «الیت قدرت»، جامعه آمریکا از سه بخش، یعنی: الیت درجه یک، الیت درجه دو و توده جمعیت غیر سیاسی و قابل بسیج تشکیل شده است. پاره‌تو، دیگر نظریه‌پرداز الیتست، نظریه گردش نخبگان را برای توضیح جامعه سیاسی ارائه داده است. دیگر نظریه‌پردازان مهم الیتست عبارت‌اند از: موسکا و میخلز.

۳۴- گزینه «۲» ویژگی‌های جوامع مدرن در نظر پارسونز عبارت‌اند از: عام‌گرایی، ویژه‌نگری و شایسته‌سالاری که در مقابل ویژگی‌های جوامع سنتی (خاص‌گرایی، درهم‌نگری و نسب‌سالاری) قرار دارند.

۳۵- گزینه «۲» از نظر پاره‌تو عمل عقلانی به حوزه اقتصاد و علم محدود می‌شود. در سایر حوزه‌ها اعمال انسان تحت تأثیر احساسات قرار دارد. احساسات تعیین‌کننده اعمال غیر عقلانی و توجیحات شبه‌عقلانی آنها هستند حال آنکه کارگزاران، اعمال خویش را به توجیحات شبه‌عقلانی نسبت می‌دهند، در صورتی که احساس یا غریزه اساسی آنها را به انجام عملی کشانده است. به طور کلی، جامعه‌شناسی سیاسی پاره‌تو در بستر نظریات روانشناختی مبتنی بر غریز و احساسات عنوان می‌شود.

۳۶- گزینه «۴» پاره‌تو برای توضیح نظریات الیتسیم (نخبه‌گرایی) خود از شش دسته‌گرایز و احساسات اساسی نام می‌برد. گزینه یا احساس یا ذخیره ثابت ترکیبات، تداوم مجموعه‌ها، نیاز ابراز احساسات، گزینه اجتماعی بودن، گزینه همبستگی فردی و گزینه جنسی. پاره‌تو تنها دو گزینه اول (ترکیبات و تداوم مجموعه‌ها) را برای توضیح رفتار سیاسی حکام و مردم به کار برده است. از دید پاره‌تو گزینه اول یعنی گزینه ترکیبات در الیت سیاسی و گزینه دوم یعنی تداوم مجموعه‌ها در توده‌ها متمرکز هستند. در این بین الیت حاکم، روبه‌صفتان یعنی دارندگان گزینه ترکیبات هستند و توده‌ها، شیرصفتان یعنی دارندگان گزینه تداوم مجموعه‌ها به حساب می‌آیند. در نظریات پارسونز روبه‌صفتی کنایه از گزینه ترکیبات و شیرصفتی کنایه از گزینه تداوم مجموعه‌هاست. به نظر وی گروه حاکمه باثبات، گروهی است که در آن ترکیب درستی از خصال روبه‌صفتی و شیرصفتی ظاهر می‌شود.

۳۷- گزینه «۳» بر طبق تحلیل میلز در کتاب «الیت قدرت»، جامعه آمریکا از سه بخش یعنی: الیت درجه یک، الیت درجه دو و توده جمعیت غیر سیاسی و قابل بسیج تشکیل شده است. الیت جامعه شامل رؤسای احزاب و گروه‌های سیاسی، مدیران شرکت‌های عمده تجاری و صنعتی، مدیران بنگاه‌های ارتباط اجتماعی و سرآمدان ارتش است.

روی هم رفته نتیجه‌ای که میلز در کتاب خود می‌گیرد غیر مارکسیستی یا به عبارت دیگر الیتیستی (نخبه‌گرایی) است؛ اینکه، ثروتمندان به تنهایی در رأس سلسله‌مراتب قدرت سیاسی قرار ندارند (براساس نظریات مارکسیستی، سرمایه‌داران طبقه حاکم را تشکیل می‌دهند).

۳۸- گزینه «۴» کثرت‌گرایان معتقدند تصمیمات سیاسی نتیجه اقدامات گروه‌های مختلف و متنوعی در جامعه هستند و تنها یک گروه یا طبقه یا حزب و ... انحصار تعیین‌کنندگی سیاسی را در دست ندارد.

در مقابل، مارکسیست‌ها دولت در جامعه سرمایه‌داری را ابزار سلطه طبقه حاکم (بورژوازی) قلمداد می‌کنند. کثرت‌گرایان مارکسیست براساس اصل کثرت‌گرایی پذیرفته‌اند که گروه‌های غیرطبقه‌ای نیز بر سیاست تأثیر می‌گذارند.

۳۹- گزینه «۲» تئوری گردش نخبگان متعلق به پاره‌تو است. از نظر وی همه جوامع به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخبگان و توده‌ها. وی معتقد است که در جوامع باز امکان چرخش نخبگان وجود دارد اما در جوامع بسته امکان چرخش تدریجی نخبگان وجود ندارد. وقتی طبقه حاکم مرکب از افراد نالایق باشد و نخبگان بیرون از حوزه قدرت به سر برند، احتمال وقوع انقلاب افزایش می‌یابد.

۴۰- گزینه «۱» تالکوت پارسونز، مهم‌ترین نظریه‌پرداز دیدگاه کارکردگرایی است. وی معتقد است که جامعه همانند یک سیستم است که از بخش‌های مختلف تشکیل یافته است. از میان عناصر تشکیل‌دهنده یک سیستم (جامعه) اقتصاد نقش مهمی را ایفا می‌کند. در واقع وی همانند مارکسیست‌ها معتقد است که عامل اقتصادی تعیین‌کننده سایر عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.

۴۱- گزینه «۲» تالکوت پارسونز که در دهه ۱۹۳۰ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه هاروارد آمریکا بود، تأثیر بسیاری بر جامعه‌شناسان داشته است و نگرش اصالت کارکرد تحت تأثیر آثار عمده او به ویژه «ساخت عمل اجتماعی» بوده است. وی مهم‌ترین و بانفوذترین نظریه‌پرداز دیدگاه کارکردگرایی یا فونکسیونالیسم است.

۴۲- گزینه «۳» یکی از رایج‌ترین الگوهای نظری در جامعه‌شناسی سیاسی، الگوی پلورالیسم یا کثرت‌گرایی است. این الگو در مقابل نظریه‌های مارکسیستی درباره مبنای طبقاتی دولت، بر تعدد مراکز قدرت اجتماعی و پراکندگی آن در جامعه تأکید می‌کند. این الگو از یک سو متأثر از سنت ماکس وبر است که بر منابع مختلف قدرت در جامعه تأکید می‌گذاشت و از سوی دیگر در واکنش به نظریات برخی از نخبه‌گرایان مانند پاره‌تو و موسکا عرضه شده است.

۴۳- گزینه «۱» به نظر پارسونز، مهم‌ترین فرآیند در نظام سیاسی، فرآیند قدرت است که نقش آن همانند نقش پول در نظام اقتصاد است. قدرت عبارت است از: توانایی کلی نظام سیاسی برای بسیج منابع در جهت نیل به اهداف نظام اجتماعی. بدین‌سان قدرت به نظر پارسونز در خدمت منافع عامه یعنی کل نظام اجتماعی است. سایر گزینه‌ها از اندیشمندان مارکسیست محسوب می‌شوند که معتقدند قدرت سیاسی، ریشه در منازعات طبقاتی دارد.

۴۴- گزینه «۳» جامعه‌شناسان سیاسی مکتب الیتسیم که به نوماکیاالیست‌ها معروفند، معتقدند که در هر جنبش، گروه یا حزب سیاسی، این نخبگان سیاسی هستند که در نهایت قدرت سیاسی را در دست دارند. به عبارت دیگر نوماکیاالیست‌ها بر نقش انکارناپذیر نخبگان در تعیین سرنوشت جامعه تأکید دارند.

۴۵- گزینه «۲» مکتب نخبه‌گرایی (الیتسیم) اساساً برای مقابله با نظریه نبرد طبقاتی مارکسیست‌ها به وجود آمد. نظریاتی که در این چارچوب مطرح شد، با تفاوت‌هایی از این اندیشه دفاع می‌کرد که سیاست تعیین‌کننده سایر وجوه زندگی اجتماعی است. در حالی که براساس مارکسیسم، جامعه بر سیاست اولویت دارد و سیاست، ریشه در جامعه و نزاع طبقات دارد. به عبارت دیگر، سیاست روبنای منازعه طبقات اجتماعی است. به طور کلی در الگوی الیتسیم

(نخبه‌گرایی) استدلال می‌شود که قدرت تمایل به تمرکز در گروه کوچکی دارد، هرچند منابع آن متعدد باشد. جامعه همواره میان دو گروه یا دو بخش تقسیم شده است: یکی سرآمدان و نخبگان و دیگری توده‌های زیر سلطه. بنابراین نظریه نخبه‌گرایی بیانگر آن است که سیاست بر جامعه اولویت دارد.

۴۶- گزینه «۱» بر طبق الگوی کورپوراتیسم حکومت‌ها نمی‌توانند علایق گروه‌های مختلف را نادیده بگیرند یا نسبت به آنها به نحوی تبعیض‌آمیز عمل کنند، بلکه ماهیت دولت مستلزم توجه به منافع گروه‌های مختلف و جمع و تعدیل آنها به منظور حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی و نیز ایجاد حداقلی از عدالت در اجتماع است. برای نمونه، مذاکرات دسته‌جمعی سه جانبه میان حکومت، اتحادیه‌های کارفرمایی و اتحادیه‌های کارگری بر سر مسائل مربوط به سیاست اقتصادی، بین خصلت کورپوراتیستی دولت مدرن است که ضامن وحدت و ثبات جامعه تلقی می‌شود. بدین‌سان، دولت به منظور تثبیت وضعیت تعادل قدرت طبقاتی می‌کوشد از طریق ایجاد سازمان میان طبقات، بر مبارزه طبقاتی غلبه کند. در مقابل، رابطه طبقات در الگوی مارکسیسم به صورت ستیزه و سلطه یکی بر دیگری استوار است. بنابراین در الگوی کورپوراتیسم جدید، رابطه طبقات اجتماعی به صورت سازش و مصالحه است.

۴۷- گزینه «۲» به طور کلی در جامعه‌شناسی ماکس وبر از آنجا که زندگی انسان دستخوش نیروهای عقلانی و غیرعقلانی است و بسیاری از رفتارهای اجتماعی غیر عقلانی به شمار می‌روند، بنابراین مبانی غیرعقلانی رفتار نیز در زندگی سیاسی نیرومندند. وی معتقد است که رفتار سیاسی یکسره رفتار عقلانی نیست بلکه انسان به عنوان موجودی پیچیده به غیر از این علایق، علایق و زندگی غیر عقلانی نیز دارد که طبعاً بر حوزه‌های گوناگون زندگی او و از جمله بر رفتارهای سیاسی، مؤثر واقع می‌شوند.

۴۸- گزینه «۳» رابرت میشلز (میخلز) در کتاب «قانون آهنین الیگارشی» معتقد است که پیدایش سازمان چه در سطح احزاب و چه در سطح دولت، همواره موجب گسترش الیگارشی و سلطه یک اقلیت می‌شود. بر طبق این قانون هیچ‌گاه اکثریت مردم با توجه به انفعال و سازمان‌ناپذیری‌شان نمی‌توانند قدرت سیاسی را در دست بگیرند.

۴۹- گزینه «۳» ایدئولوژی محافظه‌کاری بر قداست سنت‌ها، مالکیت، خانواده، مذهب، دولت و دیگر نهادهای جا افتاده و قدیمی تأکید می‌کند و با هرگونه طرح خیالی و انقلابی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق در آنها مخالفت می‌ورزد. ماکس وبر در تبیین مفهوم محافظه‌کاری، سه معیار قداست مالکیت، قداست سنت مذهبی و قداست سنت خانوادگی را به عنوان اصول محافظه‌کاری معرفی می‌کند.

۵۰- گزینه «۴» از دیدگاه پاره‌تو عقل، عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. انسان عمدتاً موجودی غیر عقلانی و واجد ذخایر عظیم غریزی و احساسی است و این ویژگی در انسان پایدار است و تاریخ، دگرگونی عمده‌ای در آن به وجود نمی‌آورد. پاره‌تو مدعی بود که باید روش‌های علوم دقیق را برای فهم جامعه به کار گرفت، اما خود او در اندیشه‌های سیاسی‌اش چنین روشی را دقیقاً به کار نبرد.

۵۱- گزینه «۲» ریمون آرون، دموکراسی‌های امروز را تشریفاتی دانسته و قدرت سیاسی را در دست سیاستمداران کاردان می‌داند نه در دست مردم. تالکوت پارسونز، نظریه‌پرداز سیستمی، قدرت سیاسی را محصول کنش‌های نظام سیاسی با محیط (نظام اجتماعی) می‌داند. جرج زیمل نیز قدرت سیاسی را محصول رابطه دوسویه جامعه و سیاست می‌پندارد. بنابراین این دو، قدرت سیاسی را نه در دست سیاستمداران بلکه نتیجه کنش‌های اجتماعی و سیاسی بسیار می‌دانند. رابرت دال نیز قدرت سیاسی را محصول اعمال و اقدامات گروه‌های متعدد و رقیب می‌داند.

۵۲- گزینه «۳» تکثر و تنوع منابع قدرت، فرض اصلی دیدگاه کثرت‌گراست. بر این اساس قدرت سیاسی، فرآیند پایان‌ناپذیر رقابت و سازش میان گروه‌های مختلفی است که نماینده علایق و منافع اجتماعی گوناگونی مانند گروه‌های صنعتی و تجاری، جنبش‌های کارگری، گروه‌بندی‌های مذهبی، قومی و غیره هستند. بنابراین قدرت سیاسی در میان گروه‌های مختلفی پراکنده است که دارای منافع و علایق مختلف یا متعارض هستند. سیاست‌های دولت نیز حاصل جمع و تلفیق علایق این گروه‌های متنوع و رقیب است. به نظر رابرت دال، نظریه‌پرداز کثرت‌گرا، جامعه بر اساس شکاف‌های مختلفی مانند طبقه، مذهب، نژاد، قوم و علایق محلی از هم پاره می‌شود و هر یک موجب پیدایش گروه‌ها و دسته‌های مؤثر بر زندگی سیاسی مانند گروه‌های فشار، انجمن‌ها و نهادها، اتحادیه‌ها، احزاب و غیره می‌شود. مهم‌ترین نظریه‌پردازان ساختارگرا، لوی اشتراوس، لویی آلتوسر و نیکولاس پولاتزاس و مهم‌ترین نظریه‌پردازان نخبه‌گرایی، پاره‌تو، موسکا، میخلز و سی‌رایت میلز بودند.

۵۳- گزینه «۴» به موجب الگوی پلورالیسم (تکثر منابع قدرت)، شماری از گروه‌های قدرت در جامعه وجود دارند که نه تنها بر قدرت سیاسی تأثیر می‌گذارند، بلکه قدرت سیاسی در میان این گروه‌ها پراکنده است. این وضعیت قابل تشبیه به وضعیت «لیگوپولی» در اقتصاد است که در آن نه رقابت کامل بازاری (معادل دموکراسی به معنای اکثریتی آن) و نه «مونوپولی» یا انحصار کامل (معادل حکومت الیت [نخبه] واحد) برقرار است، بلکه تعدادی گروه قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند و شناخت رابطه دولت و جامعه نیازمند شناخت این گروه‌هاست. بنابراین منظور شومپیتر از اصطلاح الیگوپولی در حوزه سیاست، رقابت سالم و بی‌کم و کاست همه گروه‌ها و بازیگران مدنی همچون رقابت در بازار اقتصادی است.



۵۴- گزینه «۳» پلخانف، کائوتسکی و لنین متأثر از نظریات اولیه در مارکسیسم، همچنان بر عامل طبقاتی و اقتصادی در تحلیل سرمایه‌داری تکیه می‌کردند. در حالی که گرامشی با گسست از سنت اولیه مارکسیسم و انتقال ایدئولوژی از روبنا به زیربنای جامعه سرمایه‌داری، نقش آن را در تحکیم هژمونی طبقه مسلط از طریق مسخ ذهنیت سوزده‌های انسانی مورد بررسی قرار داد.

۵۵- گزینه «۲» برخلاف مارکسیسم کلاسیک که مالکیت را تعیین‌کننده اصلی وضعیت یک طبقه اجتماعی تلقی می‌کرد، دارندورف قدرت را عنصر اساسی طبقه می‌داند. بر پایه نظر دارندورف، طبقات اجتماعی بر محور ترتیبات ساختاری نظم اجتماعی استوار می‌شوند، اما موقعیت آنها از تقسیم قدرت در سازمان اجتماعی تشمت می‌گیرد. در نتیجه بنا بر اعتقادی، مهم‌ترین منبع تضادهای سیاسی در جامعه مدرن امروزی، توزیع نابرابر اقتدار و قدرت رسمی است.

۵۶- گزینه «۱» رابرت دال و جوزف شومپتر از مدافعان و نظریه‌پردازان نخبه‌گرای دموکراتیک محسوب می‌شوند. در مقابل، سی‌رایت میلز، موسکا و پاره‌تو از نظریه‌پردازان نخبه‌گرایی کلاسیک به شمار می‌روند.

۵۷- گزینه «۳» کتاب احزاب سیاسی و سیاست توسعه متعلق به واینر است.

۵۸- گزینه «۲» از نظر تالکوت پارسونز، عوامل همبستگی و استمرار اجتماعی عبارت‌اند از: الف - ارزش‌ها که غایات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. ب- هنجارها که در سایه ارزش‌ها پدید می‌آیند، عمل می‌کنند و قواعد و روش‌های عمل اجتماعی را به دست می‌دهند. ج - نهادها که تبلور ارزش‌ها و هنجارها در مؤسسات اجتماعی هستند. د- نقش‌ها که مجموعه کارویژه‌های درون هر حوزه از نظام اجتماعی هستند که در عمل، ارزش‌ها و هنجارها را درون نهادها اعمال می‌کنند.

۵۹- گزینه «۱» در دیدگاه پاره‌تو عقل، عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. انسان عمدتاً موجودی غیرعقلانی و واجد ذخایر بزرگ غریزی و احساسی است و این ویژگی در انسان پایدار است و تاریخ، دگرگونی عمده‌ای در آن به وجود نمی‌آورد. پاره‌تو مدعی بود باید روش‌های علوم دقیقه را برای فهم جامعه به کار گرفت، اما خود او در اندیشه‌های سیاسی‌اش چنین روشی را دقیقاً به کار نبرد.

۶۰- گزینه «۲» میشلز، نویسنده رئالیست آلمانی در کتاب معروف «احزاب سیاسی» بیان می‌کند که پیدایش سازمان چه در سطح احزاب و چه در سطح دولت همواره موجب گسترش گرایش‌های الیگارش و سلطه یک اقلیت می‌شود. به نظر موسکا نیز آنچه باعث برتری گروه اقلیت بر اکثریت می‌شود سازمان آنهاست. یک گروه کوچک سازمان‌یافته به راحتی بر اکثریت سازمان‌نیافته سلطه پیدا می‌کند. ویژگی‌های زیستی و روانی نخبگان توسط دیگر اندیشمندان نخبه‌گرا، به ویژه پاره‌تو مطرح شد. بنابراین موسکا و میشلز، سلطه نخبگان بر جامعه را ناشی از موقعیت و توانایی‌های سازمانی می‌دانند.

۶۱- گزینه «۲» مهم‌ترین نظریه‌پردازان نخبه‌گرای کلاسیک عبارت‌اند از: پاره‌تو، موسکا، روبرت میخلز و سی‌رایت میلز. جوزف شومپتر در دسته تکنوکراتیک و مدرن از تقسیم‌بندی‌های نخبگان قرار می‌گیرد.

۶۲- گزینه «۴» ریشه‌های نظری الگوی جامعه‌شناسی پلورالیستی امروز را باید در نظریات رئالیستی و الیستی اوایل قرن بیستم جستجو کرد. رئالیست‌های بدبینی مانند ویلفردو پاره‌تو، گانتانو موسکا و رابرت میخلز در نقد دموکراسی استدلال می‌کردند که در جوامع سیاسی، همواره یک الیت یا گروه سرآمد، حاکم است. در نتیجه، چنین مشاجراتی بحث‌های جامعه‌شناسانه درباره ماهیت و توزیع قدرت سیاسی مطرح شد. بحث اصلی همواره این بوده است که قدرت در جوامع مدرن به تمرکز گرایش دارد یا تفرق؟

۶۳- گزینه «۳» به طور کلی از دیدگاه ویلفردو پاره‌تو عقل، عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. از نظر وی انسان عمدتاً موجودی غیرعقلانی و واجد ذخایر عظیم غریزی و احساسی است و این ویژگی در انسان پایدار است و تاریخ، دگرگونی عمده‌ای در آن به وجود نمی‌آورد. پاره‌تو مدعی بود که باید روش‌های علوم دقیقه را برای فهم جامعه به کار گرفت و بر تجربه و عینیت تأکید گذاشت، اما خود او در اندیشه‌های سیاسی‌اش چنین روشی را به طور دقیق به کار نبرد.

۶۴- گزینه «۱» پیش از رابرت دال، دیوید ترومن در کتاب معروف خود «فرآیند حکومت» (۱۹۱۵) مبانی الگوی جامعه‌شناسی سیاسی پلورالیستی را عرضه کرده و بر اهمیت گروه‌های ذی‌نفوذ رقیب در زندگی سیاسی دولت‌های مدرن به عنوان موضوع اصلی علم سیاست تأکید گذاشته بود. بر طبق تحلیل ترومن، دولت در مقابل گروه‌های اجتماعی استقلال ندارد، به این معنی که در واقع دولت عرصه نفوذ و رقابت گروه‌های مختلف و گوناگونی است که در جامعه پراکنده‌اند. سیاست‌های دولت حاصل جمع و تلفیق علایق گروه‌های متنوع رقیب است.

۶۵- گزینه «۲» از نظر تالکوت پارسونز، عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی عبارت‌اند از: الف - ارزش‌ها که غایات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. ب - هنجارها که در سایه ارزش‌ها پدید می‌آیند، عمل می‌کنند و قواعد و روش‌های عمل اجتماعی را به دست می‌دهند. ج - نهادها که تبلور ارزش‌ها و هنجارها در مؤسسات اجتماعی هستند. د - نقش‌ها که مجموعه کارویژه‌های درون هر حوزه از نظام اجتماعی هستند که در عمل، ارزش‌ها و هنجارها را درون نهادها اعمال می‌کنند.

۶۶- گزینه «۱» گرامشی دو حوزه روبنایی را از هم تفکیک می‌کرد: یکی حوزه عمومی یا دولت و دیگری حوزه خصوصی یا جامعه مدنی. به نظر وی قدرت طبقه حاکم در عرصه جامعه مدنی به عنوان هژمونی (استیلای فکری) و در عرصه دولت و حکومت به عنوان سلطه مستقیم ظاهر می‌شود. به نظر گرامشی مثلاً کلیسای کاتولیک به عنوان سازمان فکری و فرهنگی طبقه حاکم، دستگاه هژمونی آن طبقه در جامعه مدنی است.

فصل چهارم

«عوامل تأثیرگذار بر زندگی سیاسی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

- کله ۱- فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی، مناسب رژیم سیاسی است. (سراسری ۸۱)
- (۱) دموکراتیک (۲) ابتدایی (۳) دست‌راستی (۴) نیمه‌سنتی - نیمه‌متجدد
- کله ۲- از جمله ویژگی‌های جوامع پیشرفته صنعتی، کدامند؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) لائیک بودن و پنهانکاری (۲) ایدئولوژی‌زدایی و بی‌تفاوتی (۳) حزب‌گرایی و سنت‌گرایی (۴) ایدئولوژی‌گرایی و مشارکت بالا
- کله ۳- به نظر آلموند و پاول، وجه اساسی نوسازی در فرهنگ سیاسی بهره‌مند بودن از است. (سراسری ۸۱)
- (۱) فرهنگ صنعتی (۲) فرهنگ مشارکتی (۳) فرهنگ شهری (۴) تمایزگذاری ساختاری
- کله ۴- کمترین درجه یا نازل‌ترین نوع مشارکت سیاسی کدام است؟ (سراسری ۸۳ و ۸۷)
- (۱) رأی دادن (۲) داشتن مقام حزبی (۳) مشارکت در اجتماعات عمومی (۴) عضویت در یک سازمان سیاسی
- کله ۵- از نظر فرهنگ‌گرایان کدام عبارت درست است؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) فرهنگ انقیادی و دموکراسی (۲) فرهنگ مشارکتی و نظام نیمه‌سنتی
(۳) فرهنگ پاروکیال و دموکراسی (۴) فرهنگ سیاسی انقیادی و نظام نیمه‌مدرن
- کله ۶- از نظر مونتسکیو، کدام یک از عوامل زیر «اصل» حکومت جمهوری را تشکیل می‌دهد و دوام و رونق این نوع حکومت بدون آن امکان‌پذیر نمی‌باشد؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) شرف (۲) کوچک‌بودن دولت (۳) فضیلت (۴) ترس
- کله ۷- کدام معادله از نظر ایسنگ، درست است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) راست و اعتدال = لیبرالیسم (۲) راست و اعتدال = سوسیالیسم
(۳) چپ و خشونت = سوسیالیسم (۴) چپ و اعتدال = کمونیسم
- کله ۸- به نظر آلموند و وربا چه ارتباطی بین فرهنگ و سیاست برقرار است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) ساختار و نظام سیاسی تعیین‌کننده فرهنگ سیاسی است.
(۲) همسویی بین فرهنگ و نظام سیاسی موجب ثبات سیاسی می‌شود.
(۳) میان فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی رابطه علی متقابل وجود دارد.
(۴) بین چهار خرده‌نظام اجتماعی (فرهنگ، اقتصاد، سیاست و حقوق) رابطه‌ای متقابل وجود دارد.
- کله ۹- تقسیم فرهنگ سیاسی به فرهنگ محدود، تبعی و مشارکتی از کیست؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) آلموند و وربا (۲) آلموند و پاول (۳) اینکلز و اسمیت (۴) دوویچ و لرنر
- کله ۱۰- از نظر آدلر عامل اصلی گرایش افرادی چون هیتلر، موسولینی، استالین و فرانکو به خودکامگی چه بوده است؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) اختلالات جنسی (۲) نقص جسمانی (۳) بحران‌های نوجوانی (۴) خشونت والدین نسبت به کودک
- کله ۱۱- از نظر هربرت مارکوزه، سرکوب‌گرایی در جوامع سرمایه‌داری سبب چه چیز می‌شود؟ (سراسری ۸۸)
- (۱) توسعه‌ی تمدن (۲) تقویت فرهنگ (۳) بی‌توجهی به سیاست (۴) افزایش نیروهای مخرب
- کله ۱۲- از نظر ویتفولگ استبداد شرقی ریشه در چه چیز دارد؟ (سراسری ۸۸)
- (۱) نظام آبیاری (۲) فرهنگ استبدادی (۳) نظام حقوقی شرق (۴) نوع فئودالیت‌های شرق



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل چهارم

۱- گزینه «۴» آلموند و وربا در پژوهشی مشترک همسویی بین فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی را موجب ثبات نظام سیاسی می‌دانند و در این راستا سه نوع فرهنگ سیاسی را که با سه نوع نظام سیاسی مطابقت دارد از هم تفکیک می‌کنند:

(۱) فرهنگ سیاسی محدود که با نظام‌های سیاسی ابتدایی و بسته سازگار است. (۲) فرهنگ سیاسی انقیادی که با نظام‌های سنتی که در آن سطحی از انفکاک ساختار و تقسیم مشاغل وجود دارد اما مشارکت و توسعه سیاسی وجود ندارد، همخوانی دارد. (۳) فرهنگ سیاسی مشارکتی که با نظام‌های دموکراتیک همسویی دارد.

۲- گزینه «۲» در جوامع پیشرفته صنعتی به دلیل رشد اقتصادی، کاهش فاصله طبقاتی و در نتیجه افزایش سطح رفاه، شکاف‌های طبقاتی تا حدی ترمیم یافت و بدین ترتیب، احزاب از حزب‌گرایی و ایدئولوژی‌گرایی که معمولاً بر پایه شکاف‌های طبقاتی شکل می‌گرفت، فاصله گرفتند.

۳- گزینه «۲» به نظر آلموند و پاول، فرهنگ سیاسی مشارکتی به دموکراسی و نوسازی سیاسی منجر می‌شود. ویژگی‌های فرهنگ مشارکتی عبارت است از: شرکت فعالانه افراد در سیاست که منجر به شکل‌گیری گروه‌های جامعه مدنی مانند: احزاب، سندیکاها، مطبوعات آزاد و ... می‌شود. این فرآیند خود، استقلال زیرمجموعه‌های سیاسی - اقتصادی از قدرت دولتی و تمایزگذاری ساختاری را به دنبال دارد که از مهم‌ترین عناصر نوسازی به شمار می‌رود.

۴- گزینه «۱» رأیی که در صندوق می‌افتد عصاره کل زندگی سیاسی است، حتی اگر از روی بی‌خبری هم افتاده شود خود، گواه فرهنگ سیاسی ضعیف و انفعال سیاسی است. سایر گزینه‌ها بالاترین نوع مشارکت سیاسی به شمار می‌روند. بنابراین رأی دادن کمترین درجه نوع مشارکت سیاسی است.

۵- گزینه «۴» آلموند و وربا همسویی فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی را موجب ثبات نظام سیاسی می‌دانند و در این راستا سه نوع فرهنگ سیاسی را که با سه نوع نظام سیاسی مطابقت دارند از هم تفکیک می‌کنند: یکی فرهنگ سیاسی محدود (پاروکیال) که با نظام‌های سیاسی بسته و ابتدایی سازگار است. دیگری فرهنگ سیاسی انقیادی که با نظام‌های سنتی همخوانی دارد که در آن سطحی از انفکاک ساختاری و تقسیم مشاغل وجود دارد اما مشارکت و توسعه سیاسی وجود ندارد (نظام نیمه مدرن). در این فرهنگ، مردم از آگاهی برخوردارند اما به دلیل ترس یا احترام، تابع محض قدرت سیاسی‌اند. سوم فرهنگ سیاسی مشارکتی که با نظام‌های دموکراتیک همسویی دارد.

۶- گزینه «۳» از نظر مونتسکیو حکومت جمهوری، با فضیلت‌ترین حکومت است. ترس، پایه تشکیل دولت در اندیشه توماس هابز است.

۷- گزینه «۱» ایسنگ معتقد است دو حالت عمده یعنی خشن و ملایم در انسان‌ها مشاهده می‌شود که با دو گرایش عمده سیاسی یعنی راست و چپ قابل تلیق است و از تلیق آن‌ها چهار گروه سیاسی به وجود می‌آید. انسان‌های خشنی که به راست گرایش پیدا کنند، طیف فاشیست‌ها را به وجود می‌آورند و اگر به چپ گرایش پیدا کنند، گروه سوسیالیست‌ها را تشکیل می‌دهند: ترکیب راست و اعتدال؛ لیبرالیسم، راست و خشونت؛ فاشیسم، چپ و اعتدال؛ سوسیالیسم، چپ و خشونت؛ کمونیسم.

۸- گزینه «۲» آلموند و وربا همسویی بین فرهنگ و نظام سیاسی را موجب ثبات نظام سیاسی می‌دانند. آن‌ها در این راستا سه سطح فرهنگ سیاسی را که با سه نوع نظام سیاسی همخوانی ندارد از هم تفکیک می‌کنند: فرهنگ سیاسی محدود با نظام‌های سیاسی ابتدایی و بسته، فرهنگ سیاسی انقیادی با نظام‌های سنتی و فرهنگ سیاسی مشارکتی با نظام‌های دموکراتیک همخوانی دارند.

۹- گزینه «۱» آلموند و وربا سه نوع فرهنگ سیاسی را که با سه نوع نظام سیاسی مطابقت دارند از هم تفکیک می‌کنند:

(۱) نظام سیاسی محدود که با نظام‌های سیاسی ابتدایی و بسته سازگار است. (۲) فرهنگ سیاسی انقیادی که با نظام‌های سنتی که در آن سطحی از انفکاک ساختاری و تقسیم مشاغل وجود دارد اما مشارکت و توسعه سیاسی وجود ندارد، همخوانی دارد. (۳) فرهنگ سیاسی مشارکتی که با نظام‌های دموکراتیک همسویی دارد. همکاری آلموند و پاول در زمینه نقش احزاب، در ورودی‌ها و خروجی‌های نظام سیاسی است.



۱۰- گزینه «۲» از نظر آدلر خشونت سیاسی از جانب افرادی سر می‌زند که دارای نقص‌های عضوی و جسمانی هستند، مانند: هیتلر، استالین و فرانکو که کوتاه قد بودند. اختلالات جنسی توسط ویلهلم رایش برای توضیح رفتار سیاسی خشونت‌آمیز به کار گرفته شد.

۱۱- گزینه «۴» مارکوزه نظام سرکوب جامعه را که شامل خانواده، مؤسسه و دستگاه‌های دولتی و مذهبی می‌شود، مسئول گرایش به خشونت در جامعه معرفی می‌کند. وی معتقد است آنچه باعث شکوفایی استعدادها و توسعه تمدن‌ها می‌شود، کامرانی و کامروایی است و نه سرکوب. در مقابل، فروید سرکوب‌گرایی را لازمه توسعه تمدن می‌داند.

۱۲- گزینه «۱» نوع فئودالیتته شرق مربوط به نظریات مارکس است که بر اساس آن عدم تکوین سرمایه‌داری در شرق را توجیه می‌کرد. ویتفولگ تلاش کرد تا بر مبنای «شیوه آبیاری» به توجیه شکل خاص حاکمیت در شرق بپردازد. به نظر وی کمبود آب، مسئله اصلی جوامع آسیایی بوده است، لذا استبداد شرقی ریشه در نظام آبیاری دارد.



فصل پنجم

«قدرت، سلطه، مشروعیت سیاسی و دولت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

- ۱- همگرایی (ادغام) سیاسی عبارت است از:
- (۱) ادغام ارگان‌های دولتی
(۲) ادغام نیروهای سیاسی در هم
(۳) ورود فرد به چرخه زندگی سیاسی
(۴) ادغام جامعه مدنی و سیاسی در یکدیگر (سراسری ۸۱)
- ۲- «نحوه دخیل شدن و ورود افراد در قدرت» تعریف کدام مفهوم است؟
- (۱) خشونت سیاسی
(۲) مشارکت سیاسی
(۳) بحران سیاسی
(۴) فرهنگ سیاسی (سراسری ۸۱)
- ۳- کدام اندیشمند، مدیران را روشنفکران اندام‌وار طبقه سرمایه‌داری می‌داند؟
- (۱) لنین
(۲) بلخانوف
(۳) مارکس
(۴) گرامشی (سراسری ۸۲)
- ۴- «یک نظام سیاسی که در آن تفکیک قوا به طور مطلق در قانون اساسی اعلام شده است، قوه مجریه در دست رئیس جمهوری است که مستقیماً از سوی ملت انتخاب می‌شود، رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسئولیت ندارند»، را می‌نامند.
- (۱) نظام ریاستی
(۲) نظام پارلمانی
(۳) نظام استبدادی
(۴) نظام مشروطه (سراسری ۸۳)
- ۵- از نظر روشنفکران دارای پایگاه اجتماعی گوناگون و نظرات فکری شناور می‌باشند.
- (۱) وبر
(۲) مانهایم
(۳) گرامشی
(۴) پولانزاس (سراسری ۸۳)
- ۶- اهمیت آنتونیو گرامشی، در تحول اندیشه مارکسیستی جامعه‌شناسی سیاسی در چیست؟
- (۱) نقش مهم ایدئولوژی
(۲) تردید در اکونومیسم
(۳) بازتعریف پرولتاریا
(۴) نقش مهم طبقه متوسط (سراسری ۸۴)
- ۷- براساس نظریه فرهنگی (تفسیرگرایی) ماکس وبر، در کتاب اقتصاد و جامعه، تضمین یا تداوم مشروعیت یک نظام از طریق کدام انگیزه صورت می‌پذیرد؟
- (۱) درونی
(۲) بیرونی
(۳) مذهبی
(۴) درونی و بیرونی (سراسری ۸۴)
- ۸- از دیدگاه ابن خلدون کدام عامل موجب پیری دولت و در نتیجه سرنگونی و فروپاشی آن می‌شود؟
- (۱) استبداد
(۲) تجمل
(۳) تن‌آسانی
(۴) تمام موارد (سراسری ۸۴)
- ۹- کدام‌یک از اندیشمندان مارکسیست، نقش روشنفکران در مبارزه طبقاتی را مهم می‌داند؟
- (۱) اسکاچپول
(۲) گرامشی
(۳) لیندبلوم
(۴) میلی‌بند (سراسری ۸۴)
- ۱۰- براساس نظریه ابونصر فارابی، ریشه نظم سیاسی و اجتماعی در چیست؟
- (۱) استبداد، الزام و اجبار
(۲) فرهنگ، عادات، تربیت، آداب و آموختگی
(۳) فرهنگ جامعه و تفاضل استعدادهای افراد
(۴) فطرت، استعداد متفاوت و متفاضل (سراسری ۸۴)
- ۱۱- از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، کدام‌یک از عوامل، مبادی دولت را تشکیل می‌دهد؟
- (۱) ترس
(۲) تعاون
(۳) عصبیت
(۴) محبت (سراسری ۸۴)
- ۱۲- ایدئولوژی با کدام‌یک از نظام‌ها رابطه بیشتری دارد؟
- (۱) تمامیت‌خواه
(۲) لیبرال
(۳) رفاهی
(۴) دموکراتیک (سراسری ۸۴)
- ۱۳- مفهوم مصلحت دولت در کدام نوع از دولت‌ها به کار گرفته شده است؟
- (۱) ارشادی
(۲) رفاهی
(۳) لیبرال
(۴) مطلقه (سراسری ۸۴)
- ۱۴- از نظر کدام جامعه‌شناس مارکسیست، ایدئولوژی اهمیتی در حد زیربنا دارد؟
- (۱) اوفه
(۲) پولانزاس
(۳) گرامشی
(۴) دهرندرف (سراسری ۸۵)



- ۱۵- مفهوم «بلوک قدرت» در نظریه کدام اندیشمند برجسته شده است؟
 (۱) پولانزاس (۲) پارسونز (۳) مارکس (۴) ماکس وبر (سراسری ۸۵)
- ۱۶- در کدام یک از انواع دموکراسی بر ایجاد دولت رفاهی تأکید می‌شود؟
 (۱) اجتماعی (۲) صنعتی (۳) چند قومی (۴) لیبرال (سراسری ۸۶)
- ۱۷- از نظر لیبرال‌ها بهترین دولت، دولت است.
 (۱) اقتصادی (۲) کمینه (۳) قدر قدرت (۴) نظارت‌گر (سراسری ۸۷)
- ۱۸- مهم‌ترین عنصر در جامعه‌شناسی سیاسی گرامشی کدام است؟
 (۱) ایدئولوژی (۲) ساختار سیاسی (۳) زیربنای اقتصادی (۴) روبنای دولت و حزب (سراسری ۸۷)
- ۱۹- نقطه نهایی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی چیست؟
 (۱) آموزش سیاسی (۲) استقلال دولت (۳) مشارکت سیاسی (۴) مشروعیت (سراسری ۸۷)
- ۲۰- از نظر شومپیتر عامل اصلی استقلال دولت چیست؟
 (۱) استقلال ارتش ملی (۲) نخبگان سیاسی مستقل (۳) از بین رفتن طبقات اجتماعی (۴) برگزیده شدن کارمندان آن از میان اقشار متفاوت (سراسری ۸۷)
- ۲۱- کدام یک از مفاهیم قدرت زیر پشته‌ها اجرایی اجبارآمیز ندارد؟
 (۱) اقتصادی (۲) فرهنگی (۳) سیاسی (۴) اجتماعی (آزاد ۸۷)
- ۲۲- بالا رفتن تولید ناخالص ملی چه تأثیری بر رفتار سیاسی می‌گذارد؟
 (۱) افزایش خشونت (۲) کاهش خشونت (۳) بی‌تفاوتی سیاسی (۴) افزایش رقابت سیاسی ناسالم (سراسری ۸۸)
- ۲۳- از نظر روان‌شناسان، توسعه فنی سبب تضادهای سیاسی می‌شود.
 (۱) افزایش (۲) کاهش (۳) پیچیده نمودن (۴) ساده‌سازی (سراسری ۸۸)
- ۲۴- کدام عبارت بیانگر نظریه‌ی مارکس در خصوص قدرت سیاسی است؟
 (۱) قدرت سیاسی از روابط اجتماعی تولید برمی‌خیزد. (۲) تضاد طبقاتی منشأ اصلی قدرت سیاسی است. (۳) تقسیم‌کار در جامعه منشأ قدرت سیاسی است. (۴) قدرت سیاسی ناشی از دولت و سیاست آن است. (سراسری ۸۸)
- ۲۵- «فرآیندی که به وسیله‌ی آن افراد با نظام سیاسی آشنا شده، ادراکشان از سیاست شکل گرفته و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی مشخص می‌شود»، تعریف کدام واژه‌ی سیاسی است؟
 (۱) ارتباطات سیاسی (۲) اجتماعی شدن سیاسی (۳) رفتار سیاسی (۴) مشارکت سیاسی (سراسری ۸۸)
- ۲۶- کدام نوع از مشارکت سیاسی شایع‌ترین آن‌ها در جوامع امروزی است؟
 (۱) رأی دادن (۲) روزنامه خواندن (۳) عضویت در احزاب سیاسی (۴) مشارکت در اجتماعات سیاسی (سراسری ۸۸)
- ۲۷- بر طبق تقسیم‌بندی موريس دوورژه از مبارزات سیاسی، کدام عبارت در خصوص «مبارزه در رژیم»، صحیح است؟
 (۱) مبارزه فکری - ایدئولوژیک علیه رژیم نامشروع
 (۲) مبارزه علیه رژیم نامشروع با روش‌های خشونت‌آمیز
 (۳) مبارزه علیه رژیم نامشروع هم با روش‌های خشونت‌آمیز و هم با روش‌های مسالمت‌آمیز
 (۴) مبارزه در چارچوب قانون اساسی با روش‌های مسالمت‌آمیز، ضمن پذیرش مشروعیت نظام سیاسی (سراسری ۸۸)
- ۲۸- از نظر ریمون آرون عامل اصلی تفاوت بین جوامع صنعتی، است.
 (۱) وجود طبقات (۲) رژیم سیاسی (۳) بود و نبود نبرد طبقاتی (۴) تراکم سرمایه یا نبود آن (سراسری ۸۹)



- ۲۹- نظریه معروف اولریش بک در خصوص زندگی اجتماعی معاصر تحت عنوان کدام اصطلاح مفهوم‌بندی شده است؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) جامعه خطرپذیر
(۲) پسامدرنیسم
(۳) پسامدرنیته انعطاف‌پذیر
(۴) سرمایه‌داری غیر سازمان‌یافته
- ۳۰- بزرگترین تهدیدی که برای الگوی دولت-محور جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک پدیدار شده، کدام است؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) پسامدرنیسم
(۲) جهانی شدن
(۳) دموکراسی رادیکال
(۴) سازمان‌های غیردولتی
- ۳۱- «دولت میزگردی» به معنای دولتی است که (سراسری ۸۹)
- (۱) در آن گروه‌های مختلف پیرامون سیاست‌های ملی و بین‌المللی بحث می‌کنند.
(۲) به دموکراسی مشارکتی در مقابل دموکراسی رادیکال معتقد است.
(۳) به دموکراسی رادیکال در مقابل دموکراسی نمایندگی معتقد است.
(۴) به دموکراسی مشارکتی در مقابل دموکراسی نمایندگی معتقد است.
- ۳۲- در نظریه مارکسیسم، قدرت سیاسی از کدام متغیر شکل می‌گیرد؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) ساختار طبقاتی
(۲) نیروهای تولیدی
(۳) روابط اجتماعی تولید
(۴) شیوه تولید
- ۳۳- کدام یک از مدل‌های دولت با برداشتی که مارکس در کتاب هجدهم برومر لوئی بناپارت از دولت ارائه می‌دهد هم‌خوانی دارد؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) مدل کارکردگرایانه
(۲) مدل داوری
(۳) مدل اجبارآمیز
(۴) مدل ابزاری
- ۳۴- از نظر «آنتونیو گرامشی»، در عصر مدرن وظیفه سلطه ایدئولوژیکی به عهده است. (سراسری ۹۰)
- (۱) دولت
(۲) روشنفکران
(۳) احزاب سیاسی
(۴) نیروهای مذهبی
- ۳۵- نقطه مقابل دولت‌های رفاهی کدام دولت است؟ (سراسری ۹۰)
- (۱) ارشادی
(۲) نولیبرال
(۳) محافظه‌کار
(۴) لیبرال دموکرات
- ۳۶- کدام اندیشه‌ورز معتقد است که تحلیل سیاست، همان تحلیل گروه‌هاست؟ (سراسری ۹۰)
- (۱) ایستون
(۲) بنتلی
(۳) لیندبلوم
(۴) لاسول



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل پنجم

۱- گزینه «۳» ادغام سیاسی، فرآیندی است که طی آن فرد در فرهنگ جامعه خود ادغام می‌شود و خود را با جامعه‌ای که محیط او را تشکیل داده تطبیق می‌دهد و به صورت یک بازیگر برای نظام سیاسی درمی‌آید، یا به طور خلاصه به شهروند تبدیل می‌شود. در نتیجه، ادغام سیاسی معطوف به فرد است نه نهادها و نیروهای سیاسی (سایر گزینه‌ها).

۲- گزینه «۲» به الگوی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام سیاسی «فرهنگ سیاسی» می‌گویند. در حالی که ورود و مشارکت افراد در قدرت و سیاست «مشارکت سیاسی» نام دارد. خشونت سیاسی و بحران سیاسی، زمانی به وقوع می‌پیوندد که مشارکت سیاسی با بحران مواجه شده باشد.

۳- گزینه «۴» به نظر گرامشی هر طبقه اجتماعی به مقتضای جایگاهش در ساخت تولید اقتصادی جامعه، یک یا چند گروه از روشنفکران «انداموار» خویش را به وجود می‌آورد که از لحاظ فکری حافظ منافع آن طبقه‌اند. به نظر مارکس، سرمایه‌داری، استقلال روشنفکران را از میان می‌برد و آنها را به وضعیتی شبیه وضعیت پرولتاریا درمی‌افکند. لنین نیز روشنفکران را برحسب علایق طبقاتی میان روشنفکران بورژوازی و پرولتاریایی تقسیم می‌کند.

۴- گزینه «۱» در نظام‌های پارلمانی تفکیک قوا به صورت مطلق نظیر آنچه در نظام‌های ریاستی مشاهده می‌شود، صورت نگرفته است. در نظام‌های پارلمانی، رئیس قوه مجریه توسط نمایندگی پارلمان انتخاب می‌شود، همچنین نخست‌وزیر و وزرا در برابر پارلمان مسئولیت دارند. در حالی که در نظام ریاستی، رئیس قوه مجریه با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود، همچنین وزیران نه در برابر پارلمان و نه حتی در مقابل رئیس قوه مجریه مسئولیت ندارند. بنابراین در نظام‌های پارلمانی، قوه مجریه و قوه مقننه مانند نظام‌های ریاستی به طور مطلق از یکدیگر تفکیک نشده‌اند. به عبارت دیگر در این نظام‌ها قوه مجریه از درون قوه مقننه برخاسته است.

۵- گزینه «۲» به نظر مانهایم، روشنفکران از آنجایی که از درون پایگاه‌های اجتماعی گوناگونی برمی‌خیزند، از نظر اجتماعی و فکری شناور هستند. در مقابل آنتونیو گرامشی استدلال می‌کرد که میان روشنفکران و طبقات اجتماعی، روابط پیچیده‌ای هست. وی از دو نوع روشنفکر سخن می‌گفت: یکی روشنفکران «انداموار» و دیگری «جذب شده».

۶- گزینه «۱» در نظر گرامشی، ایدئولوژی [که بستر تکوین آن جامعه مدنی به عنوان جزئی از روبنا (نه حوزه زیربنا طبق اندیشه مارکس) است] موجب هژمونی (استیلای فکری) طبقه حاکم می‌شود. بنابراین گرامشی عرصه مبارزه طبقاتی را نه طبق اندیشه مارکس حوزه روابط تولیدی، بلکه در بستر جامعه مدنی و ایدئولوژی به عنوان عامل تسلط طبقه حاکم می‌داند. ویژگی کلیدی اندیشه گرامشی در باب سیاست، عبارت از نقش ایدئولوژی در سلطه سیاسی است.

۷- گزینه «۴» وبر از انگیزه مذهبی برای توضیح چگونگی تکوین سرمایه‌داری در غرب بهره برد. همچنین به نظر وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه» تضمین یا تداوم مشروعیت یک نظام از طریق انگیزه‌های درونی و بیرونی صورت می‌پذیرد.

۸- گزینه «۲» ابن خلدون در بررسی خود از مراحل پنج‌گانه عمر دولت‌ها (۱- مرحله زلف و پیروزی ۲- مرحله تثبیت فرماندهی و گرایش به استبداد و خودکامگی ۳- مرحله حفظ خودکامگی و بهره‌گیری از مزایای آسودگی و آسایش ۴- مرحله خرسندی و مصلحت‌جویی ۵- مرحله اسراف، فرسودگی و انحطاط) معتقد است گرایش به تجمل و پیدایش شکاف‌های اقتصادی از علل تضعیف و پیری دولت‌ها و سرانجام نابودی دولت‌ها به شمار می‌آیند.

۹- گزینه «۲» به نظر گرامشی، روشنفکران جامعه سرمایه‌داری حافظ هژمونی یا استیلای ایدئولوژیک طبقه سرمایه‌داری در داخل جامعه مدنی و سلطه سیاسی آن طبقه در داخل دولت هستند. بدین‌سان از نظر گرامشی، حضور روشنفکران در دستگاه قدرت نه تنها مانعی بر سر راه طبقه اجتماعی مسلط به شمار نمی‌رود، بلکه در اصل تداوم سلطه آن طبقه را تضمین می‌کند.

۱۰- گزینه «۳» فارابی به این لحاظ که توانایی‌های انسانی یا فطرت آنان را گوناگون و متفاوت می‌بیند، رابطه میان انسان‌ها را رابطه‌ای تراتبی میان ناقص و کامل و نه انسان‌های برابر و آزاد می‌داند و لاجرم به توجیه ریاست اقتداری برخی آدمیان بر دیگران می‌پردازد. به همین دلیل ریشه نظم سیاسی و اجتماعی را در فرهنگ جامعه و تفاضل استعداد‌های افراد می‌داند.

۱۱- گزینه «۴» عصیبت، مفهوم مورد نظر ابن خلدون بود که بر پایه آن به تشریح اجتماع و سیاست می‌پرداخت. اما از نظر خواجه نصیرالدین طوسی «محبت» مبادی دولت را تشکیل می‌دهد.

۱۲- گزینه «۱» تمامیت‌خواهی نیازمند یک ایدئولوژی گسترده و فراگیر است. ایدئولوژی با ارائه تفسیری واحد از تمامی حیات فردی و زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، انسان‌ها را در معرض تنها یک برداشت از کل حیات قرار می‌دهد که مطابق میل هیئت حاکم است. در مقابل، رژیم‌های رفاهی، لیبرال و دموکراتیک از آنجا که اصل تکثرگرایی (معرفتی) پذیرفته شده است، کمترین رابطه را با ایدئولوژی دارند.

۱۳- گزینه «۴» منظور از دولت مطلقه، آن نوع حکومتی بود که در انتقال جامعه از فئودالیته به سرمایه‌داری اولیه نقش اساسی داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های دولت مطلقه در اروپا تمرکز و انحصار در منابع و ابزارهای قدرت دولتی، تمرکز وسایل اداره جامعه در دست دولت متمرکز ملی، پیدایش ارتش جدید و تأکید بر مصلحت دولت ملی بود. بنابراین دولت مطلقه مظهر حاکمیت کامل و مطلق بود که قدرت را با هیچ نیروی دیگری تقسیم نمی‌کرد. تمرکز کامل قدرت، اقدام دولت در هر زمینه‌ای را ممکن می‌ساخت و توجیه عقلایی آن هم مصلحت دولت بود. در مقابل در رژیم‌های ارشادی، رفاهی و لیبرال (سایر گزینه‌ها) تمرکز کامل قدرت وجود نداشت.

۱۴- گزینه «۳» از نظر گرامشی، ایدئولوژی موجب هژمونی (استیلا فکری) طبقه حاکم می‌شود. بنابراین گرامشی عرصه مبارزه طبقاتی را نه طبق اندیشه مارکس حوزه رابطه تولیدی، بلکه در بستر جامعه مدنی و ایدئولوژی به عنوان عامل تسلط طبقه حاکم می‌داند. گرامشی همچنین هدف جامعه مدنی را حفظ، دفاع و توسعه جبهه نظری و ایدئولوژیک طبقه مسلط می‌داند. در نظر وی دولت، قسمت نمادین سلطه سیاسی است که پشت سر آن ایدئولوژی و روشنفکری قرار دارد. به نظر او فرو ریختن ایدئولوژی از سرنگونی خود دولت مهم‌تر است. اوفه پایگاه اجتماعی طبقه حاکم و پولانزاس رابطه ساختاری دولت را مورد بررسی قرار می‌دهند.

۱۵- گزینه «۱» به نظر پولانزاس «بلوک قدرت» مرکب از طبقات و پاره طبقه‌هایی است که تحت هژمونی یا استیلا جزئی از طبقه مسلط قرار دارند. در اندیشه پارسونز، مفهوم سیستم و در اندیشه ماکس وبر، مفهوم بروکراسی و عقلانیت برجسته شد.

۱۶- گزینه «۱» در سوسیال دموکراسی (دموکراسی اجتماعی) بر ایجاد دولت رفاهی تأکید می‌شود. در این نوع دموکراسی، دولت مکلف به ایجاد بسترهای لازم برای تحقق رفاه افراد جامعه است، در حالی که در دموکراسی لیبرال که لازمه ایجاد آن اقتصاد بازار آزاد است، دولت از دخالت در اقتصاد منع می‌شود.

۱۷- گزینه «۴» بر طبق اصول لیبرالیسم، آزادی فردی در وجوه گوناگون ضامن تأمین مصالح راستین فرد و لازمه شأن و شرف آدمی در مقام موجود خردمند است. از همین رو ابتکار فردی و خصوصی باید در همه حوزه‌های زندگی پاسداری شود. از همین جاست که بر مخالفت شدید لیبرالیسم با دخالت در زندگی اقتصادی تأکید می‌شود. البته این تنها جزئی از ضدیت کلی با مداخله دولت در زندگی جمعی است که به ویژه مخالفت با دخالت در زندگی فکری را دربرمی‌گیرد. دفاع از حقوق اساسی افراد، حمایت از نظام نمایندگی، مقید ساختن شیوه اعمال قدرت به قیود قابل اجرا و تأکید بر ضرورت تفکیک قوا، همگی از اصول اساسی لیبرالیسم نشئت می‌گیرند. لیبرال‌ها به دولت حداقل معتقدند به این معنی که گستره دخالت دولت در سایر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی را محدود می‌کنند و تنها نقش ناظر را برای آن در نظر می‌گیرند.

۱۸- گزینه «۱» از نظر گرامشی دولت، قسمت نمادین سلطه سیاسی است که پشت سر آن ایدئولوژی قرار دارد. به نظر وی فرو ریختن این ایدئولوژی از سرنگونی خود دولت مهم‌تر است. بنابراین به اعتقاد گرامشی، دگرگونی زیربنا (حوزه روابط مادی و اقتصادی) به دلیل کاربست ایدئولوژی، تغییری در روبنای سیاسی (دولت) به وجود نمی‌آورد بدین ترتیب که ایدئولوژی موجب هژمونی (استیلا فکری) طبقه حاکم می‌شود. بنابراین گرامشی عرصه مبارزه طبقاتی را نه طبق اندیشه مارکس حوزه روابط تولیدی، بلکه در بستر جامعه مدنی و ایدئولوژی به عنوان عامل تسلط طبقه حاکم می‌داند.

۱۹- گزینه «۳» جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از: آشنا ساختن افراد و گروه‌های اجتماعی با قواعد، ارزش‌ها و اصول اخلاقی و فرهنگی جامعه خود و نظام سیاسی حاکم بر آن از طریق آموزش مستمر و پیگیر. هدف نهایی آموزش سیاسی نیز این است که فرد از حالت انفعالی خارج شده، به صورت شهروندی فعال در مسائل سیاسی جامعه خود مشارکت کند. اگر مشارکت بر پایه آگاهی و نگرش ثابتی صورت گیرد و مجاری مناسب و نهادینه‌ای نیز برای بیان خواسته‌ها وجود داشته باشد، به ثبات و توسعه سیاسی می‌انجامد. جامعه‌پذیری سیاسی خود بر آموزش سیاسی استوار است، ولی نقطه نهایی جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی است.

۲۰- گزینه «۴» علت اصلی استقلال دولت در نظر شومپیتر نه از بین رفتن طبقات اجتماعی، بلکه این است که افراد در نظام دموکراسی می‌توانند از سطحی به سطح دیگر یا از طبقه‌ای به طبقه دیگر گذار کنند، این امر به ویژه در مورد اشغال مناصب حکومتی صادق است. گزینش کارگزاران دولت در اینگونه نظام‌ها بدون توجه به پایگاه اجتماعی آن‌ها صورت می‌گیرد و این امر ارتباطی به ساختار اجتماعی که ممکن است حالت طبقاتی داشته باشد، ندارد. بنابراین تنوع پایگاه اجتماعی کارگزاران دولت باعث استقلال دستگاه حکومت از طبقات اجتماعی می‌شود.

۲۱- گزینه «۱» در میان انواع مختلف قدرت یعنی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، قدرت اقتصادی پیش‌توانه اجرایی اجبارآمیز ندارد، اما سایر قدرت‌ها یعنی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای ضمانت اجرا در درون جامعه هستند و پیش‌توانه اجرایی اجبارآمیز دارند.

۲۲- گزینه «۲» هرچه میزان تولید ناخالص ملی بیشتر باشد، موفقیت در حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌های سیاسی بیشتر خواهد بود و شاهد کاهش خشونت خواهیم بود. در کشورهایی که شکاف بین فقیر و غنی زیاد است (تولید ناخالص ملی پایین)، خشونت‌های سیاسی (همچنین بی‌تفاوتی و رقابت سیاسی ناسالم) به چشم می‌خورد.

۲۳- گزینه «۲» به دنبال توسعه فنی و نظام تقسیم کار حاصل از آن، نقش‌های اجتماعی هر چه بیشتر از گذشته از یکدیگر تفکیک می‌شوند و در نتیجه‌ی این انفکاک فنی و ساختاری، تضادهای سیاسی کاهش می‌یابند.

۲۴- گزینه «۱» در نظر مارکس، روابط اجتماعی تولید نسبت به دولت و ایدئولوژی از لحاظ علی‌اولویت دارد. این روابط به وسیله دولت ایجاد نمی‌شوند، بلکه قدرت دولتی خود، محصول آنهاست؛ در نتیجه قدرت سیاسی از روابط اجتماعی برمی‌خیزد. همچنین تضاد طبقاتی تعیین کننده روابط اجتماعی تولید است، نه اینکه منشأ اصلی قدرت سیاسی باشد.

۲۵- گزینه «۲» جامعه‌پذیری سیاسی (اجتماعی کردن سیاست) فرآیندی است که به وسیله آن افراد با نظام سیاسی آشنا شده، ادراکشان از سیاست شکل گرفته و واکنش-هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی مشخص می‌شود. بنابراین اجتماعی کردن سیاست بر آموزش سیاسی استوار است، در حالی که مشارکت سیاسی، هدف نهایی آموزش سیاسی به شمار می‌رود که فرد از حالت انفعال خارج شده، به صورت شهروندی فعال در مسائل سیاسی جامعه خود مشارکت می‌کند.

۲۶- گزینه «۱» با افزایش رفاه و کاهش فاصله طبقاتی در جوامع امروزی، از مشارکت سیاسی افراد به صورت عضویت در احزاب و مشارکت در اجتماعات سیاسی کاسته شده است. بنابراین شایع‌ترین نوع مشارکت سیاسی در جوامع امروزی دادن رأی است که در عین حال نازل‌ترین نوع مشارکت نیز محسوب می‌شود.

۲۷- گزینه «۴» مبارزه در رژیم به مفهوم پذیرش رژیم مستقر است، در حالی که سایر گزینه‌ها رژیم را نامشروع تلقی کرده، خواهان جایگزینی آن از طریق مبارزه هستند. بنابراین از دید مورس دوورژه، مبارزه در رژیم، مبارزه در چارچوب قانون اساسی با روش‌های مسالمت‌آمیز، ضمن پذیرش مشروعیت نظام سیاسی است.

۲۸- گزینه «۲» ریمون آرون در سه کتاب خود، هجده درس در باب جامعه صنعتی، نبرد طبقاتی و دموکراسی و توتالیتاریسم، به اثبات این نکته می‌پردازد که عامل اصلی تفاوت بین جوامع صنعتی وجود طبقات و بود و نبود مبارزه طبقاتی نیست، بلکه وجه تمایز فقط در نظام‌های سیاسی آنها نهفته است.

۲۹- گزینه «۱» اولریش بک از این جهت مشهور است که توجه جامعه‌شناسان را به این نکته معطوف می‌کند که ویژگی زندگی اجتماعی معاصر در تعداد بی‌سابقه خطرات ساختگی است که بسیاری از آنها نظیر آلودگی زیست‌محیطی یا جنگ هسته‌ای در سراسر جهان نیز تشدید شده است. در نگرش بک جامعه خطرپذیر ابعاد جهانی دارد، چرا که خطراتی ایجاد می‌کند که به فضا و مکان محدود نیستند. نظریه پسامدرنیته انعطاف‌پذیر به دیوید هاروی و سرمایه‌داری انعطاف‌پذیر به اسکات لش و جان یوری متعلق است.

۳۰- گزینه «۲» جهانی شدن، بزرگترین تهدیدی است که برای الگوی دولت - محور جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک پدیدار شده است. در سایه این تحول، اتخاذ چشم‌انداز گسترده‌ای برای مطالعه قدرت و سیاست ضرورت یافته و از این رو فرآیندهای جهانی شدن به عنوان مهم‌ترین عامل در تحول حوزه جامعه‌شناسی سیاسی از اهمیت اساسی برخوردار شده است.

۳۱- گزینه «۳» در هر سه نوع دموکراسی (مشارکتی، نمایندگی و رادیکال) عنصر مشارکت مفروض و مشترک است، در نتیجه نمی‌توان سخن از دموکراسی مشارکتی در مقابل انواع دموکراسی به میان آورد. در واقع دولت میزگردی به معنای دولتی است که به دموکراسی رادیکال در مقابل دموکراسی نمایندگی معتقد است.

۳۲- گزینه «۳» در نظریه مارکسیسم، قدرت سیاسی از روابط اجتماعی تولید برمی‌خیزد و کانون آن ساختار طبقاتی است. نیروهای تولیدی و شیوه تولید، بیانگر ویژگی‌های ساختار جوامع طبقاتی در هر عصر است.

۳۳- گزینه «۴» مارکس در کتاب «هجدهم برومر لئوی بناپارت»، شیوه تمرکز قدرت سیاسی در دست قوه اجرایی به زیان طبقه مسلط را بررسی می‌کند و از دولت بناپارت به عنوان «زائده انگل‌گونه» بر پیکر جامعه مدنی و منبع مستقل عمل سیاسی نام می‌برد. طبعاً منظور مارکس در این توصیف، دولت به عنوان نماینده اراده و مصلحت عام و کلی نیست، بلکه دولت در این شکل «غایات کلی را به شکل دیگری از علایق خصوصی درمی‌آورد». میزان ابتکار دولت نسبت به جامعه مدنی و نیروهای آن به هر حال محدود است و دولت در جامعه سرمایه‌داری نمی‌تواند از وابستگی خود نسبت به طبقه مسلط رهایی یابد، بنابراین گرچه بناپارت قدرت سیاسی را تصاحب کرد اما ملاً قدرت مادی آن طبقه را تثبیت کرد. بنابراین در تحلیل نهایی، دولت ابزار سلطه طبقه بالا و وسیله تضمین و تداوم آن تلقی می‌شود. در واقع بعد از مارکس، نظریه ابزارانگاری دولت نظریه رایج در بین مارکسیست‌ها شد.

۳۴- گزینه «۲» آنتونیو گرامشی استدلال می‌کند که روابط پیچیده‌ای میان روشنفکران و طبقات اجتماعی وجود دارد. به نظر او هر طبقه اجتماعی به مقتضای موقعیت اقتصادی خود یک یا چند دسته از روشنفکران ارگانیک خود را ایجاد می‌کند که از لحاظ فکری به منافع آن طبقه انسجام می‌بخشند و سلطه ایدئولوژیکی آن را تسهیل می‌کنند.

۳۵- گزینه «۲» نئولیبرالیسم در واکنش به پیدایش ساختار دولت رفاهی پدید آمد و با بروز بحران در اقتصاد دولت رفاهی، زمینه فکری سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی برخی از کشورهای غربی بر ضد دولت رفاهی و دخالت دولت در اقتصاد را تشکیل می‌دهد.

۳۶- گزینه «۲» آرتور بنتلی در کتاب فرآیند حکومت به جای گرایش رایج در علوم سیاسی؛ یعنی بحث از مبانی حقوقی و ساخت صوری حکومت، به بررسی نقش گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی پرداخت.

فصل ششم

«شکاف‌های اجتماعی، نیروهای اجتماعی و زندگی سیاسی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل ششم

- ۱- از نظر شیلز، عمده‌ترین مانع بر سره راه توسعه سیاسی جوامع، شکاف بین است. (سراسری ۸۱)
- (۱) شهر و روستا (۲) ثروتمندان و فقرا (۳) دولت و ملت (۴) نخبگان متعدد و توده‌های سنتی
- ۲- شکاف‌های اجتماعی که یکدیگر را تضعیف می‌کنند، شکاف‌های می‌باشند. (سراسری ۸۱ و ۸۳)
- (۱) متقاطع (۲) متراکم (۳) فعال (۴) متوازی
- ۳- شکاف‌های اجتماعی که همدیگر را تقویت می‌کنند، (سراسری ۸۲)
- (۱) شکاف‌های متراکم نامیده می‌شوند. (۲) شکاف‌های فعال نامیده می‌شوند. (۳) شکاف‌های متقاطع نامیده می‌شوند. (۴) شکاف‌های غیرفعال نامیده می‌شوند.
- ۴- کدام معادله از معادلات دو مفهومی زیر درست است؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) تمامیت‌خواهی و حزب فراگیر (۲) تمامیت‌خواهی و حزب کادر (۳) تمامیت‌خواهی و چند حزبی (۴) تک‌حزبی و تمامیت‌خواهی
- ۵- شکاف‌های اجتماعی موجب شکل‌گیری آگاهی سیاسی، سازماندهی سیاسی و رفتار سیاسی می‌گردند. (سراسری ۸۳)
- (۱) فعال (۲) خفته (۳) متراکم (۴) متقاطع
- ۶- وجود یک سازمان گسترده و انضباط شدید از ویژگی‌های کدام حزب است؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) مجلسی (۲) کادر (۳) توده‌ای (۴) ریاستی
- ۷- رفتارگرایان در جامعه‌شناسی سیاسی در پاسخ به چه نیازی پدید آمدند؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) جهت‌گیری‌سازی داده‌های سیاسی (۲) برای جبران خلأ ناشی از فقدان تئوری (۳) برای رفع نقیصه فقدان نظریه‌های کلان (۴) لزوم نافع بودن و کارگشا شدن علم سیاست
- ۸- کدام مورد جزء کارویژه‌های پنهان احزاب محسوب می‌شود؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) برگزاری انتخابات (۲) بسیج رأی‌دهندگان (۳) ادغام تازه‌واردان در نظام سیاسی (۴) تربیت یک گروه نخبه سیاسی
- ۹- فمینیست‌های مارکسیست از کدام مفهوم به جای طبقه استفاده می‌کنند؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) نیروهای اجتماعی (۲) نهضت‌های اجتماعی (۳) گروه‌های اجتماعی (۴) شکاف‌های اجتماعی
- ۱۰- الگوها (پارادایم‌ها) در جامعه‌شناسی سیاسی از چه جهاتی از یکدیگر متمایزند؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) روش تحقیق (۲) سطح تحلیل و سازمان پدیده‌های اجتماعی (۳) عوامل واقعی یا متغیرهای مستقل یا عامل توضیح‌دهنده (۴) موارد ۲ و ۳
- ۱۱- رفاه عمومی و کم شدن فاصله طبقاتی به کدام یک از حالات زیر دامن می‌زند؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) ایدئولوژی‌زدایی (۲) افزایش مشارکت (۳) ایجاد نظام‌های بسته (۴) شخصی شدن قدرت
- ۱۲- جامعه‌شناسان سیاسی غالباً چنین ادعا می‌کنند که رفتار سیاسی عمدتاً کارویژه است. (سراسری ۸۵)
- (۱) منافع شخصی (۲) سیاستگذاری (۳) انتخاب عقلایی (۴) ساختارهای اجتماعی - سیاسی
- ۱۳- کدام یک از احزاب زیر براساس مبارزه با امتیازات اشرافی و دولت مطلقه به وجود آمده است؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) سوسیالیست (۲) لیبرال بورژوا (۳) فاشیست (۴) محافظه‌کار



- ۱۴- جمله زیر تعریف کدام یک از واژگان سیاسی است؟
 «گروهی که عضویت در آن آزاد است و به طور بالقوه به تمامی طیف موضوعات پیش آمده برای کشور می‌پردازد» .
 (۱) گروه‌های فشار (۲) گروه‌های ذی‌نفوذ (۳) حزب (۴) سندیکا (سراسری ۸۵)
- ۱۵- کدام مورد از کارویژه‌های احزاب محسوب نمی‌شود؟
 (۱) آموزش سیاسی (۲) براندازی نظام سیاسی (۳) مهار تعارضات (۴) گزینش نامزدهای انتخاباتی (سراسری ۸۵)
- ۱۶- صف‌بندی‌زدایی حزبی عبارت است از:
 (۱) تبدیل شدن حزب طبقاتی به حزب فراگیر (۲) خارج شدن حزب از حیطه کارویژه‌هایش
 (۳) گسیختگی جزئی ارتباط بین ترجیحات حزبی و طبقه (۴) همبستگی پایدار میان ترجیحات حزبی و طبقه (سراسری ۸۵)
- ۱۷- نقش کدام یک از نیروهای اجتماعی در جامعه‌شناسی سیاسی کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد؟
 (۱) احزاب سیاسی (۲) اتحادیه‌های کارگری (۳) طبقه اجتماعی (۴) گروه‌های ذی‌نفوذ (سراسری ۸۵)
- ۱۸- کدام نوع حزب محصول کاهش فاصله طبقاتی در جوامع مرفه محسوب می‌شود؟
 (۱) حزب مسلط (۲) حزب ائتلافی (۳) دوحزبی (۴) فراگیر (سراسری ۸۵)
- ۱۹- در کدام یک از انواع جوامع سیاسی، امکان ثبات سیاسی بیشتر است؟
 (۱) تک‌شکافی (۲) دوشکافی متوازی (۳) دوشکافی متقاطع (۴) سه‌شکافی (سراسری ۸۶)
- ۲۰- مهم‌ترین کارویژه احزاب کدام است؟
 (۱) اعمال نفوذ در دولت (۲) تأثیرگذاری بر قدرت (۳) چانه‌زنی با حکومت (۴) گزینش نامزدهای انتخاباتی (سراسری ۸۶)
- ۲۱- به نظر کدام جامعه‌شناس، سرکوب‌گرایی موجب انقلاب می‌شود؟
 (۱) پارسونز (۲) سوروکین (۳) دورژه (۴) رابرت دال (آزاد ۸۶)
- ۲۲- شکل‌گیری احزاب در اروپا ارتباط تنگاتنگی با داشت.
 (۱) فرآیند ملت‌سازی (۲) فرآیند انتخابات (۳) فرآیند دولت‌سازی (۴) فعالیت گروه‌های ذی‌نفوذ (سراسری ۸۷)
- ۲۳- کدام گزینه مربوط به گروه‌های ذی‌نفع نیست؟
 (۱) اغلب تشکیلات صنفی هستند. (۲) با احزاب هم بی‌ارتباط نیستند.
 (۳) به دنبال کسب مستقیم قدرت هستند. (۴) به دنبال تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومتی هستند. (سراسری ۸۷)
- ۲۴- ایدئولوژی در کدام حزب به کار گرفته می‌شود؟
 (۱) عمل‌گرا (۲) توده‌ای (۳) کادر (۴) ریاستی (سراسری ۸۷)
- ۲۵- شکاف‌های اجتماعی که یکدیگر را تضعیف می‌کنند، شکاف‌های نامیده می‌شوند.
 (۱) فعال (۲) متراکم (۳) متقاطع (۴) متوازی (سراسری ۸۷)
- ۲۶- تأثیر وفور اقتصادی بر زندگی حزبی، پیدایش احزاب است.
 (۱) توده‌ای (۲) کادر (۳) فراگیر (۴) ریاستی (سراسری ۸۷)
- ۲۷- از نظر بیروان مکتب جامعه‌شناسی تاریخی، تعداد احزاب هر جامعه نتیجه چیست؟
 (۱) نظام انتخاباتی (۲) نزاع‌های مهم تاریخی (۳) تعداد گروه‌های اقتصادی (۴) وجود جنگ‌های بین‌المللی (سراسری ۸۷)
- ۲۸- اشکال اساسی «گرایش رفتاری» در جامعه‌شناسی سیاسی چیست؟
 (۱) انتزاعی و کلی بودن آن
 (۲) تبیین و توضیح رفتار فردی و نه رفتار اجتماعی
 (۳) نادیده گرفتن گرایش‌های حزبی و رفتار انتخاباتی
 (۴) خلط مباحث جامعه‌شناسی سیاسی با مباحث جامعه‌شناسی عمومی (سراسری ۸۷)



- ۲۹- جامعه‌شناسی سیاسی با کدام یک از مؤلفه‌های زیر بی‌ارتباط است؟
 (۱) ساخت بیرونی حکومت
 (۲) ساخت بیرونی دولت
 (۳) ساخت درونی حکومت و دولت
 (۴) ساخت بیرونی و درونی حکومت و دولت
 (آزاد ۸۷)
- ۳۰- کدام یک از شکاف‌های زیر از جمله شکاف‌های تاریخی نیستند؟
 (۱) شکاف میان سرمایه وابسته و سرمایه ملی
 (۲) شکاف میان دین و دولت
 (۳) شکاف میان گویش‌های گوناگون زبانی
 (۴) شکاف میان گویش‌های گوناگون نژادی
 (آزاد ۸۷)
- ۳۱- پیدایش احزاب فراگیر نتیجه‌ی چه چیز بود؟
 (۱) افول احزاب توده‌ای
 (۲) پیدایش رژیم‌های فاشیستی
 (۳) پیدایش رژیم‌های نولیبرال
 (۴) توسعه‌ی اقتصاد و کاهش شکاف طبقاتی
 (سراسری ۸۸)
- ۳۲- کدام گروه‌ها برای فتح قدرت یا شرکت در اجرای آن تلاش می‌کنند؟
 (۱) احزاب
 (۲) گروه‌های فشار
 (۳) گروه‌های ذی‌نفع
 (۴) گروه‌های ذی‌نفوذ
 (سراسری ۸۸)
- ۳۳- او می‌گوید نفوذ عبارت است از رابطه‌ای میان بازیگران که در آن یک بازیگر، بازیگر دیگر را به انجام عملی ترغیب کند.
 (۱) لاسون
 (۲) دوورژه
 (۳) راسل
 (۴) رابرت دال
 (آزاد ۸۸)
- ۳۴- در تعریف احزاب سیاسی، گروهی را می‌توان حزب نامید که دارای چهار مؤلفه زیر باشد:
 (۱) ایدئولوژی، تشکیلات، قانونی بودن، مبارزه برای کسب قدرت
 (۲) سازمان، ایدئولوژی، قانونی بودن، مبارزه برای کسب قدرت
 (۳) تشکیلات، ایدئولوژی، سازمان، قانونی بودن
 (۴) سازمان، ایدئولوژی، نهادینه شدن، قانونی بودن
 (آزاد ۸۸)
- ۳۵- کدام گزینه در مورد شکاف‌های تاریخی، نادرست است؟
 (۱) شکاف سنت و مدرنیته
 (۲) شکاف قومیت‌ها
 (۳) شکاف‌های مذهبی
 (۴) شکاف طبقاتی
 (سراسری ۸۹)
- ۳۶- نظریه کدام یک از دانشمندان زیر در کتاب قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی مطرح است؟
 (۱) پولانزاس
 (۲) کلاوس اوفه
 (۳) ماکس وبر
 (۴) راسل
 (آزاد ۸۹)
- ۳۷- از دیدگاه او جامعه از سه جهت اساسی، یعنی از حیث قدرت اقتصادی (طبقه)، منزلت و شأن اجتماعی و قدرت سیاسی (حزب) تقسیم‌بندی می‌شود.
 (۱) مارکس
 (۲) هگل
 (۳) برتراند راسل
 (۴) ماکس وبر
 (آزاد ۸۹)
- ۳۸- کتاب «چه کسانی حکومت می‌کنند» مربوط به کدام یک از افراد زیر است؟
 (۱) ویلفردو پاره‌تو
 (۲) گائتانو موسکا
 (۳) رابرت دال
 (۴) گئورگ لوکاچ
 (آزاد ۸۹)
- ۳۹- او از حیث منابع مالی، احزاب را به دو دسته تقسیم کرده است.
 (۱) لنین
 (۲) موریس دوورژه
 (۳) تونیس
 (۴) دال
 (آزاد ۸۹)
- ۴۰- او می‌گوید: قدرت عبارت است از توانایی یک فرد یا گروهی از افراد برای تغییر شیوه عمل افراد یا گروه‌های دیگر در جهت دلخواه آن فرد یا گروه.
 (۱) توین‌بی
 (۲) رابرت دال
 (۳) تالکوت پارسونز
 (۴) آ.آ.ج. تونی
 (آزاد ۸۹)
- ۴۱- ایدئولوژی و تصلب سازمانی از ویژگی‌های کدام حزب است؟
 (۱) ریاستی
 (۲) کادر
 (۳) توده‌ای
 (۴) همه‌پذیر
 (سراسری ۹۰)
- ۴۲- کدام عبارت در مورد نظریه پلورالیزم در جامعه‌شناسی سیاسی صحیح است؟
 (۱) قدرت از منبعی واحد ناشی می‌شود و تمایل به تکرار در دست گروه‌های متعدد دارد.
 (۲) تنها دو الیت (شیرصفت و روباه‌صفت) توانایی کسب قدرت سیاسی دارند.
 (۳) قدرت، منابع متعدد دارد ولی در دست یک گروه از جامعه متمرکز می‌شود.
 (۴) وجود گروه‌های متعدد قدرت در جامعه امری مطلوب و واقعی است.
 (آزاد ۹۰)
- ۴۳- کدام یک از گزینه‌های زیر شکاف‌های اجتماعی را براساس معیار پیدایش تقسیم نموده است؟
 (۱) تشدیدکننده یکدیگر - خنثی‌کننده یکدیگر
 (۲) تاریخی - ساختاری
 (۳) موازی - متقاطع
 (۴) فعال - غیر فعال
 (آزاد ۹۰)



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل ششم

۱- گزینه «۴» از نظر شیلز، عمده‌ترین مانع بر سر راه توسعه سیاسی جوامع، شکاف میان نخبگان متجدد و توده‌های سنتی است.

۲- گزینه «۱» منظور از شکاف‌های اجتماعی، چندپارگی‌های اجتماعی است که جوامع را از نظر طبقاتی، قومی، زبانی، مذهبی، سنی، جنسی و ... به چند دسته تقسیم می‌کند. از نظر شیوه صورت‌بندی و ترکیب، شکاف‌های اجتماعی ممکن است یکدیگر را تقویت کنند یا بر روی هم بار شوند، این نوع صورت‌بندی را صورت‌بندی «شکاف‌های متراکم» می‌خوانند. ممکن است شکاف‌های اجتماعی، یکدیگر را تضعیف کنند که در این صورت «شکاف‌های متقاطع» نامیده می‌شوند. وقتی شکاف‌های اجتماعی متراکم باشند اغلب جامعه دو قطبی می‌شود و پتانسیل کشمکش اجتماعی افزایش می‌یابد. برعکس، وقتی شکاف‌های اجتماعی یکدیگر را قطع کنند، با توجه به افزایش نقاط مشترک گروه‌بندی‌های اجتماعی، زمینه‌ی منازعه اجتماعی کاهش می‌یابد.

۳- گزینه «۱» شکاف‌های اجتماعی، به چندپارگی‌های اجتماعی گفته می‌شود که جوامع را از نظر قومی، زبانی، مذهبی، طبقاتی، سنی، جنسی و ... به چند دسته تقسیم می‌کند. از نظر شیوه صورت‌بندی و ترکیب، شکاف‌های اجتماعی ممکن است یکدیگر را تقویت کنند یا بر روی هم بار شوند. این نوع صورت‌بندی را صورت‌بندی «شکاف‌های متراکم» می‌خوانند.

۴- گزینه «۴» احزاب فراگیر، احزابی هستند که در نتیجه تحولات اجتماعی و اقتصادی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند. وفور اقتصادی و پیشرفت صنعت موجب ترمیم شکاف‌های اقتصادی و طبقاتی شد، در نتیجه این احزاب غیر ایدئولوژیک و از نظر طبقاتی، هم‌طبقاتی محسوب می‌شوند. احزاب کادر نیز مربوط به دورانی است که در آن افراد برجسته (اعیان و اشراف) انحصار فعالیت‌های سیاسی را در دست داشتند (گزینه ۲). سرانجام، تمامیت‌خواهی در عرصه سیاست به معنی انحصارطلبی است، از این قرار فعالیت گروه‌های مختلف و متنوع و همچنین احزاب متعدد در سیاست منع می‌شود.

۵- گزینه «۱» شکاف‌های اجتماعی را از نظر تأثیرگذاری بر زندگی سیاسی باید به شکاف‌های فعال و غیر فعال تقسیم کرد. شکاف‌های غیر فعال یا خفته، شکاف‌هایی هستند که آگاهی سیاسی و سازماندهی و عمل سیاسی بر پایه آن صورت نگرفته باشد. شکاف‌های متراکم و متقاطع ممکن است از نظر سیاسی فعال یا غیر فعال باشند. بنابراین شکاف‌های اجتماعی فعال موجب شکل‌گیری آگاهی سیاسی، سازماندهی سیاسی و رفتار سیاسی می‌شوند.

۶- گزینه «۳» شمار زیاد افراد در یک تشکل، ضرورت یک سازماندهی متصلب را پیش می‌آورد. این سازمان متصلب همراه با ایدئولوژی مبارز و اعضای فعال، احزاب توده‌ای را به صورت یک هنگ نظامی درمی‌آورد. در مقابل، احزاب کادر مربوط به زمانی است که کسی جز اعیان و اشراف حق دخالت در سیاست را نداشت.

۷- گزینه «۴» چیزی که رفتارگرایان را از دیگر اندیشمندان اجتماعی متمایز می‌سازد عبارت است از اصرار آنان بر دو نکته: ۱- تحلیل باید بر رفتار قابل مشاهده متکی باشد. ۲- هرگونه توضیح این رفتار قابل مشاهده باید قابلیت آزمون‌پذیری تجربی داشته باشد. علاوه بر این، رفتارگرایان، کمی‌سازی داده‌های سیاسی را سبب شدند (برخلاف گزینه ۱). همچنین رفتارگرایی یکی از تئوری‌های جامعه‌شناختی سیاسی در کنار سایر تئوری‌هاست، نه اینکه برای جبران خلأ ناشی از فقدان تئوری پدید آمده باشد. رفتارگرایی در پاسخ به نیاز نافع بودن و کارگشا شدن علم سیاست پدید آمد، بدین مفهوم که دانشمندان علم سیاست را به دانشی مجهز کنند که همانند نظریه‌های علمی قابلیت پیش‌بینی داشته و برای کمک به رشد جوامع کارگشا و کاربردی باشد.

۸- گزینه «۳» در یک تقسیم‌بندی، کارویژه‌های احزاب سیاسی را به کارویژه‌های آشکار و پنهان تقسیم کرده‌اند. مقصود از کارویژه‌های آشکار، همان کارویژه‌هایی است که در همه جا و همه اعصار از احزاب انتظار می‌رود که می‌توان آن‌ها را به کارویژه‌های انتخاباتی و اجتماعی - آموزشی تقسیم کرد. کارویژه پنهان نیز اصطلاحی است که در تشریح عملکردهایی به کار می‌رود که از یک سازمان یا نهاد خاص انتظار نمی‌رود و جزء شرح وظایف آن نیست، اما به تدریج به انجام آن‌ها می‌پردازد.

در این میان، تنها ادغام تازه‌واردان در نظام سیاسی از کارویژه‌های احزاب سیاسی است، این عمل سبب می‌شود تا تازه‌واردان به سرعت با جامعه و هنجارهای آن آشنا شوند و به جای ناسازگاری، خود را با این هنجارها و قواعد همراه سازند، در حالی که سایر گزینه‌ها از کارویژه‌های آشکار احزاب سیاسی محسوب می‌شوند.

۹- گزینه «۲» فمینیست‌های مارکسیست از مفهوم نهضت‌های اجتماعی به جای طبقه استفاده می‌کنند. گروه‌های اجتماعی از مفاهیم مورد تأکید کثرت‌گرایان برای تشریح فرآیند سیاست در جوامع است. همچنین شکاف‌های اجتماعی مبین چگونگی ترسیم خطوط طبقاتی، مذهبی، سنی، جنسی و ... و چندپارگی‌های اجتماعی است.

۱۰- گزینه «۴» در جامعه‌شناسی سیاسی از سه سطح تحلیل سخن به میان می‌آید: سطح تحلیل خرد، سطح تحلیل گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و سطح تحلیل ساختاری. همچنین متغیرهای مستقل و توضیح‌دهنده سیاست در جامعه‌شناسی سیاسی متمایزند. بدین ترتیب که برخی نظریه‌ها بر گروه‌های اجتماعی، برخی بر نخبگان، برخی بر طبقات و ... ، به عنوان متغیر مستقل و تأثیر آن بر دولت و قدرت سیاسی به عنوان متغیر وابسته می‌پردازند. بنابراین الگوها (پارادایم‌ها) در جامعه‌شناسی سیاسی از دو جهت از یکدیگر متمایزند: ۱- سطح تحلیل و سازمان پدیده‌های اجتماعی ۲- عوامل واقعی یا متغیرهای مستقل یا عامل توضیح‌دهنده.

۱۱- گزینه «۱» رفاه عمومی و کم شدن فاصله طبقاتی از نظر اقتصادی، سطح قابل قبولی از زندگی را فراهم می‌آورد و شکاف‌های طبقاتی را تا حدی ترمیم می‌کند. بدین ترتیب دیگر احزاب و گروه‌ها نمی‌توانند بر مبارزه طبقاتی تأکید کنند و یک طبقه خاص را مخاطب خود قرار دهند. در نتیجه، احزاب و گروه‌ها از صلابت ایدئولوژیک خود کاسته و از ایدئولوژی‌های جزم‌گرا فاصله می‌گیرند. این فرآیند خود از مشارکت افراد در زندگی سیاسی نیز می‌کاهد؛ مشارکتی که منای آن انگیزه‌های اقتصادی - طبقاتی است. بنابراین رفاه عمومی و کم شدن فاصله طبقاتی منجر به پدیده ایدئولوژی‌زدایی می‌شود.

۱۲- گزینه «۴» مطابق ادعای جامعه‌شناسان سیاسی، رفتار سیاسی عمدتاً کارویژه ساختارهای اجتماعی - سیاسی است. منافع شخصی و انتخاب عقلایی، بیانگر نظریه رفتارگرایی در مطالعات سیاسی هستند. براساس فرضیات رفتارگرایان، تصمیمات و اقدامات سیاسی، حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که براساس محاسبه، رفتار عقلایی و انتخاب عقلایی عمل می‌کنند.

۱۳- گزینه «۲» لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی رژیم‌های سیاسی در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در اروپا تکوین یافت. لیبرالیسم در واقع رژیم سیاسی طبقه بورژوازی بود که پس از سرنگونی نظام فئودالی و دولت مطلقه (حکومت محافظه‌کارانه اشرافیت زمین‌دار) قدرت را به دست گرفت. بنابراین احزاب لیبرال بورژوا در طی فرآیند مبارزه با امتیازات اشرافی و دولت مطلقه به وجود آمدند. پایگاه اجتماعی احزاب محافظه‌کار، اشرافیت و دولت مطلقه بود. احزاب سوسیالیست نیز پس از به قدرت رسیدن لیبرال بورژواها پا به عرصه وجود گذاشتند و خواستار تحقق عدالت توزیعی در برابر ایدئولوژی سرمایه‌داری و لیبرالیسم بودند.

۱۴- گزینه «۳» عضویت در گروه‌های ذی‌نفوذ، احزاب و سندیکاها دست کم می‌بایست مبتنی بر بعضی مشترکات اقتصادی، طبقاتی یا سیاسی باشد. به خصوص در مورد گروه‌های ذی‌نفوذ و سندیکاها این عبارت صادق نیست که به تمامی طیف موضوعات پیش‌آمده برای کشور می‌پردازد، زیرا آن‌ها پی‌گیر منافع و علایق خصوصی خاص خود هستند. در نتیجه تنها احزاب هستند که عضویت در آن‌ها آزاد است و همچنین به تمامی طیف موضوعات پیش‌آمده برای کشور می‌پردازد.

۱۵- گزینه «۲» از مهم‌ترین اهداف احزاب سیاسی، حفظ یا کسب قدرت سیاسی است. در جوامع دموکراتیک که خاستگاه احزاب سیاسی است، حزب سیاسی با استفاده از راه‌های مسالمت‌آمیز مانند برگزاری انتخابات می‌تواند قدرت سیاسی را به دست گیرد، بنابراین برای براندازی نظام سیاسی تلاش نمی‌کند. آشکارترین کارویژه حزب سیاسی، کارویژه انتخاباتی است که گزینش نامزدهای انتخابی را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین حزب سیاسی یکی از مهم‌ترین مجاری آموزش سیاسی به افراد برای کسب و احراز قدرت سیاسی است.

۱۶- گزینه «۳» با گسترش رفاه و کاهش فاصله طبقاتی در جوامع مدرن، احزاب طبقاتی از ترجیحات حزبی و طبقاتی فاصله گرفتند (برعکس گزینه ۴). در همین حال شاهد تکوین احزاب فراگیر هستیم که از نظر طبقاتی، هم طبقه یا پایین‌طبقه محسوب می‌شوند و از نظر ایدئولوژی نیز غیر ایدئولوژیک به‌شمار می‌آیند. این فرآیند به صف‌بندی‌زدایی حزبی معروف است، به معنی گسیختگی جزئی ارتباط بین ترجیحات حزبی و طبقه.

۱۷- گزینه «۳» با توجه به وسعت نیروهای اجتماعی درگیر و تأثیرات آن‌ها بر زندگی سیاسی می‌توان از دو سطح جامعه‌شناسی سیاسی خرد و کلان سخن گفت. جامعه‌شناسی سیاسی کلان نه تنها دوره‌های دگرگونی و تغییر اساسی در زندگی اجتماعی و سیاسی را از دیدگاه تأثیر نیروهای اجتماعی عمده مورد بررسی قرار می‌دهد، بلکه در دوره‌های ثبات نیز نقش نیروهای عمده اجتماعی را در سطح کلان در تکوین و تعیین ماهیت نهادهای سیاسی بررسی می‌کند. در این زمینه به ویژه مسئله طبقه مسلط اجتماعی و رابطه آن با دولت مورد توجه است.

۱۸- گزینه «۴» در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، نوع جدیدی از حزب در صحنه سیاست کشورهای اروپایی ظاهر شد که نتیجه تحولات اجتماعی - اقتصادی این سال‌ها بود. از آنجا که وفور اقتصادی و پیشرفت صنعت از سختی کار کارگران می‌کاست و از نظر اقتصادی نیز سطح قابل قبولی از زندگی را برای آن‌ها فراهم می‌ساخت، شکاف‌های طبقاتی تا حدی ترمیم یافت و دیگر احزاب سنتی نمی‌توانستند بر مبارزه طبقاتی تأکید کنند و یک طبقه خاص را مخاطب قرار دهند. احزاب فراگیر از نظر ایدئولوژی، عمل‌گرا و به عبارتی غیر ایدئولوژیک و از نظر طبقاتی، هم طبقه یا پایین‌طبقه محسوب می‌شوند.

۱۹- گزینه «۱» منظور از شکاف‌های اجتماعی، چندپارگی‌های اجتماعی است که جوامع را از نظر طبقاتی، قومی، زبانی، مذهبی، سنی، جنسی و ... به چند دسته تقسیم می‌کند. در جوامعی که دارای بیش از یک شکاف اجتماعی هستند شمار و تنوع نیروهای سیاسی - اجتماعی افزایش می‌یابد، در نتیجه ایدئولوژی‌ها و احزاب سیاسی افزایش یافته و پتانسیل منازعه شدت می‌گیرد. بنابراین در جوامع تک‌شکافی، امکان ثبات سیاسی بیشتر است.

۲۰- گزینه «۴» سه کارویژه‌ی اعمال نفوذ در دولت، تأثیرگذاری بر قدرت و چانه‌زنی با حکومت، میان احزاب و گروه‌های نفوذ مشترک هستند. گروه‌های نفوذ هر چند خواهان به‌دست گرفتن قدرت سیاسی نیستند، لیکن بر روی آن تأثیر می‌گذارند. به عبارتی کارویژه‌های انتخاباتی احزاب، مهم‌ترین کارویژه آن‌ها به شمار می‌رود.

۲۱- گزینه «۲» پیتر سوروکین معتقد است که سرکوب‌گرایی موجب انقلاب می‌شود. از دید وی شش گونه کلی از سرکوب وجود دارد که ممکن است به انقلاب منجر شود: ۱- سرکوب غریزه تغذیه ۲- سرکوب غریزه دارایی ۳- سرکوب غریزه صیانت نفس ۴- سرکوب غریزه جنسی ۵- سرکوب انگیزه آزادی ۶- سرکوب غریزه اظهار وجود.

۲۲- گزینه «۴» شکل‌گیری احزاب در اروپا ارتباط تنگاتنگی با فعالیت گروه‌های ذی‌نفوذ داشت. در مقابل، فرآیند انتخابات در چگونگی تکوین نظام‌های حزبی مؤثر بوده است. به عنوان مثال: برقراری نظام انتخاباتی اکثریتی موجب شکل‌گیری نظام دو حزبی و نظام نمایندگی نسبی موجب تکوین نظام سیاسی چند حزبی می‌شود.

۲۳- گزینه «۳» کسب قدرت سیاسی از مهم‌ترین اهداف احزاب سیاسی به شمار می‌آید، ولی گروه‌های ذی‌نفع به دنبال تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی در جهت پی‌گیری منافع خود هستند، نه کسب قدرت سیاسی.

۲۴- گزینه «۲» عمل‌گرایی از ویژگی‌های احزاب فراگیر محسوب می‌شود که از نظر ایدئولوژی، عمل‌گرا و به عبارتی غیر ایدئولوژیک و از نظر طبقاتی، هم طبقه یا پایین‌طبقه‌ای به شمار می‌روند. احزاب کادر نیز یادگار دوره‌ای است که در آن افراد برجسته، انحصار فعالیت‌های سیاسی را در دست داشتند. در مجموع، احزاب توده‌ای که از اواخر سده نوزدهم شکل گرفتند از نظر رهبری، گرایش‌های عقیدتی و کمیت، با احزاب کادر تفاوت اساسی به خصوص تفاوت در سازماندهی داشتند. شمار زیاد افراد در یک تشکل، ضرورت یک سازماندهی متصلب را پیش می‌آورد. این سازمان متصلب همراه با ایدئولوژی مبارز و اعضای فعال، احزاب توده‌ای را به صورت یک هنگ نظامی درمی‌آورد. بنابراین ایدئولوژی در احزاب توده‌ای به کار گرفته می‌شود.

۲۵- گزینه «۳» از نظر شیوه صورت‌بندی و ترکیب، شکاف‌های اجتماعی ممکن است یکدیگر را تقویت کنند یا بر روی هم بار شوند، این نوع صورت‌بندی را صورت‌بندی «شکاف‌های متراکم» می‌خوانند. اما ممکن است شکاف‌های اجتماعی یکدیگر را تضعیف کنند که در این صورت «شکاف‌های متقاطع» نامیده می‌شوند. وقتی شکاف‌های اجتماعی متراکم باشند اغلب جامعه دو قطبی می‌شود و پتانسیل کشمکش اجتماعی افزایش می‌یابد. برعکس، وقتی شکاف‌های اجتماعی یکدیگر را قطع کنند، با توجه به افزایش نقاط مشترک گروه‌بندی‌های اجتماعی، زمینه منازعه اجتماعی، کاهش می‌یابد.

۲۶- گزینه «۳» در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نوع جدیدی از حزب در صحنه سیاست کشورهای اروپایی ظاهر شد که نتیجه تحولات اجتماعی - اقتصادی این سال‌ها بود. از آنجا که وفور اقتصادی و پیشرفت صنعت از سختی کار کارگران می‌کاست و از نظر اقتصادی نیز سطح قابل قبولی از زندگی را برای آن‌ها فراهم می‌ساخت، شکاف‌های طبقاتی تا حدی ترمیم یافت و دیگر احزاب سنتی نمی‌توانستند بر مبارزه طبقاتی تأکید کنند و یک طبقه خاص را مخاطب قرار دهند. در نتیجه احزاب متصلب و ایدئولوژیک از صلابت و سخت‌گیری خود کاستند و از ایدئولوژی‌های جزم‌گرا فاصله گرفتند. نتیجه این فرآیند به وجود آمدن احزاب جدیدی بود که به احزاب فراگیر معروف‌اند. در مقابل، احزاب کادر متعلق به زمانی است که فقط اعیان و اشراف انحصار فعالیت‌های سیاسی را در دست داشتند. احزاب توده‌ای نیز با گسترش حق رأی و ورود افراد جدید به عرصه سیاست شکل گرفتند. گرایش‌های چپ و سوسیالیستی در پیدایش اینگونه احزاب مؤثر بود. بنابراین تأثیر وفور اقتصادی بر زندگی حزبی، پیدایش احزاب فراگیر بود.

۲۷- گزینه «۲» به طور کلی براساس مکتب جامعه‌شناسی تاریخی، نظام سیاسی یک جامعه، محصول تاریخ آن جامعه است. بنابراین تعداد احزاب هر جامعه نیز نتیجه نزاع‌های مهم تاریخی هر جامعه است.

۲۸- گزینه «۲» گرایش رفتاری به مطالعه رفتار عینی و قابل مشاهده افراد در حوزه سیاست می‌پردازد. بنابراین نه انتزاعی و کلی بلکه عینی و جزئی است و رفتار انتخاباتی را نادیده نمی‌گیرد. اصولاً گرایش رفتاری با مطالعات مکتب شیکاگو درباره بررسی رفتار رأی‌دهندگان در انتخابات به وجود آمد. بنابراین اشکال مطالعه رفتاری در جامعه‌شناسی سیاسی تبیین و توضیح رفتار فردی و نه رفتار اجتماعی است. مسائل اصلی مورد علاقه مکتب رفتاری عبارت بودند از: بحث تجربی از قدرت سیاسی و مبانی و روش‌های اعمال آن، مطالعه رفتار سیاسی رأی‌دهندگان، مطالعه انتخابات و دلایل گرایش‌های ایدئولوژیک در رفتار سیاسی به طور کلی.

۲۹- گزینه «۳» موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی توضیح جایگاه دولت در داخل شبکه پیچیده علائق و منافع اجتماعی و اقتصادی و روابط حاصل از آن‌هاست. به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی سیاسی با ساخت درونی دولت و حکومت که اغلب موضوع اصلی علم سیاست است، سر و کار ندارد. اگر سیاست را به معنی روابط میان جامعه، اقتصاد و دولت تلقی کنیم، در این صورت وظیفه جامعه‌شناسی سیاسی فهم این روابط است نه توضیح کامل اجزایی مانند جامعه و دولت.

۳۰- گزینه «۱» نخستین وظیفه جامعه‌شناس سیاسی، شناخت تعارضات و شکاف‌های جامعه است. برخی از شکاف‌های اجتماعی حاصل سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و بنابراین صورت ساختاری ندارند. تحولات و تصادف‌های تاریخی در تکوین این شکاف‌ها مؤثرند. از جمله شکاف‌های تاریخی می‌توان به شکاف مذهبی - قومی، شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های قومی، زبانی و نژادی اشاره کرد. شکاف میان سرمایه وابسته و سرمایه ملی از نوع ساختاری است.

۳۱- گزینه «۴» در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نوع جدیدی از حزب در صحنه سیاست کشورهای اروپایی ظاهر شد که نتیجه تحولات اجتماعی - اقتصادی این سال‌ها بود. از آنجا که وفور اقتصادی و پیشرفت صنعت از سختی کار کارگران می‌کاست و از نظر اقتصادی نیز سطح قابل قبولی از زندگی را برای آن‌ها فراهم می‌ساخت، شکاف‌های طبقاتی تا حدی ترمیم شد و دیگر احزاب سنتی نمی‌توانستند بر مبارزه طبقاتی تأکید کنند و یک طبقه خاص را مخاطب قرار دهند. در نتیجه احزاب متصلب و ایدئولوژیک از صلابت و سخت‌گیری خود کاستند و از ایدئولوژی‌های جزم‌گرا فاصله گرفتند. این فرآیند موجب ظهور احزابی شد که به احزاب فراگیر معروفند. پیدایش رژیم‌های فاشیستی منجر به شکل‌گیری احزاب توده‌ای شد. بنابراین روشن است که به دنبال توسعه و وفور اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی، احزاب فراگیر به وجود آمدند.

۳۲- گزینه «۱» از مهم‌ترین اهداف احزاب سیاسی که در عین حال تفاوت آن‌ها با گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ نیز محسوب می‌شود، تلاش برای کسب یا شرکت در قدرت سیاسی است، در حالی که گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ تنها به دنبال تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی در جهت منافع خاص خود هستند.

۳۳- گزینه «۴» به نظر رابرت دال، اندیشمند سیاسی امریکایی، نفوذ عبارت است از: رابطه میان بازیگران که در آن یک بازیگر، بازیگر دیگر را به انجام عملی ترغیب می‌کند که در صورت عدم اعمال نفوذ، انجام نمی‌شود. در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر معمولاً فرض بر این است که مهم‌ترین نمود قدرت اجتماعی همان نفوذ است، در حالی که نفوذ تنها یکی از مظاهر نمایان قدرت اجتماعی است.

۳۴- گزینه «۲» به طور کلی در تعریف احزاب سیاسی، گروهی را می‌توان حزب نامید که دارای چهار مؤلفه سازمان، ایدئولوژی، قانونی بودن و مبارزه برای کسب قدرت باشد. بدیهی است که فقدان هر یک از این مؤلفه‌ها گروه را از ماهیت حزب خارج و آن را به یک گروه غیرحزبی تبدیل می‌کند. در این صورت با ملاک‌های فوق می‌توان احزاب سیاسی را از غیر آن بهتر و دقیق‌تر تشخیص داد.

۳۵- گزینه «۴» شکاف‌های اجتماعی، چندپارگی‌های اجتماعی هستند که جوامع را از نظر طبقاتی، زبانی، مذهبی، قومی، سنی، جنسی و ... به چند دسته تقسیم می‌کنند. برخی از شکاف‌های اجتماعی حاصل سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و تحولات و تصادفات تاریخی در تکوین این شکاف‌ها در هر جامعه مؤثرند. از جمله شکاف‌های تاریخی عبارت‌اند از: شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های قومی، زبانی و نژادی. همچنین در جوامع نیمه‌سنتی و نیمه‌مدرن می‌توان از شکاف تاریخی سنت و مدرنیته نام برد. برخی دیگر از شکاف‌ها، شکاف‌هایی هستند که به مقتضای برخی ویژگی‌های پایدار در جامعه انسانی پدید آمده‌اند و همواره وجود دارند، مثلاً تداوم تقسیم کار اجتماعی همواره نوعی از شکاف‌های طبقاتی را ایجاد می‌کند، یا تقسیم جنسی و سنی جمعیت میان مرد، زن، پیر و جوان. بنابراین در مورد شکاف‌های تاریخی، شکاف طبقاتی نادرست است.

۳۶- گزینه «۱» براساس نظریه پولنزاس در کتاب قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی، دولت در جامعه سرمایه‌داری، عاملی سامان‌بخش است و سه وظیفه یا کاربزه اصلی انجام می‌دهد. اولاً موجب سازمان‌یابی و انسجام سیاسی طبقات مسلط می‌شود. ثانیاً ساخت دولت موجب تضعیف سازمانی طبقات کارگر می‌گردد و بدین‌سان تهدید ناشی از تمرکز و سازمان‌یابی آن‌ها نسبت به سلطه طبقه مسلط را از میان برمی‌دارد. ثالثاً به سازماندهی سیاسی و بسیج ایدئولوژیک طبقات متعلق به وجوه تولید قدیمی مانند خرده‌بورژوازی و دهقانان می‌پردازد.

۳۷- گزینه «۴» ماکس وبر برخلاف کارل مارکس، طبقه را تنها واحد اساسی برای تقسیم‌بندی جامعه نمی‌داند. به نظر او جامعه از سه جهت اساسی یعنی از حیث قدرت اقتصادی (طبقه)، منزلت و شأن اجتماعی و قدرت سیاسی (حزب) تقسیم‌بندی می‌شود. لیکن وی معتقد است که این عناصر ضرورتاً بر هم منطبق نیستند. از نظر ماکس وبر زندگی سیاسی و حزبی لزوماً رابطه‌ای با طبقات و منزلت‌های اجتماعی ندارد و این عقیده وبر اختلاف مهمی است که میان دیدگاه او و کارل مارکس وجود دارد.

۳۸- گزینه «۳» رابرت دال در بررسی‌های تجربی خود از نحوه توزیع قدرت سیاسی در جوامع سرمایه‌داری معاصر به ویژه امریکا، در پی اثبات الگوی جامعه‌شناسی پلورالیستی در مقابل الگوهای دیگر بوده است. مثلاً او در یکی از آثار اولیه‌اش یعنی «چه کسانی حکومت می‌کنند» در پی نشان دادن حوزه‌های قدرت گروه‌های اجتماعی مختلف در شهر نیویورک امریکا برمی‌آید. به عبارت دیگر، وی توانایی بازیگران قدرت را در اتخاذ سیاست‌های خاص در حوزه‌های گوناگون بررسی می‌کند. پرسش اصلی او این است که آیا همه تصمیمات به وسیله یک گروه گرفته می‌شود یا نه؟

۳۹- گزینه «۲» موریس دوورژه، احزاب را از حیث منابع مالی به دو دسته تقسیم کرده است: احزابی که منابع مالی آن‌ها به حق عضویت اعضا بستگی دارد و احزابی که منابع لازم را از طریق اعانات و هدایای گروه‌های مختلف اجتماعی به دست می‌آورند. تأمین منابع مالی، خود یکی از رشته‌های پیوند اصلی احزاب با گروه‌ها و طبقات اجتماعی است. مهم‌ترین راهنمای تأمین منابع مالی احزاب عبارت‌اند از: پرداخت حق عضویت معمولی، پرداخت‌های ویژه به وسیله اعضای که به مناصب حکومتی دست یافته‌اند، سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمک‌های مالی خزانه‌داری دولت و کمک‌های گروه‌های خصوصی و ذی‌نفوذ.



۴۰- گزینه «۴» آ.ا.ج. تونی، مورخ معروف انگلیسی در تعریف قدرت می‌گفت: قدرت عبارت است از توانایی یک فرد یا گروهی از افراد برای تغییر شیوه عمل افراد یا گروه‌های دیگر در جهت دلخواه آن فرد یا گروه. این تعریف، تعریف قدرت اجتماعی است، اما تعریفی که جان لاک از قدرت ارائه داده، تعریف قدرت دولتی است. وی معتقد بود که قدرت سیاسی، حق وضع قوانین همراه با تعیین مجازات مرگ و کلیه مجازات‌های کوچکتر به منظور تنظیم و حفظ مالکیت است. طبعاً قدرت اجتماعی مقوله پیچیده‌تری است و انواع بیشتری را در برمی‌گیرد.

۴۱- گزینه «۳» شمار زیاد افراد در احزاب توده‌ای، ضرورت یک سازماندهی متصلب را پیش می‌آورد. این سازمان متصلب همراه با ایدئولوژی، احزاب توده‌ای را به صورت یک هنگ نظامی درمی‌آورد.

۴۲- گزینه «۴» به موجب الگوی پلورالیسم در جامعه‌شناسی سیاسی، قدرت اجتماعی در جامعه مدرن میل به تفرق و تکثر دارد، منابع آن متعدد و متکثر است و مقولاتی چون ثروت، حیثیت اجتماعی، نفوذ مذهبی، تحصیلات و ... را در برمی‌گیرد. از این رو، شماری از گروه‌های متعدد قدرت در جامعه وجود دارند. وجود گروه‌های متعدد قدرت در نظریه پلورالیسم، هم به عنوان امری مطلوب (یعنی لازمه دموکراسی) و هم به عنوان امری واقعی و مبین نحوه توزیع قدرت سیاسی در جوامع دموکراتیک تلقی می‌شود. مفهوم قدرت در الگوی پلورالیسم مانند مفهومی است که ماکس وبر عرضه کرده است.

۴۳- گزینه «۲» در بررسی شکاف‌های اجتماعی باید به تنوعات جغرافیایی و تاریخی توجه داشت. به این معنی که نوع و شمار و نحوه صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی ممکن است بر حسب عوامل گوناگون از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر در یک کشور تغییر کند. بر حسب چنین تنوعاتی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به شکاف‌های فعال یا غیر فعال و ساختاری یا تاریخی تقسیم کرد. از نظر تأثیرگذاری بر زندگی سیاسی، شکاف‌های اجتماعی را باید به شکاف‌های فعال و غیر فعال تقسیم کرد. از نظر ضرورت تکوین و پیدایش نیز شکاف‌های اجتماعی به شکاف‌های ساختاری و تاریخی تقسیم می‌شوند.

فصل هفتم

«نقش نیروهای اجتماعی و بازیگران در زندگی سیاسی (۱)»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هفتم

- ۱- به نظر آلون تافلر، در کتاب جابه‌جایی قدرت، کدام دگرگونی در جامعه فراصنعتی رخ داده است؟ (سراسری ۸۴)
- توسعه تکنولوژی موجب افزایش قدرت و حاکمیت و در نتیجه دخالت دولت شده است.
 - پیشرفت تکنولوژی موجب پیدایش چندجانبه‌گرایی میان پدیده‌های اجتماعی شده است.
 - طبقه جدیدی به نام بقیه‌آبی‌ها جایگزین طبقه حاکم قدیم، یعنی سرمایه‌داران می‌شوند.
 - مالکیت و دیگر منابع سنتی قدرت به تدریج جای خود را به دانایی به عنوان منبع جدید قدرت می‌دهند.

- ۲- مک کارتیسم در امریکا مورد حمایت کدام یک از طبقات اجتماعی بود؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) دهقانان (۲) کارگر (۳) خرده‌بورژوازی (۴) بورژوازی صنعتی

- ۳- این گفته از کیست: «خرده‌بورژوازی با توجه به موقعیت خاص اجتماعی و اقتصادی‌اش همواره میان انقلاب و ضد انقلاب در نوسان خواهد بود.» (سراسری ۸۶)

- (۱) انگلس (۲) تروتسکی (۳) لنین (۴) مارکس

- ۴- از نظر نیکی کدی، انقلاب اسلامی ایران در اثر کدام یک از عوامل زیر اتفاق افتاد؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) عامل اقتصادی (۲) حکومت استبدادی (۳) عامل فرهنگی (۴) عامل استعماری

- ۵- از نظر رایت میلز:

(۱) نهادهای مشارکت قانونی در اداره سیاسی دخالت می‌کنند.

(۲) فقدان سندیکاهای کارگری، جامعه را به فروپاشی سوق می‌دهند.

(۳) دولت حاضر به همکاری با سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها نیست.

(۴) دولت در اقتصاد و صاحبان سرمایه‌های بزرگ در دولت دخالت می‌کنند.

- ۶- بر طبق نظر جیمز برنهام و رالف دارندورف، قدرت‌یابی فزاینده و واقعی مدیران، ویژگی اصلی کدام جامعه است؟ (سراسری ۸۸)

(۱) سرمایه‌داری در کل حیاتش از سده ۱۶ به بعد

(۲) سرمایه‌داری در سده ۱۹

(۳) صنعتی در کل سده ۲۰

(۴) صنعتی مدرن از نیمه دوم سده ۲۰ به بعد

- ۷- کتاب مبارزه نژادها اثر کدام یک از دانشمندان زیر است؟ (آزاد ۸۸)

(۱) چمبرلین (۲) گومپلویچ (۳) لانگین (۴) دوگوبینو

- ۸- او می‌گوید: در اینگونه کشورها مفهوم الیت بودن موجب تحریک احساسات می‌شده و نظام‌های فاشیستی نیز از چنین مفهومی بهره می‌برند. (آزاد ۸۸)

(۱) ماکس وبر (۲) پاره‌تو (۳) لوکاچ (۴) موسکا

- ۹- او می‌گوید موضوع الیت‌ها به ویژه به مفهومی که بار اخلاقی و ارزشی دارد بیشتر در کشورهایمانند ایتالیا و آلمان مورد توجه بوده است. (آزاد ۸۹)

(۱) لوکاچ (۲) وبر (۳) لاسول (۴) مانهایم

- ۱۰- در چه سالی در فرانسه کلیسا از سیاست کاملاً کناره گرفت؟ (آزاد ۸۹)

(۱) ۱۹۰۵ (۲) ۱۸۰۵ (۳) ۲۰۰۵ (۴) ۱۷۰۵

- ۱۱- او می‌گوید: هم در زمینه هنر و هم در زمینه سیاست، نژاد آلمان سفلی در حکم نمک تمام زمین است زیرا این نژاد پاک‌ترین شاخه از تیره آریایی است؟

(۱) دوبولن ویلیه (۲) ژول لانگین (۳) دوگوبینو (۴) اسوالد اسپنگلر

- ۱۲- او در سال ۱۸۸۰ به دنیا آمد و در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ کتاب پرجمعی تحت عنوان «افول مغرب زمین» منتشر ساخت. (آزاد ۸۹)

(۱) گونتر (۲) چمبرلین (۳) گومپلویچ (۴) اسپنگلر

- ۱۳- کدام یک از روش‌های زیر به عنوان روش مناسب برای پژوهش در مورد الیت و مشخص کردن آن‌ها، از سوی نخبه‌گرایان معرفی شده‌اند؟ (آزاد ۹۰)

(۱) روش‌های متمرکز بر منصب، شهرت و تصمیم‌گیری

(۲) روش تأکید بر شناخت طبقات و مالکیت عوامل تولید

(۳) روش تأکید بر شأن اجتماعی

(۴) روش تأکید بر کارکرد اجزای مختلف سیستم سیاسی



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل هفتم

۱- گزینه «۴» به نظر آل‌وین تافلر در کتاب جابه‌جایی قدرت، مالکیت و دیگر منابع سنتی قدرت در جامعه فراصنعتی به تدریج جای خود را به دانایی به عنوان منبع جدید قدرت می‌دهند. مطابق استدلال تافلر، مدیران و فن‌سالاران به واسطه دانش و تخصص خود از مجرای آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها به مناصب خود می‌رسند، بنابراین مبنای آمریت آنها تخصص علمی است نه مالکیت اقتصادی. بدین‌سان مبانی مشروعیت و آمریت و اطاعت در جامعه فراصنعتی مدرن در حال تحول اساسی است.

۲- گزینه «۳» جنبش مک‌کارتیسم در ایالات متحده آمریکا مورد حمایت خرده‌بورژوازی آن کشور قرار داشت. حمایت از مک‌کارتی، بازتاب نارضایتی خرده‌بورژوازی (سرمایه‌داران کوچک و مغازه‌داران) از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. مک‌کارتیسم بیش از همه مورد حمایت خرده‌سرمایه‌داری قرار گرفت که می‌ترسیدند شأن و منزلت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود را در نتیجه‌ی فرآیند تمرکز سرمایه و پیدایش شرکت‌های انحصاری و گسترش دخالت دولت در اقتصاد از دست بدهند.

۳- گزینه «۳» به گفته لنین خرده‌بورژوازی با توجه به موقعیت خاص اقتصادی و اجتماعی‌اش همواره میان انقلاب و ضد انقلاب در نوسان خواهد بود. در مقابل، مارکس در مورد خرده‌بورژوازی استدلال می‌کند که ویژگی شاخص خرده‌بورژوازی نه کوشش برای الغای سرمایه یا کارمزدی، بلکه کوشش در جهت تخفیف تعارض و ایجاد هماهنگی میان آن دو است.

۴- گزینه «۱» در خصوص انقلاب ایران نظریات گوناگونی مطرح شده است. برخی مانند جان فوران، انقلاب ایران را با استفاده از تئوری توسعه وابسته بررسی می‌کنند. پرواند آبراهامیان از تئوری توسعه ناهمگون در بررسی انقلاب ایران استفاده می‌کند. نیکی کدی نیز در بررسی انقلاب ایران به توسعه اقتصادی و اقدامات محمدرضا شاه در راستای تحولات اقتصادی ایران اشاره می‌کند که باعث بروز انقلاب ایران شد.

۵- گزینه «۴» رایت میلز معتقد است که دولت در اقتصاد و صاحبان سرمایه‌های بزرگ در دولت دخالت می‌کنند.

۶- گزینه «۴» به نظر دارندورف جامعه صنعتی به اشتباه با جامعه سرمایه‌داری (گزینه‌های ۱ و ۲) یکسان تلقی می‌شود. اما این دو، مفاهیم مختلفی هستند، جامعه سرمایه‌داری، مفهومی اقتصادی است که قدرت اقتصادی در آن تعیین‌کننده قدرت سیاسی است؛ اما به نظر وی جامعه مدرن صنعتی از جهات بسیاری از حد جامعه سرمایه‌داری قدیم فراتر رفته است. جیمز برنهام نیز در سال ۱۹۴۰، کتابی با عنوان «انقلاب مدیریت» منتشر ساخت و در آن به گروه‌های جدید قدرت اشاره کرد که جای طبقه بورژوا (سرمایه‌دار) را در ساختار سیاسی جوامع صنعتی می‌گرفتند. او معتقد بود بورژوازی سرمایه‌دار که در قرن نوزدهم قدرت سیاسی را به عنوان طبقه مسلط در دست داشته به تدریج جای خود را به سازمان‌دهندگان و مدیران داده است. بنابراین طبق نظر جیمز برنهام و رالف دارندورف، قدرت‌یابی فزاینده و واقعی مدیران، ویژگی اصلی جامعه صنعتی مدرن از نیمه دوم سده ۲۰ به بعد است.

۷- گزینه «۲» گومپلویچ در سال ۱۸۸۱ کتاب مبارزه نژادها را منتشر کرد. وی در این کتاب معتقد است که در تمام ارگانیزم‌های سیاسی، دو طبقه رهبر وجود دارد که از دو نژاد مختلف هستند. این دو نژاد با نژاد سومی که همان توده مردم هستند، همراه‌اند و باید به همان حال باقی بمانند. طبقه حاکمه اول باید برتری سیاسی و نظامی را دارا باشد. حال آنکه طبقه حاکمه دوم باید صنایع و بازرگانی و امور بانکی را به خود اختصاص دهد.

۸- گزینه «۳» مفهوم الیت در کشورهای مختلف و سنت‌های سیاسی مختلف به معانی گوناگون به کار رفته است. چنانکه گئورگ لوکاچ معتقد بود موضوع الیت‌ها به ویژه در مفهوم اخلاقی و ارزشی آن بیشتر در کشورهایی مانند ایتالیا و آلمان مورد توجه بوده است که سنت دموکراتیک ضعیفی داشته‌اند. این‌گونه کشورها مفهوم الیت بودن موجب تحریک احساسات می‌شده و نظام‌های فاشیستی نیز از چنین مفهومی بهره می‌بردند.

۹- گزینه «۱» مفهوم الیت در کشورهای مختلف و سنت‌های سیاسی متفاوت، به معانی گوناگونی به کار رفته است. چنانکه گئورگ لوکاچ می‌گفت موضوع الیت‌ها به ویژه در مفهوم اخلاقی و ارزشی آن، بیشتر در کشورهایی مانند ایتالیا و آلمان مورد توجه بوده است که سنت‌های دموکراتیک ضعیفی داشته‌اند. در این‌گونه کشورها مفهوم الیت بودن موجب تحریک احساسات می‌شده و نظام‌های فاشیستی نیز از چنین مفهومی بهره برده‌اند. در حالی که در کشورهایی مانند فرانسه و انگلستان که دارای تجربه دموکراتیک زودرسی بودند، مفهوم الیت به معنایی که فاقد وجوه اخلاقی و ارزشی بوده، به کار رفته است.

۱۰- گزینه «۱» تجربه تاریخی نشان می‌دهد که میان علایق دنیوی و سیاسی با علایق دینی همواره تعارضاتی وجود دارد و در نتیجه در همه ادیان میان روحانیون یا پاسداران دین و صاحبان قدرت سیاسی، کشمکش‌هایی پدید آمده است. انقلاب علمی - صنعتی غرب و تحولات ناشی از آن، کشمکش میان دین و دنیا را دامن زد. مثلاً ویژگی ضد مذهبی انقلاب فرانسه از همان آغاز، شکافی میان کلیسای کاتولیک و جمهوری فرانسه ایجاد کرد، تا آنکه در سال ۱۹۰۵ کلیسا از سیاست کاملاً کنار رفت.

۱۱- گزینه «۲» لانگبن، نمونه حقیقی از آن متفکران آلمانی است که در آن‌ها دانش و عشق به وطن همراه با مقدار زیادی اشراق و الهام، باعث می‌شود تا حسن نیت آن‌ها اگر کاملاً زایل نشود، لاقلاً تا حدی از میان برود. وی معتقد بود که طبیعتاً هم در زمینه هنر و هم در زمینه سیاست، نژاد آلمان سفلی در حکم نمک تمام زمین است، زیرا این نژاد، پاک‌ترین شاخه از تیره آریایی است که کمتر از شاخه‌های دیگر با سایر اقوام آمیزش پیدا کرده است.

۱۲- گزینه «۴» اسوالد اسپنگلر که در سال ۱۸۸۰ متولد شد، در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۷ کتاب پر حجمی تحت عنوان «افول مغرب‌زمین» منتشر ساخت. همچنین او در سال ۱۹۲۲ رساله‌ای به نام «پروسیانیسم و سوسیالیسم» انتشار داد. نویسنده در این اثر می‌کوشد تا این مطلب را به اثبات برساند که تاریخ مللی که تمدنی را به وجود آورده‌اند، تابع قوانین جبری پایدار است و نویسنده طبیعتاً درصدد یافتن این قواعد برمی‌آید.

۱۳- گزینه «۱» از لحاظ شیوه پژوهش درباره الیت‌ها و تشخیص آن‌ها در جامعه به طور کلی سه روش به کار رفته است:

- ۱- روش تأکید بر مناصب رسمی که در آن، الیت کسی است که دارای مناصب رسمی برجسته در نهادهای سیاسی گوناگون است.
- ۲- روش تأکید بر شهرت که محقق در آن، گروهی از افراد مطلع مانند قضات و روزنامه‌نگاران را تشکیل می‌دهد و نظر آن‌ها درباره مردان صاحب‌قدرت را ملاک مشخص کردن الیت سیاسی قرار می‌دهد.
- ۳- روش تأکید بر تصمیم‌گیری که در آن، کسانی که عملاً در تصمیم‌گیری‌های عمده سیاسی شرکت دارند به عنوان الیت سیاسی تلقی می‌شوند.



فصل هشتم

«نقش نیروهای اجتماعی و بازیگران در زندگی سیاسی (۲)»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هشتم

- ۱- آلکسی دوتوکویل، کدام گروه را دارای توان و زمینه انقلابی شدن در جامعه آمریکا می‌داند؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) ارتش و سیاهان (۲) ارتش و رنگین‌پوستان (۳) سیاهان و مسلمانان (۴) گروه‌های شبه‌نظامی و فرقه‌گرایان
- ۲- زمینه اصلی گسترش نقش و دخالت ارتش در سیاست در کشورهای در حال توسعه کدام است؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) وقوع جنگ‌ها (۲) ضعف جامعه مدنی (۳) فقدان قانون اساسی (۴) سابقه دیرینه ارتش ملی
- ۳- کدام مورد از مصادیق گروه‌های فشار نهادی است؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) بازار (۲) ارتش (۳) سندیکا (۴) کانون وکلا
- ۴- نقش تلویزیون در جوامع مرفه به کدام یک از فرآیندهای زیر کمک می‌کند؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) تقویت احزاب سیاسی (۲) دیکتاتوری روشنفکری (۳) شخصی شدن قدرت (۴) تقویت گروه‌های ذی‌نفوذ
- ۵- کناره‌جویی روشنفکران از سیاست معمولاً تحت کدام شرایط رخ می‌دهد؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) گرایش جامعه به سوی فرهنگ مذهبی و سنتی (۲) فقدان فرصت عمل از نظر سیاسی به علت بسته بودن ساخت قدرت (۳) فقدان انگیزش برای شرکت در زندگی سیاسی (عوامل روانشناختی و فرهنگی) (۴) فقدان امکانات لازم (آموزش، اطلاعات، ارتباطات، سازمان و تشکل)
- ۶- سه نقش عمده روشنفکران در زندگی سیاسی عبارت‌اند از: (سراسری ۸۶)
- (۱) مبارزه با حکومت، بسیج مخالفان و نظریه‌پردازی (۲) نمایندگی طبقات اجتماعی، کار فکری و آرمان‌شهرسازی (۳) ایجاد ارزش‌های جدید سیاسی، پیشبرد سکولاریسم و ارائه راه‌حل برای مشکلات جامعه (۴) انتقاد از نظام سیاسی، مشارکت و دخالت در نظام سیاسی و انزوا و کناره‌گیری از زندگی سیاسی
- ۷- چه کسی «شکاف عمیق بین اقلیت روشنفکران متجدد و اکثریت توده‌های سنتی» را مانع عمده بر سر راه توسعه سیاسی در جوامع جهان سوم می‌داند؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) روستو (۲) شیلز (۳) دوویچ (۴) هانتینگتون
- ۸- کدام یک از گروه‌های زیر از شئون اجتماعی محسوب می‌شوند؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) سرمایه‌داران (۲) کارگران (۳) روشنفکران (۴) زمین‌داران
- ۹- در نظریه کدام اندیشمند، روشنفکران یک طبقه مستقل محسوب نمی‌شوند، بلکه ایدئولوگ‌های طبقات مختلف هستند؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) مانهایم (۲) وبر (۳) گرامشی (۴) لوکاچ
- ۱۰- مفهوم آنومی در تئوری جامعه‌شناسی دورکهایم (آزاد ۸۶)
- (۱) به معنای کم‌هنجاری است. (۲) به معنای هرج و مرج است. (۳) به معنای بی‌هنجاری است. (۴) به معنای ثبات اجتماعی است.
- ۱۱- از نظر دورکهایم مبنای نظم اجتماعی در اثر کدام یک از عوامل زیر است؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) عامل سیاسی (۲) عامل اقتصادی (۳) عامل اخلاقی (۴) عامل قدرت
- ۱۲- نمونه یک گروه ذی‌نفوذ سازمانی، است. (سراسری ۸۷)
- (۱) ارتش (۲) کارگران (۳) سندیکا (۴) دهقانان
- ۱۳- آغاز اعطای حق رأی به زنان در کشور سوئیس از چه سالی بود؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) ۱۸۹۹ (۲) ۱۹۱۹ (۳) ۱۹۴۰ (۴) ۱۹۷۱
- ۱۴- در پی زوال مرزبندی‌های طبقاتی جوامع مرفه بستر پیدایش گروه‌های سیاسی به کجا منتقل شد؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) سازمان‌های دولتی (۲) شهرهای بزرگ (۳) جنبش‌های کارگری (۴) دانشگاه‌ها و کالج‌ها



- ۱۵- مانهایم روشنفکران را چگونه تعریف و توصیف می‌کند؟
 (۱) نماینده بورژوازی
 (۲) گروهی شناور از حیث مواضع طبقاتی
 (۳) جزئی از طبقه کارگر
 (۴) نماینده طبقه متوسط قدیم
 (آزاد ۸۷)
- ۱۶- از نظر آیزنشتاد، دین کنفوسیوسی به چه چیز ختم می‌شود؟
 (۱) استبداد روشنفکری
 (۲) دموکراسی مشارکتی
 (۳) یک نظام سیاسی دینی
 (۴) تابعیت سیاست از مذهب
 (سراسری ۸۸)
- ۱۷- نیچه در سال ۱۸۸۵ کتابی تحت عنوان در چهل نسخه به چاپ رسانید.
 (۱) زرتشت چنین سخن می‌گفت.
 (۲) نژاد آریایی چنین سخن می‌گفت.
 (۳) پروتستان‌ها چنین سخن گفتند.
 (۴) نژاد ژرمن چنین سخن گفت.
 (آزاد ۸۸)
- ۱۸- به گفته لاسول آنچه قدرت را از نفوذ به طور کلی جدا می‌کند:
 (۱) تهدید اعمال اصل اجرا است.
 (۲) تهدید اعمال قانون اجرا است.
 (۳) تهدید اعمال حمایت اجرا است.
 (۴) تهدید اعمال ضمانت اجرا است.
 (آزاد ۸۸)
- ۱۹- در افکار او قدرت در علوم اجتماعی همان مفهوم انرژی در علم فیزیک را تداعی می‌کند.
 (۱) بورلاتسکی
 (۲) راسل
 (۳) دوورژه
 (۴) واینر
 (آزاد ۸۸)
- ۲۰- کارل مانهایم می‌گوید: حتی در جوامع مدرن آنچه موجب به قدرت رسیدن گروه حاکمه می‌گردد است.
 (۱) روابط خانوادگی، لیاقت و شایستگی فردی
 (۲) روابط اجتماعی، مالکیت و شایستگی فردی
 (۳) لیاقت، مالکیت و شایستگی فردی
 (۴) روابط خانوادگی، مالکیت و شایستگی فردی
 (آزاد ۸۸)
- ۲۱- نظریه بسیج منابع به وسیله چه شخصی توسعه بیشتری یافت؟
 (۱) مک کارتی
 (۲) کلمن
 (۳) واینر
 (۴) مارکس
 (آزاد ۸۸)
- ۲۲- پیچیده‌تر بودن انگیزه‌های دخالت ارتش در سیاست در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی ناشی از چیست؟
 (۱) نگرش خاص نظامیان
 (۲) ساخت ارتش
 (۳) پایگاه اجتماعی خاص ارتش
 (۴) حساسیت خاص نظامیان نسبت به منافع و امنیت ملی
 (سراسری ۸۹)
- ۲۳- کارل مانهایم این انتقاد را وارد کرده که حتی در جوامع مدرن آنچه موجب به قدرت رسیدن گروه حاکمه می‌گردد ترکیبی از:
 (۱) روابط خانوادگی، ثروت و شایستگی فردی است.
 (۲) روابط خانوادگی، مالکیت و شایستگی فردی است.
 (۳) روابط خانوادگی، قدرت و شایستگی فردی است.
 (۴) روابط خانوادگی، مشروعیت و شایستگی فردی است.
 (آزاد ۸۹)
- ۲۴- شاید بتوان گفت که مسلط‌ترین نگرش در جامعه‌شناسی معاصر در غرب نگرش اصالت کارکرد است که ریشه‌های فکری آن نخست در اندیشه به وجود آمد.
 (۱) تالکوت پارسونز
 (۲) رابرت دال
 (۳) میشل فوکو
 (۴) امیل دورکهایم
 (آزاد ۸۹)
- ۲۵- کتابی تحت عنوان «زرتشت چنین سخن می‌گفت» مربوط به کدام یک از دانشمندان زیر است؟
 (۱) فیخته
 (۲) تراپچکه
 (۳) نیچه
 (۴) لانگبن
 (آزاد ۸۹)
- ۲۶- اولین اشاره به رسالت ویژه یک ملت معین و به ویژه به ملت آلمان در کتابی به نام «گفتارهایی با ملت آلمان» به وقوع پیوست. این کتاب اثر کیست؟
 (۱) سی‌یس
 (۲) کارل لایب
 (۳) فیخته
 (۴) هگل
 (آزاد ۸۹)
- ۲۷- او در بین سال‌های ۱۸۵۳ و ۱۸۵۵ کتاب چهار جلدی خود را به نام «بررسی درباره نابرابری نژادی انسان» منتشر کرد.
 (۱) دوگوبینو
 (۲) سی‌یس
 (۳) لانگبن
 (۴) اشپنلگر
 (آزاد ۸۹)
- ۲۸- کدام یک از گزینه‌های زیر نقطه ضعف نگرش جامعه‌شناسی سیاسی فونکسیونالیستی (کارکردی) محسوب نمی‌شود و به آن مربوط نیست؟
 (۱) این نگرش پدیده‌های اجتماعی را با نگاهی مکانیکی مورد بررسی قرار می‌دهد.
 (۲) ویژگی اساسی جامعه‌شناسی فونکسیونالیستی تجزیه جامعه به اجزای مختلف و تشخیص منافع طبقات عمده موجود در آن است.
 (۳) جامعه‌شناسی سیاسی کارکردی انتزاعی است و به واقعیت عینی و ساخت منافع مستقر در جامعه بی‌توجه است.
 (۴) مفروض نگرش اصالت کارکرد، احراز عقلانی نقش‌ها از سوی افراد در سیستم اجتماعی است.
 (آزاد ۹۰)



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل هشتم

۱- گزینه «۴» آلکسی دوتوکویل گروه‌های شبه نظامی و فرقه‌گرایان را دارای توان و زمینه انقلابی شدن در جامعه آمریکا می‌داند.

۲- گزینه «۲» در کشورهای در حال توسعه به علت ضعف مشروعیت سیاسی و جامعه مدنی و عدم گسترش احزاب سیاسی، مداخله مستقیم ارتش در سیاست گسترده بوده است. در این کشورها ارتش به‌عنوان سازمان‌یافته‌ترین نیروی سیاسی به جای احزاب و نهادهای سیاسی دیگر عمل کرده است.

۳- گزینه «۲» ارتش از مصادیق گروه فشار نهادی است. سندیکا و کانون وکلا از گروه‌های فشار غیرنهادی محسوب می‌شوند. بازار (گزینه ۱) نیز به عنوان یک گروه فشار (نهادی یا غیر نهادی) تلقی نمی‌شود.

گروه فشار، متشکل از افرادی است که برای کسب منافع اقتصادی یا عقیدتی، می‌کوشند بر قدرت سیاسی اعمال نفوذ کنند و تصمیمات دولت را در جهت منافع خود تحت تأثیر قرار دهند.

۴- گزینه «۳» تلویزیون به فرآیند شخصی شدن قدرت کمک می‌کند، زیرا تلویزیون رابطه بازیگر سیاسی با جامعه را بدون وساطت تشکلهای کلاسیک و نهادهای سیاسی به گونه‌ای مستقیم برقرار می‌کند. بنابراین تلویزیون می‌تواند احزاب سیاسی و گروه‌های نفوذ و سایر تشکلهای مدنی مستقل از قدرت را دور زده و از این طریق رابطه‌ای مستقیم میان توده‌ها و سیاست ایجاد کند و بازیگر سیاسی می‌تواند از این طریق درجاتی از قدرت شخصی شده را به نمایش بگذارد.

۵- گزینه «۲» به‌طور کلی دلایل کناره‌جویی از سیاست عبارت‌اند از: گرایش جامعه به سوی فرهنگ مذهبی و سنتی، فقدان انگیزش برای شرکت در زندگی سیاسی (عوامل روانشناختی و فرهنگی) و فقدان امکانات لازم (آموزش، اطلاعات، ارتباطات، سازمان و تشکل). ولی کناره‌جویی روشنفکران از سیاست در شرایط فقدان فرصت عمل از نظر سیاسی به علت بسته بودن ساخت قدرت رخ می‌دهد.

۶- گزینه «۴» به‌طور کلی می‌توان گفت: روشنفکران سه نقش عمده در زندگی سیاسی ایفا می‌کنند:

(۱) انتقاد از نظام سیاسی (۲) مشارکت و دخالت در آن (۳) انزوا و کناره‌گیری از زندگی سیاسی.

۷- گزینه «۲» به نظر ادوارد شیلز شکاف عمیق بین اقلیت روشنفکران متجدد و اکثریت توده‌های سنتی مانع عمده بر سر راه توسعه سیاسی در جهان سوم است. هانتینگتون مسئله اصلی جوامع در حال توسعه را فقدان حکومت‌های با ثبات و فقدان نظام‌های سیاسی نهادمند می‌داند. روستو نیز به یک مدل پنج مرحله‌ای برای ارتقای نوسازی در جهان سوم معتقد است.

۸- گزینه «۳» سایر گزینه‌ها نه شئون بلکه طبقات اجتماعی محسوب می‌شوند. طبقات اجتماعی در تعریف مارکسیستی دارای جایگاه و وضع مشترکی در شیوه تولید هستند، به عبارت دیگر، طبقه یک مفهوم اقتصادی است. بنابراین روشنفکران از شئون اجتماعی محسوب می‌شوند.

۹- گزینه «۱» به اعتقاد مانهایم، روشنفکران خود یک طبقه نیستند، بلکه ایدئولوگ‌های طبقات و نیروهای مختلف اجتماعی هستند. با این حال به نظر مانهایم روشنفکران مدرن به طور بالقوه توانایی فرا رفتن از علایق طبقاتی خود را دارند و از این رو ممکن است به طور نسبی از علایق طبقاتی مستقل شوند. در مقابل، آنتونیو گرامشی استدلال می‌کند که روابط پیچیده‌ای میان روشنفکران و طبقات اجتماعی وجود دارد. به نظر او هر طبقه اجتماعی به مقتضیات موقعیت اقتصادی خویش، یک یا چند دسته از روشنفکران ارگانیک خود را ایجاد می‌کند.

۱۰- گزینه «۳» از نظر دورکیم حرکت اصلی جامعه از همبستگی ابزارگونه به همبستگی اندام‌وار است. افزایش پیچیدگی و تقسیم کار اجتماعی موجب ثبات و همبستگی می‌شود. اما وی معتقد است که جامعه همواره از همبستگی مطلوب برخوردار نیست و در فرآیند گذار همبستگی ابزاری به همبستگی اندام‌وار، حالتی از گسیختگی و بی‌هنجاری و فقدان همبستگی پیش می‌آید که دورکیم آن را «آنومی» می‌خواند.

۱۱- گزینه «۱» اینکه کدام یک از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... مبنای نظم جامعه است، یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. افراد مهمی مانند مارکس، پارسونز، وبر و دورکیم در این خصوص بحث کرده‌اند. در این میان، کارل مارکس و پارسونز معتقدند که عامل اقتصادی مبنای نظم اجتماعی است، اما ماکس وبر و دورکیم عامل سیاسی را تعیین‌کننده نظم جامعه می‌دانند.

۱۲- گزینه «۱» گروه ذی‌نفوذ عبارت است از: سازمانی که برای دفاع از منافع خود دست به اعمال فشار بر قدرت عمومی و دولتی می‌زند تا تصمیمات آن‌ها را با منافع خود همراه سازد. از مهم‌ترین تفاوت‌های ارتش با سایر گروه‌های سیاسی (غیر نظامی) نظیر احزاب و سندیکاها (گزینه ۳)، سازمان داخلی یکپارچه و منسجم آن است که به‌صورت سازمان یافته عمل می‌کند. کارگران و دهقانان، طبقه اجتماعی محسوب شده و به خودی خود گروه ذی‌نفوذ به‌شمار نمی‌روند.

۱۳- گزینه «۴» آغاز اعطای حق رأی به زنان در کشور سوئیس از سال ۱۹۷۱ بود. در انگلستان؛ سال ۱۹۱۸، در امریکا؛ سال ۱۹۲۰، در ایتالیا؛ سال ۱۹۲۵ و در فرانسه؛ سال ۱۹۴۴ حق رأی سیاسی زنان مورد شناسایی قرار گرفت.

۱۴- گزینه «۴» در پی زوال شکاف طبقاتی در جوامع مرفه، دیگر گروه‌های سیاسی به منظور پیگیری منافع اقتصادی - اجتماعی مانند سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در صحنه سیاست حاضر نشدند، مانند جنبش‌های کارگری و دهقانی، بنابراین بستر پیدایش گروه‌های سیاسی به دانشگاه‌ها منتقل شد.

۱۵- گزینه «۲» کارل مانهایم، جامعه‌شناس آلمانی در کتاب ایدئولوژی و یوتوپیا در زمینه رابطه روشنفکران با طبقات اجتماعی به ویژه در رابطه با جنبش‌های محافظه‌کاری مدرن توضیح می‌دهد: از آنجا که روشنفکران از درون پایگاه‌های اجتماعی گوناگونی برمی‌خیزند، از نظر اجتماعی و فکری شناور هستند.

۱۶- گزینه «۱» به اعتقاد آیزنشتاد فرهنگ کنفوسیوسی که در آن همه چیز این‌جهانی فرض شده، سببی برای شکل‌گیری یک گروه نخبه مذهبی وجود ندارد، در نتیجه قدرت سیاسی از استقلال کامل از مذهب برخوردار است و نهایتاً به **استبداد روشنفکری** ختم می‌شود؛ بر خلاف گزینه‌های ۳ و ۴.

۱۷- گزینه «۱» کتاب «چنین گفت زرتشت» طی سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۵ توسط نیچه منتشر شد. وی در این کتاب، نظریه انسان برتر را که قبلاً به وسیله کارلایل مطرح شده بود، مورد شرح و تفسیر قرار داد. نیچه آثار دیگری نیز دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «فراسوی نیک و بد» اشاره کرد. در این کتاب این نظریه مطرح شده است که قهرمانان یا انسان‌های برتر باید از قیود اخلاقی رها شوند.

۱۸- گزینه «۴» از نظر فرآیند سیاسی می‌توان قدرت سیاسی را به قدرت اجتماعی و قدرت دولتی تقسیم کرد. نفوذ، فشار، اعتبار و منزلت از اشکال قدرت اجتماعی هستند. قدرت دولتی، قدرتی دارای ضمانت اجرای روشن است که مبتنی بر توانایی اعمال زور و اجبار دستگاه حکومت است. تنها حکومت، قدرت دولتی اعمال می‌کند، مجازات تعیین می‌کند و خود را نماینده کل جامعه می‌داند. به گفته هارولد لاسول آنچه قدرت را به‌طور کلی از نفوذ جدا می‌کند، تهدید اعمال ضمانت اجراست.

۱۹- گزینه «۲» برتراند راسل معتقد است که قوانین علم حرکات جامعه، قوانینی هستند که فقط بر حسب قدرت قابل تبیین هستند نه بر حسب این یا آن شکل از قدرت. در افکار راسل قدرت در علوم اجتماعی، همان مفهوم انرژی در علم فیزیک را تداعی می‌کند. او معتقد است که قدرت مانند انرژی، اشکال گوناگون دارد مانند نفوذ معنوی، مقام و اقتدار ناشی از شکل و موقعیت اجتماعی، ثروت سلاح و غیره. وی بر کسانی که اقتصاد را منشأ قدرت می‌دانند، می‌تازد و مدعی است که بین قدرت‌های مختلف در جامعه، رابطه علت و معلولی وجود دارد.

۲۰- گزینه «۴» برخی از صاحب‌نظران مانند کارل مانهایم این انتقاد را به نظریه نخبه‌گرایی وارد کرده‌اند که حتی در جوامع مدرن آنچه موجب به قدرت رسیدن گروه حاکمه می‌شود، ترکیبی از روابط خانوادگی، مالکیت و شایستگی فردی است. گائتانو موسکا هم می‌گفت که طبقات حاکمه در عمل، موروثی می‌شوند. بنابراین حتی در جوامع مدرن نیز امتیازات مربوط به حسب و نسب تداوم می‌یابند.

۲۱- گزینه «۱» نظریه بسیج منابع به وسیله دو جامعه‌شناس به نام‌های مایر زالد و جان مک کارتی توسعه بیشتری یافت. آن‌ها اولین کسانی بودند که این اصطلاح را طرح کردند و عقاید بسیاری را پروردند که برنامه تحقیقات تجربی که تحت تأثیر این نظریه انجام گرفت، بر مبنای آن‌ها قرار داشت. مایر زالد و جان مک کارتی مخصوصاً بر سازمان‌های جنبش‌های اجتماعی تمرکز کرده‌اند و معتقدند که تقویت چنین سازمان‌هایی باعث رشد بی‌سابقه جنبش‌های اجتماعی در دهه ۱۹۶۰ شد.

۲۲- گزینه «۲» انگیزه‌های دخالت ارتش در سیاست، پیچیده‌تر از انگیزه‌های گروه‌های دیگر مثل اتحادیه‌های کارگری یا کارفرمایی برای دخالت در حیات سیاسی است، دلیل این پیچیدگی را باید در ساخت ارتش جست.

ارتش طبعاً طبقه، قشر، گروه اجتماعی یا گروه حرفه‌ای داوطلبانه‌ای نیست، بلکه جزئی از بروکراسی دولتی به معنی وسیع است و در عین حال درون خود متأثر از علایق گوناگون اجتماعی است. معمولاً ارتش در همه جا علت دخالت خود در زندگی سیاسی را حمایت و دفاع از منافع عمومی و امنیت ملی اعلام می‌دارد (گزینه ۴)، ولیکن این دخالت موقتی است و پس از دفع خطر، ارتش قدرت را دوباره به غیر نظامیان خواهد سپرد.

۲۳- گزینه «۲» برخی از صاحب‌نظران مانند کارل مانهایم این انتقاد را به نظریه الیستی وارد کرده‌اند که حتی در جوامع مدرن آنچه موجب به قدرت رسیدن گروه حاکمه می‌شود ترکیبی از روابط خانوادگی، مالکیت و شایستگی فردی است. در این خصوص، گائتانو موسکا هم می‌گفت که همه طبقات حاکم در عمل، موروثی می‌شوند. بنابراین حتی در جوامع مدرن نیز امتیازات مربوط به حسب و نسب تداوم می‌یابند.

۲۴- گزینه «۴» شاید بتواند گفت که مسلط‌ترین نگرش در جامعه‌شناسی معاصر در غرب، نگرش اصالت کارکرد یا فونکسیونالیسم است که ریشه‌های فکری آن نخست به امیل دورکهایم و سپس به تالکوت پارسونز بازمی‌گردد. در این نگرش، فرض بر آن است که کل جامعه همانند سیستمی است که مرکب از بخش‌های مختلفی است و هر بخش کارویژه‌ها و وظایف خاص خود را انجام می‌دهد. بین اجزای این سیستم روابط مکمل و متقابل وجود دارد. هر سیستم مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است که درون محیط خاصی عمل می‌کنند.

۲۵- گزینه «۳» کتاب «چنین گفت زرتشت» در سال ۱۸۸۵ در چهل نسخه توسط نیچه به چاپ رسید. وی در این کتاب نظریه انسان برتر را که قبلاً توسط توماس کارلایل مطرح شده بود، مورد شرح و تفسیر قرار داد. نیچه آثار دیگری نیز دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «فراسوی نیک و بد» اشاره کرد. نیچه در این کتاب این نظر را مطرح کرده است که قهرمانان یا انسان‌های برتر باید از قیود اخلاقی رها شوند.

۲۶- گزینه «۳» اولین اشاره به رسالت ویژه یک ملت معین و بالاخص به ملت آلمان، در اوایل قرن نوزدهم در کتابی به نام «گفتارهایی با ملت آلمان» اثر فیخته به ظهور پیوست که در سال ۱۸۰۸ به چاپ رسید. مؤلف در این کتاب کوشیده است تا حس اعتماد به نفسی را که در نتیجه شکست و شکست نظام‌های پروس از ناپلئون از ملت آلمان سلب شده بود، به هم‌میهنان خود بازگرداند.

۲۷- گزینه «۱» آرتور دوگوبینو در بین سال‌های ۱۸۵۳ و ۱۸۵۵ کتاب چهار جلدی خود را تحت عنوان «بررسی درباره نابرابری نژادی انسان» به چاپ رسانید. وی در این کتاب بر این نظر است که نژاد سفید به علت شجاعت، انرژی و هوشیاری‌اش، نژاد برتر است. ولی این نژاد هیچ وقت نتوانسته است از امتزاجش با زردپوستان و سیاه‌پوستان احتراز کند. پاک‌ترین و خالص‌ترین سفیدپوستان، نژاد آریایی هستند و در میان تمام ملت‌های آریایی، آن که از همه کمتر با دیگران آمیزش پیدا کرده است شاخه ژرمانیک است.

۲۸- گزینه «۲» در نقد دیدگاه اصالت کارکرد می‌توان گفت که مفاهیم اساسی این دیدگاه از علوم مکانیکی اتخاذ شده‌اند. در نتیجه، این دیدگاه آشکارا تمایل دارد تا پدیده‌های اجتماعی را همانند پدیده‌های طبیعی و عینی خالی از عنصر ذهنیت، معنی و ارزش در نظر بگیرد. همچنین نگرش اصالت کارکرد سیستم اجتماعی را مجموعه‌ای عقلانی فرض می‌کند که مبتنی بر رفتارها و نگرش‌های عقلانی کسانی است که نقش‌های مختلف را احراز می‌کنند. به علاوه، جامعه‌شناسی کارکردی با توجه به خصلت انتزاعی آن به ساخت منافع و علایق مستقر بی‌توجه است. از این نظر، نگرش اصالت کارکرد در نقطه مقابل نگرش منازعه اجتماعی به طور کلی قرار می‌گیرد.

فصل نهم

«پایگاه اجتماعی دولت‌ها و انواع رژیم‌های سیاسی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل نهم

- کله ۱- واژه فاشیسم از لفظ ایتالیایی «Fascio»، به معنی گرفته شده است. (سراسری ۸۱)
- (۱) دسته (۲) افراط (۳) سلطه (۴) همبستگی
- کله ۲- نظام دو حزبی با کدام یک از نظام‌های انتخاباتی نسبت نزدیک‌تری دارد؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) نظام اکثریتی (۲) نمایندگی نسبی (۳) نمایندگی نیمه‌تناسبی (۴) هیچ‌کدام
- کله ۳- دولت‌ستایی، نژادپرستی، نخبه‌گرایی، گذشته‌گرایی و بسیج توده‌ای از ویژگی‌های کدام‌یک از نظام‌های زیر می‌باشد؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) سوسیالیسم (۲) دموکراسی (۳) لیبرالیسم (۴) فاشیسم
- کله ۴- دو عامل مهم در شکل‌گیری نظام‌های دو حزبی در کشورهای آنگلو ساکسون عبارتند از: (سراسری ۸۲)
- (۱) نظام انتخاباتی اکثریتی و تک‌شکافی فعال (۲) نظام انتخاباتی تناسبی و تک‌شکافی متراکم
(۳) نظام انتخاباتی اکثریتی و دو شکافی متراکم (۴) نظام انتخاباتی اکثریتی و دو شکافی متوازی
- کله ۵- کدام طبقه اجتماعی را می‌توان متحدهان بالقوه فاشیسم مطرح کرد؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) کارگر (۲) سرمایه‌دار (۳) روشنفکران (۴) خرده‌بورژوازی
- کله ۶- شکل‌گیری نظام‌های چند حزبی معلول: (سراسری ۸۳)
- (۱) نظام انتخاباتی تناسبی و شکاف واحد است. (۲) نظام انتخاباتی تناسبی و شکاف‌های متعدد است.
(۳) نظام انتخاباتی اکثریتی و شکاف واحد است. (۴) نظام انتخاباتی اکثریتی و شکاف متعدد است.
- کله ۷- در نظام‌های محافظه‌کار، ساخت قدرت، و دولت برای انجام تغییرات مداخله (سراسری ۸۳)
- (۱) دو جانبه - می‌کند. (۲) یک‌جانبه - می‌کند. (۳) دو جانبه - نمی‌کند. (۴) یک‌جانبه - نمی‌کند.
- کله ۸- جوامع دارای متوسط عمر بالاتر دارای گرایشات هستند. (سراسری ۸۳)
- (۱) رادیکال (۲) دموکراتیک (۳) سوسیالیستی (۴) محافظه‌کارانه
- کله ۹- کدام یک از نظام‌های زیر دارای ساختار قدرت دوجانبه و تمایل به مداخله دولت در تغییرات اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) لیبرال دموکراسی (۲) سوسیال دموکراسی (۳) محافظه‌کاری (۴) فاشیسم
- کله ۱۰- از نظر اقتصادی طرفدار سرمایه‌داری کوچک و صنفی و مخالف گرایشات برابرطلبانه سوسیالیسم می‌باشد. (سراسری ۸۵)
- (۱) کمونیسم (۲) لیبرالیسم (۳) فاشیسم (۴) دولت رفاهی
- کله ۱۱- در رژیم‌های فاشیست گزینش اداری یا سیاسی بر پایه صورت می‌گیرد. (سراسری ۸۷)
- (۱) شجاعت و وفاداری (۲) مردمی بودن و کارکرد (۳) عقلانیت و اطاعت (۴) تخصص و استقلال فردی
- کله ۱۲- از نظر «اریک فروم» علت اصلی گرایش توده‌های مردمی به فاشیسم، بیش از حد بود. (سراسری ۸۸)
- (۱) آزادی (۲) محدودیت (۳) تنهایی (۴) لذت
- کله ۱۳- حکومت نجاست که هر یک در قلمرو، حوزه یا منطقه‌ای از کشور فرمانروایی دارد: (آزاد ۸۸)
- (۱) اشرافی (۲) نخبگان (۳) متنفذین (۴) ملوک الطوائفی
- کله ۱۴- شرایط پیدایش جنبش‌های تمامیت‌خواه یا توتالیتار است، کدام است؟ (سراسری ۸۹)
- (۱) در جامعه توده‌وار گریزان از آزادی و هراسان از تهاجم سرمایه‌داری بزرگ شکل می‌گیرد.
(۲) در جوامع در حال توسعه با نیازهای شدید به وحدت معنا صورت می‌گیرد.
(۳) در جامعه کاملاً سنتی با اقتصاد توسعه‌نیافته و گریزان از آزادی شکل می‌گیرد.
(۴) در جامعه صنعتی پیشرفته در پاسخ به شورش طبقه کارگر صورت می‌گیرد.



کج ۱۵- در تقسیم‌بندی رژیم‌های سیاسی براساس «ساخت قدرت و میزان دخالت دولت» کدام یک از رژیم‌های زیر جزء رژیم‌های «راست دموکراتیک» به حساب نمی‌آید؟

(آزاد ۹۰)

- (۱) دولت پوپولیستی (۲) دولت لیبرال دموکراتیک (۳) دولت محافظه‌کار (۴) دولت رفاهی

کج ۱۶- محور اصلی اغلب نظریه‌های اجتماعی در خصوص علت پیدایش جنبش‌ها و رژیم‌های فاشیستی کدام گزینه است؟

(آزاد ۹۰)

- (۱) گسترش و رسوخ اندیشه‌های لیبرال در جوامع (۲) ظهور اتحاد جماهیر شوروی (۳) نهادینه شدن دموکراسی و تفکر دموکراتیک در جوامع (۴) فروپاشی همبستگی سنتی و توده‌ای شدن جوامع

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل نهم

۱- گزینه «۱» واژه فاشیسم از لفظ ایتالیایی (Fascio) به معنی دسته و مجموعه گرفته شده است.

۲- گزینه «۱» نظام انتخاباتی اکثریتی به شکل‌گیری نظام‌های دو حزبی و نظام انتخاباتی نمایندگی نسبی به شکل‌گیری نظام‌های چند حزبی می‌انجامد. بنابراین نظام دو حزبی با نظام اکثریتی نسبت نزدیک‌تری دارد. در نظام دو حزبی چون همه وزیران از یک حزب (حزب اکثریت) هستند، کابینه‌های با ثباتی تشکیل می‌شود. ثبات حکومت نیز کارایی اداری و استمرار سیاست را در کشور تأمین می‌کند.

۳- گزینه «۴» فاشیسم به مفهوم تاریخی آن که در فاصله دو جنگ جهانی در بسیاری از کشورهای اروپایی ظاهر شد، ترکیبی از ناسیونالیسم افراطی، امپریالیسم، ضدیت با سنت عقلی و روشنفکری، عمل‌گرایی، دولت‌ستایی، نژادپرستی، قدرت‌پرستی، نخبه‌گرایی، بسیج توده‌ای، جنگ‌طلبی، رهبر پروری، محافظه‌کاری، دهقان‌گرایی، رادیکالیسم خرده‌بورژوازی و سنت‌گرایی بود. در سوسیالیسم، دولت کارگزار بسیاری از امور اجتماعی و اقتصادی است و وسیله‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی محسوب می‌شود، لیکن همچون فاشیسم به‌عنوان هدفی در خود ستایش نمی‌شود. سوسیالیسم و دموکراسی با ویژگی‌هایی نظیر عقلانیت، فردگرایی و آزادی‌های اجتماعی - سیاسی در نقطه مقابل فاشیسم قرار دارند.

۴- گزینه «۱» عوامل مهم در شکل‌گیری نظام‌های دو حزبی در کشورهای آنگلو ساکسون، نظام انتخابی اکثریتی و جوامع تک‌شکافی فعال است. در مقابل، نظام انتخاباتی تناسبی به شکل‌گیری نظام چند حزبی می‌انجامد. همچنین شکاف‌های مترکم و دوشکافی متوازی به معنی وجود علایق و سلايق گوناگون سیاسی، اقتصادی، صنفی، فرهنگی و ... در یک جامعه هستند. بنابراین در این جوامع، پتانسیل شکل‌گیری گروه‌ها و احزاب مختلف و متعدد وجود دارد که نتیجه آن شکل‌گیری نظام‌های چند حزبی است.

۵- گزینه «۴» اصولاً پایگاه اجتماعی فاشیسم، طبقات سنتی رو به افول (دهقانان، خرده‌بورژوازی و اشراف) هستند که از فرآیند نوسازی و مدرنیسم آسیب دیده‌اند و در مقابل مظاهر گوناگون آن از خود واکنش نشان می‌دهند. واکنش این طبقات نسبت به فشارهای ناشی از صنعتی شدن با احساس دل‌تنگی برای جامعه سنتی همراه است. از طرفی جنبش فاشیسم، جنبشی ضد سرمایه‌داری است. بنابراین طبقات سرمایه‌دار نمی‌توانند متحد فاشیسم محسوب شوند. در مورد گزینه ۳ ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که روشنفکران به خودی خود طبقه محسوب نمی‌شوند، بنابراین خرده‌بورژوازی از متحدان بالقوه فاشیسم به حساب می‌آید.

۶- گزینه «۲» نظام انتخاباتی اکثریتی به شکل‌گیری نظام دو حزبی می‌انجامد. همچنین احتمال شکل‌گیری گروه‌های متعدد و مختلف و شکل‌گیری احزاب در ارتباط با منافع و علایق این گروه‌ها به طبع در جوامعی که دارای شکاف‌های متعدد هستند، بیشتر است. در نتیجه، شکل‌گیری نظام چند حزبی معلول نظام انتخاباتی تناسبی و شکاف‌های متعدد است.

۷- گزینه «۲» از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی، ساخت قدرت بر دو نوع است: یکی ساخت قدرت یک‌جانبه و دیگری ساخت قدرت دو جانبه. در ساخت قدرت یک‌جانبه، قدرت سیاسی مشروعیت خود را از منابعی غیر از جامعه (مردم) به دست می‌آورد و در نتیجه، نهادهایی برای مشارکت گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی وجود ندارد. در مقابل در ساخت قدرت دو جانبه، منبع مشروعیت قدرت سیاسی به نحوی ناشی از جامعه تلقی می‌شود و در نتیجه، نهادهایی برای مشارکت دست کم بخش‌هایی از جامعه و گروه‌های اجتماعی در سیاست وجود دارد. طبقه‌بندی رژیم‌های سیاسی به چپ یا راست بودن به میزان دخالت دولت در تغییر جامعه مربوط می‌شود. رژیم‌های چپ، رژیم‌هایی هستند که از میزان تغییر در ساخت اقتصادی و اجتماعی حمایت می‌کنند، هدف از این تغییر دستیابی به وضعیتی عادلانه‌تر است. در مقابل، رژیم‌های راست‌گرا وضع موجود جامعه و نظام امتیازات اجتماعی مستقر را به عنوان امری مطلوب و طبیعی یا تغییرناپذیر تلقی می‌کنند، همانند: ایدئولوژی محافظه‌کاری که بر ضرورت حفظ سنت‌ها در فرآیند تحول جامعه تأکید دارد.

۸- گزینه «۴» در کشورهای توسعه‌یافته که زندگی طولانی و میزان زاد و ولد پایین است، تعداد پیران نسبت به جوانان بیشتر است و پیران به نظم موجود، دلبسته و لذا محافظه‌کارترند. در مقابل، جوامع دارای جمعیت جوان دارای گرایش‌های رادیکال هستند.

۹- گزینه «۲» از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی، ساخت قدرت بر دو نوع است: یکی ساخت قدرت یک‌جانبه و دیگری ساخت قدرت دو جانبه. در ساخت قدرت یک‌جانبه، قدرت سیاسی مشروعیت خود را از منابعی غیر از جامعه (مردم) به دست می‌آورد و در نتیجه، نهادهایی برای مشارکت گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی وجود ندارد. در مقابل در ساخت قدرت دو جانبه، منبع مشروعیت قدرت سیاسی به نحوی ناشی از جامعه تلقی

می‌شود و در نتیجه، نهادهایی برای مشارکت دست کم بخش‌هایی از جامعه و گروه‌های اجتماعی در سیاست وجود دارد. طبقه‌بندی رژیم‌های سیاسی به چپ یا راست بودن به میزان دخالت دولت در تغییر جامعه مربوط می‌شود. رژیم‌های چپ، رژیم‌هایی هستند که از میزانی تغییر در ساخت اقتصادی و اجتماعی حمایت می‌کنند. هدف از این تغییر دستیابی به وضعیتی عادلانه‌تر است. در مقابل رژیم‌های راست‌گرا وضع موجود جامعه و نظام امتیازات اجتماعی مستقر را به عنوان امری مطلوب و طبیعی و یا تغییرناپذیر تلقی می‌کنند. در رژیم لیبرال دموکراسی، ساخت قدرت دو جانبه همراه با عدم مداخله دولت، در سوسیال دموکراسی، ساخت قدرت دو جانبه همراه با مداخله دولت در تغییرات اقتصادی و اجتماعی و در رژیم‌های فاشیستی، ساخت قدرت یک‌جانبه همراه با عدم مداخله دولت است.

۱۰- گزینه «۳» اصولاً لیبرالیسم، محصول ایدئولوژی سرمایه‌داری است. کمونیسم و دولت رفاهی نیز بر گرایش‌های برابری طلبانه سوسیالیسم تأکید دارند. فاشیسم به عنوان یک گرایش کلی در سیاست در مورد جنبش‌های افراطی، راست اقتدارطلب، ضد سرمایه‌داری بزرگ، ضد دموکراتیک، ضد لیبرال، ضد مدرنیسم، ضد سوسیالیسم، ضد آناشیسیم، ضد مارکسیسم و گذشته‌گرا به کار برده می‌شود که به تشکیل نظام‌های سیاسی اقتدارطلب یا توتالیتر می‌انجامد. در واقع آرمان اقتصادی فاشیسم معطوف به نظام سرمایه‌داری کوچک و صنفی است که در آن کارگر، کارفرمای خود هم است. گرایش ضد سرمایه‌دارانه جنبش فاشیستی از موضعی ماقبل سرمایه‌داری ناشی می‌شود و از همین رو همواره با گرایش‌های برابری طلبانه سوسیالیسم مخالف است.

۱۱- گزینه «۱» در رژیم فاشیست، گزینش اداری و سیاسی بر پایه شجاعت و وفاداری صورت می‌گیرد. در این نظام‌ها کارگزاران بر حسب میزان ارادت و خلوص نسبت به جنبش و رهبر انتخاب می‌شوند. در مورد گزینه ۳ ذکر این نکته ضروری است که هر چند ایدئولوژی فاشیسم بر مقوله اطاعت و انضباط فرد تأکید دارد، در عین حال ضدیت با عقلانیت نیز از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. تخصص و استقلال فردی نیز از ویژگی‌های رژیم‌های لیبرال بشمار می‌رود.

۱۲- گزینه «۳» به نظر اریک فروم انسان متجدد، آزاد، اما تنهاست و مذهبی اختیار کرده که با تنهایی او سازگار است. پروتستانتیسم وساطت کلیسا را از میان برد و فرد را یکسره با عالم لاهوت مرتبط ساخت، اما غم گذشته هیچگاه دامن این انسان آزاد را رها نکرد. چنین بود که در خروج حرکت فاشیسم بازگشتی به گذشته و خروج از تنهایی را احساس کرد و به آن پیوست. بنابراین از دید فروم علت اصلی گرایش توده‌های مردمی به فاشیسم، تنهایی بیش از حد بود.

۱۳- گزینه «۴» در تعریف حکومت ملوک‌الطوایفی گفته‌اند که این نوع حکومت، حکومت نجبا است که هر کدام در یک قلمرو، حوزه یا منطقه‌ای از کشور فرمانروایی می‌کنند. این نوع حکومت امروزه وجود ندارد و بیشتر مربوط به گذشته بوده است.

۱۴- گزینه «۱» در جامعه توده‌وار طبقات متوسط در حال افول در فرآیند نوسازی، امنیت و آرامش مألوف خود را از دست می‌دهند و از آزادی‌هایی که جامعه مدرن به همراه می‌آورد، گریزانند. اریش فروم در کتاب «گریز از آزادی»، فاشیسم را ناشی از فشارهای روانی مدرنیسم و سرمایه‌داری می‌داند. جنبش‌های تمامیت‌خواه یکی از عوارض دوران گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی مدرن بوده است و از همین رو نه در جامعه کاملاً سنتی (گزینه ۳) و نه در جامعه کاملاً صنعتی و مدرن زمینه بروز پیدا نمی‌کند. بنابراین جامعه توده‌وار گریزان از آزادی و هراسان از تهاجم سرمایه‌داری بزرگ، از شرایط پیدایش جنبش‌های تمامیت‌خواه یا توتالیتر راست است.

۱۵- گزینه «۱» معمولاً دو معیار را در تقسیم‌بندی رژیم‌های سیاسی در نظر می‌گیرند: ۱- نحوه اعمال قدرت بر جامعه ۲- میزان اعمال قدرت بر جامعه. از نظر معیار اول می‌توان رژیم‌های سیاسی را به دو دسته دموکراتیک و اقتدارطلب تقسیم کرد. از نظر معیار دوم، رژیم‌ها به دو دسته چپ‌گرا و راست‌گرا تقسیم می‌شوند. از ترکیب این دو معیار، چهار دسته رژیم سیاسی به دست می‌آیند که عبارت‌اند از:

۱- رژیم‌های دموکراتیک راست مانند دولت رفاهی، لیبرال، محافظه‌کار و لیبرال دموکراتیک

۲- رژیم‌های اقتدارطلب راست مانند فاشیسم

۳- رژیم‌های دموکراتیک چپ مانند پوپولیستی، سوسیالیستی

۴- رژیم‌های دموکراتیک راست مانند کمونیسم.

۱۶- گزینه «۴» از نظر اجتماعی، براساس اغلب نظریاتی که در مورد پیدایش جنبش‌های فاشیستی مطرح شده است، این جنبش‌ها در جوامعی پیدا شدند که شاهد فرآیند گسترده فروپاشی همبستگی سنتی و توده‌ای شدن جامعه بودند. فاشیسم بر اساس تعبیر گوناگون، واکنشی در برابر روند نوسازی و صنعتی شدن بود و در بین گروه‌هایی جاذبه پیدا کرد که دچار وضعیت انومی (گسیختگی) شده بودند. در متن چنین وضعیتی، فرد از نظر روانشناختی احساس امنیت خود را از دست می‌دهد و برای جبران امنیت از دست رفته، به دامن قدرت پناه می‌برد.

فصل دهم

«انواع جامعه سیاسی؛ رابطه دولت با جامعه مدنی و توده‌ها»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دهم

- ۱- کدام دولت‌ها می‌کوشند، با ایجاد یا حفظ تعادل طبقاتی، خود را از سلطه طبقاتی به دور نگه دارند؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) مطلقه (۲) فاشیستی (۳) تکثرگرا (۴) بنیپارتیستی
- ۲- رژیم رضاشاه در ایران از نوع جامعه‌سیاسی بود. (سراسری ۸۱)
- (۱) تکثرگرا (۲) بسته سنتی (۳) بسته توده‌ای (۴) نیمه‌سنتی و غیر توده‌ای
- ۳- جامعه مدنی در اندیشه گرامشی عبارت است از: (سراسری ۸۱)
- (۱) جامعه متمدن (۲) شکل اولیه تکوین دولت (۳) حوزه روابط مادی و اقتصادی (۴) مرکز تشکیل هژمونی فکری طبقه حاکمه
- ۴- از نظر اریش فروم زمینه اجتماعی ظهور فاشیسم کدام است؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) واکنش طبقات سنتی بر ضد مدرنیسم (۲) واکنش طبقه کارگر به سلطه بورژوازی (۳) واکنش طبقات مدرن به بحران سرمایه‌داری (۴) واکنش طبقات مدرن و سنتی بر ضد دموکراسی
- ۵- وضعیت آنومی در کدام یک از اشکال اجتماعی زیر ظاهر می‌شود؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) جامعه مدنی (۲) جامعه سنتی (۳) جامعه توده‌ای (۴) نظام سرمایه‌داری مدرن
- ۶- از نظر ویلیام کورن هوزر در کدام یک از انواع جوامع زیر امکان پیوستن به البیت و قابلیت بسیج توده‌ها وجود دارد؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) جامعه توتالیتر (۲) جامعه تکثرگرا (۳) جامعه توده‌ای (۴) جامعه همبسته سنتی
- ۷- اریک فروم کدام عامل را به عنوان ریشه‌های فاشیسم مطرح می‌کند؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) ناکامی لیبرالیسم (۲) طبقه سرمایه‌دار (۳) فروپاشی دموکراسی (۴) احساس ناامنی طبقات ماقبل سرمایه‌داری
- ۸- جامعه توده‌وار مساعد پذیرش یک رژیم است. (سراسری ۸۳)
- (۱) رفاهی (۲) تمامیت‌خواه (۳) دموکراتیک (۴) آریستوکرات
- ۹- براساس نظریه «هانا آرنه» در کتاب ریشه‌های توتالیتراریسم منشأ جنبش‌ها و رژیم‌های توتالیتر مدرن کدام جامعه است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) توده‌ای (۲) سنتی (۳) مدنی (۴) مدرن
- ۱۰- کدام معادله معقول است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) جامعه مدنی قوی و دولت تمامیت‌خواه (۲) جامعه مدنی قوی و دولت اقتدارگرا (۳) جامعه مدنی پراکنده و دولت اقتدارگرا (۴) جامعه مدنی پراکنده و دولت ضعیف
- ۱۱- انقلاب در کدام حالت متصور است؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) جامعه مدنی نیمه قوی، نیمه ضعیف (۲) جامعه مدنی کاملاً ضعیف (۳) جامعه مدنی کاملاً قوی (۴) جامعه مدنی آنومیک
- ۱۲- کدام یک از رژیم‌های سیاسی، دموکراتیک و چپ‌گراست؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) پوپولیست (۲) کمونیست (۳) فاشیست (۴) محافظه‌کار
- ۱۳- از نظر کورن‌هاوزر جامعه‌ای که در آن نخبگان آلت فعل غیرنخبگان می‌شوند و بالعکس چه نامیده می‌شود؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) توتالیتر (۲) توده‌ای (۳) کمونی (۴) کثرت‌گرا

- ۱۴- از نظر کدام یک از متفکرین، جامعه مدنی براساس یک قرارداد اجتماعی و در مقابل وضع طبیعی به وجود آمد؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) ارسطو (۲) فرگسون (۳) گرامشی (۴) هابز
- ۱۵- کدام اندیشمند، تئوری «جامعه توده‌وار» را مطرح کرد؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) پارسونز (۲) کورن هاوزر (۳) رابرت گار (۴) مارکس
- ۱۶- گرامشی جامعه مدنی را به چه معنایی به کار می‌برد؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) جزئی از روبنا (۲) جامعه متمدن (۳) حوزه روابط مادی (۴) جامعه در مقابل خانواده
- ۱۷- از نظر آلکسی دو توکویل ظهور تشنج و پرخاشجویی در جامعه به دلیل کدام یک از عوامل زیر است؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) بهبود شرایط زندگی فرد و افزایش توقعات او عامل نارضایتی است. (۲) نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی عامل بروز انقلاب است. (۳) سرکوب غرایز افراد در جامعه موجب پیدایش انقلاب می‌شود. (۴) نارضایتی از اوضاع اقتصادی و فاصله طبقاتی موجب انقلاب می‌شود.
- ۱۸- حاکمیت توتالیتراریسم موضع فکری کدام یک از اندیشمندان زیر بوده است؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) اریک فروم (۲) هربرت مارکوزه (۳) یورگن هابرماس (۴) هانا آرنت
- ۱۹- وضعیت آنومی در کدام یک از اشکال زیر ایجاد می‌شود؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) جامعه توده‌ای (۲) جامعه سنتی (۳) جامعه مدنی (۴) نظام سرمایه‌داری
- ۲۰- جامعه توده‌وار مستعد کدام رژیم سیاسی است؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) توتالیتر (۲) دموکراسی (۳) اقتدارطلب (۴) هرج و مرج
- ۲۱- جامعه توده‌ای دارای گرایش است. (آزاد ۸۷)
- (۱) پوپولیستی (۲) کمونیستی (۳) آزادی‌خواهی (۴) پولیاریتی
- ۲۲- کدام یک از نظریه پردازان اجتماعی زیر جامعه مدنی را به مفهوم حوزه روبنایی و به ویژه بخش ایدئولوژیک آن به کار می‌برد؟ (آزاد ۸۷)
- (۱) مارکوزه (۲) هابرماس (۳) گرامشی (۴) مارکس
- ۲۳- از نظر «کارل مارکس» سه ویژگی عمده «جامعه مدنی»، کدام است؟ (سراسری ۸۸)
- (۱) آمریت، تابعیت و حاکمیت (۲) تفرق، عدالت و نیاز (۳) فردیت، رقابت و منازعه (۴) اجماع، ترغیب و مشروعیت
- ۲۴- کتاب ریشه‌های توتالیتراریسم مربوط به کدام یک از دانشمندان است؟ (آزاد ۸۸)
- (۱) هابرماس (۲) اریش فروم (۳) هانا آرنت (۴) ماکس وبر
- ۲۵- کتاب گریز از آزادی مربوط به کدام یک از دانشمندان زیر است؟ (آزاد ۸۸)
- (۱) اریش فروم (۲) هانا آرنت (۳) برتراند راسل (۴) هابرماس
- ۲۶- اریش فروم در کتاب خود می‌گوید و معتقد است که: (آزاد ۸۸)
- (۱) فاشیسم ناشی از رفتارهای روانی و مدرنیسم است. (۲) فاشیسم ناشی از فشارهای روحی و سرمایه‌داری است. (۳) فاشیسم ناشی از فشارهای اجتماعی و سرمایه‌داری است. (۴) فاشیسم ناشی از فشارهای روانی مدرنیسم و سرمایه‌داری است.
- ۲۷- از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در چارچوب نظریه بسیج نوشته شده است اثر اولسون است به نام: (آزاد ۸۸)
- (۱) منطق دسته‌جمعی اجتماعی (۲) منطق کنش جمعی (۳) منطق کنش حرکت اجتماعی (۴) منطق واکنش‌های اجتماعی
- ۲۸- از نظر گرامشی جایگاه اصلی قدرت (سراسری ۸۹)
- (۱) طبقه کارگر است که نیروی کار را در اختیار دارد. (۲) دولت است که از طریق زور قبضه می‌شود. (۳) جامعه مدنی است که با ایدئولوژی تسخیر می‌شود. (۴) طبقه مسلط جامعه است که ابزار تولید را در دست دارد.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده کنکور فصل دهم

۱- گزینه «۱» منظور از دولت مطلقه، آن نوع حکومتی بود که در انتقال جامعه از فئودالیته به سرمایه‌داری اولیه نقش اساسی داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های دولت مطلقه در اروپا تمرکز و انحصار در منابع و ابزارهای قدرت دولتی، تمرکز وسایل اداره جامعه در دست دولت متمرکز ملی، پیدایش ارتش جدید، ناسیونالیسم و تأکید بر مصلحت دولت ملی بود. بنابراین دولت‌های مطلقه به دلیل ضرورت انجام کارویژه‌های خاص خود نظیر اصلاحات اقتصادی، مالی، دیوانی و اداری می‌بایست خود را از سلطه طبقاتی به دور نگه می‌داشتند.

۲- گزینه «۲» رژیم رضا شاه در ایران از نوع جامعه بسته سنتی بود. به این مفهوم که در جوامع بسته سنتی تصور وجود حوزه‌های خصوصی به عنوان عرصه حقوق فردی و گروهی مجزا از قدرت عمومی وجود ندارد. در این جوامع، گروه‌های اجتماعی از عرصه مستقلی برخوردار نیستند. همچنین جامعه مدنی در معارضه با قدرت دولتی پیدا نشده که نیازی به سرکوب آن ایجاد شود. در نتیجه، ساخت قدرت سیاسی بسته و به دور از تعارضات اجتماعی است. در این نوع از جامعه سیاسی، سیاست نه فعالیت گروهی است و نه خصلتی توده‌ای پیدا کرده است، بلکه فرآیندی فردی و شخصی است. جامعه بسته توده‌ای نیز بیانگر نوع رژیم ایران در فاصله سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۴ است. در این نوع از جامعه سیاسی گروه‌های جامعه مدنی گسترش یافته و نسبتاً نیرومندند و خطراتی برای ثبات سیاسی ایجاد می‌کنند. در واکنش، دولت بدون اینکه بتواند جامعه مدنی را کاملاً سرکوب کند، به منظور تضعیف آن دست به بسیج توده‌ای می‌زند. بحران مشروعیت و مشارکت سیاسی در این نوع جامعه سیاسی بسیار آشکار است.

۳- گزینه «۴» در نظر گرامشی، جامعه مدنی به مفهوم جزئی از روبنا (نه حوزه زیربنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی (استیلای فکری) طبقه حاکم به کار رفته است. به طور خلاصه، جامعه مدنی طبق نظر گرامشی حوزه‌ای است که در آن دستگاه‌های ایدئولوژیک (رادیو، تلویزیون، کلیسا، مراکز آموزشی و ...) به منظور ایجاد هژمونی (استیلای) طبقاتی عمل می‌کنند. همچنین جامعه مدنی خود جزئی از دولت تلقی می‌شود با این تفاوت که جامعه مدنی حوزه اجماع، ترغیب، مشروعیت و کار آموزشی است، در حالی که حوزه دولت، حوزه زور، اجبار و سلطه است. جامعه مدنی در اندیشه مارکس به مفهوم حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت، در اندیشه فرگسون به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی و در اندیشه هگل به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت است.

۴- گزینه «۱» اصولاً فاشیسم، محصول واکنش طبقات سنتی رو به افول (دهقانان، خرده‌بورژوازی و اشراف) نسبت به مدرنیسم و مظاهر آن است. بنابراین طبقات مدرن (کارگران، بورژوازی و ...) جزء پایگاه اجتماعی فاشیسم محسوب نمی‌شوند. به نظر اریش فروم طبقات جامعه سنتی به‌ویژه طبقات متوسط در حال افول در فرآیند نوسازی، امنیت و آرامش مألوف خود را از دست می‌دهند و از آزادی‌هایی که جامعه مدرن به همراه می‌آورد، گریزانند و از همین رو با پیدایش جنبش و ایدئولوژی و رهبری، خود را در دام آن می‌افکنند تا از این آزادی نامطلوب بگریزند و امنیت سنتی از دست رفته را در درون ایدئولوژی توتالیتار و فراگیری (نظیر فاشیسم) بازیابند. اریش فروم در کتاب گریز از آزادی، فاشیسم را ناشی از فشارهای روانی مدرنیسم و سرمایه‌داری می‌داند.

۵- گزینه «۳» «آنومی» به معنای سرگشتگی، تنهایی، فقدان امنیت و بحران هویت طبقاتی است که در فرآیند نوسازی دچار آسیب و بحران شده‌اند. آنومی، مظهر جامعه توده‌ای است. وضعیت آنومی معمولاً در شرایط گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن پیش می‌آید. بنابراین آنومی نه در جامعه کاملاً سنتی زمینه ظهور می‌یابد و نه در جامعه کاملاً مدرن. از نظر جامعه‌شناسی دورکهایمی، جامعه توده‌ای، مظهر وضعیت آنومی یا بی‌هنجاری است.

۶- گزینه «۳» جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی را دربرمی‌گیرد. مفهوم جامعه توده‌ای در مقابل مفهوم جامعه مدنی به منظور توصیف برقراری نوعی از روابط میان دولت و جامعه به کار می‌رود. در جامعه توده‌ای بر خلاف جامعه مدنی تمایزات گروهی کم‌رنگ می‌شوند. با فروپاشی هویت‌های قومی، محلی، مذهبی، صنفی، شئوناتی و طبقاتی و با پیدایش ارتباطات و سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی توده‌ای، همسان‌سازی افزایش می‌یابد. در متن جامعه توده‌ای امکان پیدایش سازمان‌های اجتماعی و سیاسی توده‌ای و به‌ویژه جنبش‌های بسیج توده‌ای افزایش می‌یابد. به نظر کورنهورز در غیاب جامعه مدنی و نهادهای آن، جامعه توده‌ای می‌شود. در این شرایط البت‌ها (نخبگان سیاسی) به سهولت در معرض نفوذ توده‌ها و توده‌ها به سهولت در دسترس البت‌ها قرار می‌گیرند.

ولی در جامعه تکثرگرا به دلیل وجود جامعه مدنی قوی و نهادهای آن و همچنین در جامعه همبسته سنتی به دلیل وجود سنت‌های مستقر که چارچوب معینی برای رابطه توده و البت مشخص می‌کند، امکان بسیج توده‌ها منتفی است.

۷- گزینه «۴» به نظر فروم از نظر پایگاه اجتماعی، فاشیسم مظهر واکنش اعتراض‌آمیز و اساس ضعف و خطر طبقات ماقبل سرمایه‌داری و به ویژه خرده‌بورژوازی و دهقانان نسبت به پیامدهای دموکراسی، مدرنیسم و جامعه صنعتی بوده است. به عبارت دیگر فاشیسم به عنوان جنبش اجتماعی، واکنش طبقات و گروه‌های ماقبل سرمایه‌داری و سنتی آسیب‌دیده از فرآیند نوسازی و مدرنیسم برضد جامعه مدرن و مظاهر گوناگون آن (اعم از سرمایه‌داری، سوسیالیسم، لیبرالیسم و مدرنیسم) بوده است. به عبارت دیگر فاشیسم علیه دموکراسی و لیبرالیسم شکل گرفت؛ نه به دلیل ناکامی و فروپاشی آن‌ها (گزینه‌های ۱ و ۲)، همچنین جهت‌گیری علیه سرمایه‌داری بزرگ خود یکی از ویژگی‌های فاشیسم است.

۸- گزینه «۲» جامعه توده‌وار، جامعه‌ای است که فقدان جامعه مدنی و نهادهای آن از قبیل: احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی، مطبوعات مستقل، بنگاه‌های صنفی و اقتصادی و ... از مشخصه‌های آن است و توده‌ها در ارتباط مستقیم با قدرت سیاسی قرار دارند. دولت در این جوامع به دلیل فقدان جامعه مدنی (به عنوان ضربه‌گیر و حائل میان توده‌ها و قدرت سیاسی) تمایل به رسوخ در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و در نتیجه تمامیت‌خواهی دارد. در مقابل در جوامع دموکراتیک و تا حدودی رفاهی به دلیل وجود جامعه مدنی امکان شکل‌گیری تمامیت‌خواهی وجود ندارد. جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی را دربرمی‌گیرد.

۹- گزینه «۱» هانا آرنت در کتاب ریشه‌های توتالیتراریسم، منشأ جنبش‌ها و رژیم‌های توتالیتر مدرن را در شرایط جامعه توده‌ای جستجو می‌کند. به نظر وی از آغاز انقلاب صنعتی و فروپاشی ساخت اجتماعی قدیم، فرد در جامعه مدرن دچار تنهایی و سرگشتگی شده است و این خود، حوزه عمومی زندگی سیاسی را مختل ساخته است.

حاصل این فرآیند، پیدایش فرد منزوی و تنهایی است که تنهایی او نه تنها به معنی با دیگری نبودن بلکه به معنی با خود نبودن نیز هست. این تنهایی منفی، ویژگی توده‌های عظیم جمعیت در قرن بیستم است. جنبش توده‌ای نیز راهی برای رهایی توده‌ها از این تنهایی عمیق است. ایدئولوژی دولت توتالیتر در پی احیا و اعاده همبستگی و زندگی معنوی از دست رفته است. از سوی دیگر دولت توتالیتر که خود برخاسته از شرایط جامعه توده‌ای و تنهایی فردی است با از بین بردن مبانی جامعه مدنی و سنن سیاسی و حقوقی جامعه و تبدیل طبقات به توده، شرایط جامعه توده‌ای را اساساً تشدید می‌کند. به نظر هانا آرنت توتالیتراریسم از طریق ترور و ایدئولوژی، جامعه مدنی را در هم می‌شکند و شرایط جامعه توده‌ای را تحکیم می‌کند. بدین ترتیب جامعه توده‌ای در نقطه مقابل جامعه مدنی قرار دارد.

۱۰- گزینه «۳» در جوامع اقتدارگرا جامعه مدنی چندان قوت نیافته است یا در صورت گسترش، نهادمند و سازمان‌یافته نشده است. دولت نیز به دلیل ضعف جامعه مدنی خصلتی اقتدارگرا می‌یابد، بنابراین ساخت دولت نسبتاً بسته است و گروه‌های نوپدید نمی‌توانند به درون آن راه یابند. تمامیت‌خواهی و اقتدارگرایی در صورت فقدان جامعه مدنی شکل می‌گیرد. همچنین جامعه مدنی قوی موجب شکل‌گیری حکومت دموکراتیک می‌شود، بنابراین معادلات ۱ و ۲ متناقض‌اند.

۱۱- گزینه «۱» در جامعه مدنی کاملاً ضعیف، مشروعیت سیاسی از حوزه‌های سنتی و مذهبی گرفته می‌شود. از سوی دیگر، قدرت و قوت مبانی مشروعیت سیاسی در این جوامع مانع از پیدایش بحران‌های سلطه می‌شود، در نتیجه تفکر انقلابی شکل نمی‌گیرد. به عبارت دیگر هنوز جامعه مدنی در معارضه با قدرت دولتی شکل نگرفته است. در جامعه مدنی کاملاً قوی نیز جامعه مدنی و نهادها و مؤسسات آن خودجوش و نیرومندند و علایق افراد یا توده‌های پراکنده را در اصناف و گروه‌ها و تشکل‌های مختلف سازمان می‌دهند و جامعه از طریق آن‌ها تقاضاهای سیاسی خود را پیگیری می‌کنند. بدین ترتیب امکان انقلاب منتفی است. بنابراین در جامعه مدنی نیمه‌قوی و نیمه‌ضعیف، انقلاب قابل تصور است.

۱۲- گزینه «۱» از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی ساخت قدرت بر دو نوع است: یکی ساخت قدرت یک‌جانبه (اقتدارگرا) و دیگری ساخت قدرت دو جانبه (دموکراتیک). طبقه‌بندی رژیم‌های سیاسی به چپ یا راست بودن نیز به میزان دخالت دولت در تغییر جامعه مربوط می‌شود. رژیم‌های چپ، رژیم‌هایی هستند که از میزانی تغییر در ساخت اقتصادی - اجتماعی حمایت می‌کنند؛ هدف از این تغییر دستیابی به وضعیتی عادلانه‌تر است. در مقابل در رژیم‌های راست‌گرا وضع موجود جامعه و نظام امتیازات اجتماعی مستقر را به عنوان امری مطلوب و طبیعی یا تغییرناپذیر تلقی می‌کنند. بر این اساس رژیم‌های پوپولیست؛ چپ و تا حدودی دموکراتیک، رژیم‌های کمونیست؛ چپ و اقتدارگرا، رژیم‌های فاشیست؛ راست و اقتدارگرا و رژیم‌های محافظه‌کار؛ راست و تا حدودی دموکراتیک هستند.

۱۳- گزینه «۲» ویلیام کورن‌هاوزر جامعه دموکراتیک و تکثرگرا را در مقابل جامعه توده‌ای قرار می‌دهد. در غیاب جامعه مدنی و نهادهای آن، جامعه، توده‌ای می‌شود. جامعه توده‌ای، حاصل فروپاشی همبستگی گروهی است. همچنین به اعتقاد کورن‌هاوزر جامعه توده‌ای به معنی فقدان نهادهای مدنی مستقل از دولت به عنوان حایل میان توده‌ها و قدرت سیاسی است. در این شرایط الیت‌ها به سهولت در معرض نفوذ توده‌ها و توده‌ها به سهولت در دسترس الیت‌ها قرار می‌گیرند. در چنین وضعی جامعه، آمادهٔ بسیج می‌شود و شرایط برای پیدایش جنبش‌های توده‌ای توتالیتر فراهم می‌گردد.

۱۴- گزینه «۴» جامعه مدنی به مفهوم دولت در اندیشه ارسطو در مقابل خانواده، به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی در اندیشه آدام فرگسون و به مفهوم حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی در مقابل دولت در اندیشه مارکس به وجود آمد. همچنین مفهوم جامعه مدنی به موجب یک قرارداد و در مقابل وضع طبیعی در اندیشه اصحاب قرارداد شکل گرفت. مهم‌ترین اصحاب قرارداد عبارت‌اند از: هابز، لاک و روسو.

۱۵- گزینه «۲» ویلیام کورن‌هاوزر در کتاب «سیاست جامعه توده‌ای» در تحلیل پیدایش جامعه توده‌ای مدرن بر آن است که تحولات قرون اخیر زمینه پیدایش جامعه و جنبش‌های توده‌ای و توتالیتراریسم را در قرن بیستم فراهم کرده است. وی جامعه دموکراتیک و تکثرگرا (پلورالیستی) را در مقابل جامعه توده‌ای قرار می‌دهد. در غیاب جامعه مدنی و نهادهای آن، جامعه، توده‌ای می‌شود. نظریه جامعه توده‌ای خود درباره چگونگی از میان رفتن گروه‌ها و نهادهای واسط میان توده‌ها و قدرت دولتی است. جامعه توده‌ای، حاصل فروپاشی همبستگی‌های گروهی است. در جامعه توده‌ای، فرد با از دست دادن همبستگی‌های گروهی خود منزوی و «ذره‌گونه» می‌شود و برای پذیرش ایدئولوژی‌های توتالیتر و همبستگی‌بخش آمادگی پیدا می‌کند. پارسونز نظریه‌پرداز کارکردگرایی و مارکس نظریه‌پرداز جامعه طبقاتی است.

۱۶- گزینه «۱» در نظر گرامشی جامعه مدنی به مفهوم جزئی از روبنا (نه حوزه زیربنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی (استیلا فکری) طبقه حاکم به کار رفته است. به طور خلاصه جامعه مدنی، حوزه‌ای است که در آن دستگاه‌های ایدئولوژیک به منظور ایجاد هژمونی (استیلا) طبقاتی عمل می‌کنند. همچنین جامعه مدنی خود جزئی از دولت تلقی می‌شود با این تفاوت که جامعه مدنی حوزه اجماع، ترغیب، مشروعیت و کار آموزشی است، در حالی که حوزه دولت، حوزه زور، اجبار و سلطه است. جامعه مدنی به مفهوم جامعه متمدن (گزینه ۲) در مقابل جامعه ابتدایی در اندیشه آدام فرگسون، به مفهوم حوزه روابط مادی (گزینه ۳) در اندیشه مارکس و به مفهوم جامعه در مقابل خانواده (گزینه ۴) در اندیشه هگل به کار رفته است.

۱۷- گزینه «۱» آلکسی دوتوکویل معتقد است انسان‌ها با بهبود شرایط زندگی‌شان توقع دارند که روند بهبود همچنان ادامه یابد و اگر احساس کنند که یک حکومت مانعی برای بهبود شرایط جامعه ایجاد می‌کند، با آن مبارزه خواهند کرد. در واقع وی معتقد است که بهبود شرایط زندگی مردم و افزایش توقعات آن‌ها برای کسب شرایط بهتر باعث بروز انقلاب می‌شود. دوتوکویل تئوری «توقعات فزاینده» را در راستای بروز انقلاب‌ها مطرح کرده است.

۱۸- گزینه «۴» حاکمیت توتالیتراریسم، موضوع فکری هانا آرنت در کتاب «ریشه‌های توتالیتراریسم» است. وی در این کتاب به بررسی ریشه‌های نظام‌های توتالیتر می‌پردازد. وی معتقد است که نظام توتالیتر ریشه در جوامع توده‌ای دارد که در آن مردم از آزادی به سوی امنیت گریزان هستند.

۱۹- گزینه «۱» اصطلاح آنومی (بی‌هنجاری) را امیل دورکیم برای توصیف جامعه توده‌ای به کار برد. جامعه توده‌ای در مقابل جامعه مدنی قرار دارد. در جامعه در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن، حالتی از گسیختگی و بی‌هنجاری و فقدان همبستگی پیش می‌آید که دورکیم آن را آنومی می‌خواند. بنابراین وضعیت آنومی نه در جامعه کاملاً سنتی و نه در جوامع مدرن بلکه در جوامع نیمه‌سنتی و نیمه‌مدرن یا در حال گذار به وقوع می‌پیوندد.

۲۰- گزینه «۱» جامعه توده‌وار، جامعه‌ای است که فقدان جامعه مدنی و نهادهای آن (از قبیل: احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی، مطبوعات، بنگاه‌های صنفی و اقتصادی و ...) مشخصه آن است و توده‌ها به واسطه عدم ارتباط با این نهادها در ارتباط مستقیم با قدرت سیاسی قرار دارند. دولت در این جوامع (به دلیل فقدان جامعه مدنی به عنوان ضربه‌گیر و حائل میان توده‌ها و قدرت سیاسی) تمایل به رسوخ در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و خصوصی و در نتیجه تمامیت‌خواهی دارد. در مقابل در جوامع دموکراتیک به دلیل وجود جامعه مدنی امکان شکل‌گیری تمامیت‌خواهی وجود ندارد. جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات و تشکل‌های خصوصی و مدنی را دربرمی‌گیرد. بنابراین جامعه توده‌وار مستعد رژیم سیاسی توتالیتر است.

۲۱- گزینه «۱» مفهوم جامعه توده‌ای در مقابل مفهوم جامعه مدنی به منظور برقراری نوعی از روابط میان دولت و جامعه به کار برده می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی جامعه توده‌ای، سرکوب فرهنگی - اجتماعی است. در متن جامعه و جنبش توده‌ای هیچ گروه یا سازمانی نمی‌تواند فعالیت داشته باشد، یعنی تنها خواسته‌هایی که به اراده توده‌هاست، مشروع دانسته می‌شوند. از همین رو گفته می‌شود که جامعه توده‌ای دارای گرایش پوپولیستی است.

۲۲- گزینه «۳» بعد از مارکس، آنتونیو گرامشی بیش از هر مارکسیست دیگری مفاهیم دولت و جامعه مدنی را در ارتباط با یکدیگر به کار برد. با این حال گرامشی نظر متفاوتی ارائه داد. در اندیشه مارکس، جامعه مدنی همان حوزه بنیادی مادی یا روابط زیربنایی است که براساس آن حوزه روبنایی حقوق، دولت و ایدئولوژی پیدا می‌شود. در حالی که گرامشی جامعه مدنی را به مفهوم حوزه روبنایی به ویژه بخش ایدئولوژیک آن به کار می‌برد.

۲۳- گزینه «۳» سه ویژگی عمده جامعه مدنی در نظر مارکس فردیت، رقابت و منازعه است. به نظر مارکس جامعه مدنی به مفهوم حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت است. بنابراین به نظر وی جامعه مدنی محل منازعه طبقاتی است و مفاهیم عدالت، اجماع و مشروعیت در آن جایی ندارند.

۲۴- گزینه «۳» کتاب «ریشه‌های توتالیتراریسم» متعلق به هانا آرنست است. وی در این کتاب منشأ جنبش‌ها و رژیم‌های توتالیتر مدرن را در شرایط جامعه توده‌ای جست و جو می‌کند. وی معتقد است توتالیتراریسم از طریق ترور و ایدئولوژی به دو شیوه جامعه مدنی را از بین می‌برد و شرایط جامعه توده‌ای را تحکیم می‌بخشد: ۱- ویران کردن روابط میان انسان‌ها ۲- ویران کردن روابط ادراکی انسان با واقعیت. ایدئولوژی توتالیتر با عرضه تفسیر واحدی از کل امور، اراده فرد را برای اجبار درونی خودش بسیج می‌کند.

۲۵- گزینه «۱» اریش فروم در کتاب گریز از آزادی زمینه‌های روانی گرایش خرده‌بورژوازی به فاشیسم را روشن کرده است. به نظر او ایدئولوژی اقتدارگرایانه نازیسم برای خرده‌بورژوازی آلمان از نظر روانی بسیار جذاب بود. خرده‌بورژوازی در مقایسه با دیگر اقشار، با شور و شوق قبلی از ایدئولوژی نازیسم استقبال کرد. به نظر فروم، ویژگی‌های روانشناختی بورژوازی آلمان محصول تاریخی تحولات اجتماعی آن کشور بود.

۲۶- گزینه «۴» اریش فروم در کتاب گریز از آزادی معتقد است که فاشیسم ناشی از فشارهای روانی مدرنیسم و سرمایه‌داری است. وی در این کتاب زمینه‌های روانی گرایش خرده‌بورژوازی به فاشیسم را مشخص کرده است. به نظر او در قرون وسطی انسان از امنیت برخوردار بود ولی آزادی نداشت، اما با وقوع رنسانس، فردگرایی، جست و جوی قدرت، ثروت و رقابت جای زندگی امن گذشته را گرفته است. احساس تنهایی، حقارت و عدم امنیت فرد موجب پناه بردن وی به سوی قدرت و اقتدارطلبی می‌شود.

۲۷- گزینه «۲» از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در چارچوب نظریه بسیج منابع نوشته شده و به نظریه انتخاب عقلانی کمک کرده، کتاب منطق کنش جمعی اثر مانکور اولسون است. نظریه رفتار جمعی مطرح شده در این کتاب بر اساس دو فرضیه اقتصاد نئوکلاسیک استوار است. اول اینکه انتخاب‌های اجتماعی را باید بر حسب اولویت‌های فردی توضیح داد. دوم اینکه افراد، عقلانی عمل می‌کنند تا منافعتشان به حداکثر و زیان‌هایشان را به حداقل برسانند.

۲۸- گزینه «۳» گرامشی عرصه مبارزه طبقاتی را (نه طبق اندیشه مارکس حوزه روابط تولیدی)، بلکه در بستر جامعه مدنی و ایدئولوژی به عنوان تسلط طبقه حاکم می‌داند. به نظر وی فرو ریختن این ایدئولوژی از سرنگونی خود دولت مهم‌تر است. بنابراین به اعتقاد گرامشی دگرگونی زیربنا (حوزه روابط مادی و اقتصادی) به دلیل کاربست ایدئولوژی تغییری در روبنای سیاسی (دولت) به وجود نمی‌آورد. از این رو از نظر گرامشی جایگاه اصلی قدرت، جامعه مدنی است که با ایدئولوژی تسخیر می‌شود. در نظر نخبه‌گرایی است که دولت از طریق زور قبضه می‌شود. طبقه مسلط به عنوان جایگاه اصلی قدرت نیز در اندیشه مارکس برجسته شد.